

# مجلسه‌فرا



دانشگاه فرهنگیان  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
دفتر نشریات و فناوری آموزشی



برای معلمان، کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان  
دوره چهاردهم - آبان ۱۳۹۶ - شماره پیدرپی ۱۰۴ - ۴۸ صفحه - ۹۰۰۰ ریال



## سرنوشت کتابخانه‌ها در عصر دیجیتال

قبض برق با طعم کتاب  
کتابخوانی مشارکتی  
سرنوشت کتابخانه‌ها در عصر دیجیتال

## خوانی کودک و نوجوان



باشگاه‌های کتاب‌خوانی در ۱۰۰ شهر ایران فعال‌اند.

برای برپایی باشگاه‌ها، در مرحله نخست پژوهشگران و مدرسان برجسته حوزه کودک و نوجوان پس از چندجلسه هماهنگی اولیه، به همه این شهرها رفتند و آموزش‌های لازم را به تعدادی از مربیان دادند.

فرایند ثبت‌نام بسیار ساده است. کافی است مربیان، اعضای باشگاه خود را به همراه کد ملی معرفی کنند. کد ملی برای هماهنگی‌های بعدی به منظور رساندن کتاب همراه با تخفیف ۵ درصد به اعضای باشگاه است.

کتاب‌های قابل مطالعه در این باشگاه‌ها هم در چهار فهرست و برای گروه‌های سنی مختلف تهیه و به مربیان ارائه شده‌اند. این فهرست را هم خود پژوهشگران و نویسندگان حوزه کودک و نوجوان از میان کتاب‌های موجود در بازار انتخاب کرده‌اند.

در مرحله بعد، باشگاه‌های شهرستان در رقابتی داخلی بهترین باشگاه، بهترین کتاب خوانده شده، بهترین فیلم ساخته شده و بهترین نامه نوشته شده در شهرستان را برای شرکت در رقابت‌های کشوری انتخاب می‌کند.

### اهداف ایجاد باشگاه‌ها

آشنایی کودکان و نوجوانان با محیط کتاب‌فروشی، انتخاب و خرید کتاب / مطالعه و بحث درباره کتاب / چرخش کتاب در میان همسالان؛ هر عضو باشگاه کتابی را که خریده است به اعضای دیگر می‌دهد تا آن‌ها هم مطالعه کنند / ارزیابی کتاب بر اساس نظر شخصی و دفاع از نظر خود در جمع همسالان / بررسی کتاب‌ها و انتخاب یک کتاب به عنوان کتاب برگزیده باشگاه در فضای بحث و گفت‌وگوی میان همسالان / نگارش نامه به نویسنده مورد نظر خود (ارتباط با نویسنده) / تهیه یک قطعه فیلم کوتاه (حدود ۱ دقیقه‌ای) با موضوع کتاب / تمرین فعالیت‌های مستقل فرهنگی توسط مربیان / برقراری ارتباط مستقیم میان نویسندگان کودک و نوجوان با خوانندگان

# ۲ رشد ماهنامه فarda

دوره چهاردهم / شماره پی در پی ۱۰۴ / آبان ۱۳۹۶  
ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی  
شرکت افست

مدیر مسئول: محمد ناصری  
سردبیر: محمد عطاران  
شورای برنامه ریزی و کارشناسی:  
شعبا ملک  
سیده فاطمه شبیری  
زینب گلزاری  
علیرضا منسوب بصیری  
مدیر داخلی: بهناز پورمحمد  
ویراستار: افسانه حجتی طباطبائی  
طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک نژاد

نشانی پستی دفتر مجله:  
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶  
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵  
تلفن: ۰۲۱ ۸۸۸۳۱۱۶۱۹ داخلی ۳۷۰  
تلفن‌های امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۶۶۵۵ داخلی ۰۲۱  
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

وبگاه: www.roshdmag.ir  
پيام‌نگار: Email:farda@roshdmag.ir  
وبلاگ: http://weblog.roshdmag.ir/Farda

عکس روی جلد: اعظم حسن‌لاریجانی

## یادداشت سردبیر

- داستان: سرآغاز خواندن / محمد عطاران ۴
- عطر کتاب در مدرسه / نرگس سجادیه ۲۰
- آشتی با کتابخانه / نرگس معینی ۲۲
- اندر فضیلت کتاب نخوانی! / عبدالعظیم کریمی ۲۶
- به اشتراک گذاشتن جامعه با خود / ترجمه: محمدمین اسپروز ۲۹
- سر نوشت کتابخانه‌ها در عصر دیجیتال / ترجمه: محمدمین اسپروز ۳۸

## اندیشه

- واقعیتی سوار بر خیال / هیوا علیزاده ۸
- باید کتاب خواند! / مریم محمدخانی ۱۰
- قبض برق با طعم کتاب / لیلا مرادیان ۱۲
- کتابخوانی مشارکتی / سیده سوده شبیری ۱۶
- لذت‌بخش‌ترین کار دنیا / صغری ملکی ۳۲
- ساقی می نخورده / سیده فاطمه شبیری ۴۱
- کتاب بهانه‌ای برای تبدیل شهر به مدرسه / علیرضا منسوب بصیری ۴۶

## تجربه

## طنز

- ۱۰ فرمان ترغیب دانش‌آموزان به کتابخوانی / رویا صدر ۲۴
- کتابک، پنجره‌ای به جهان خواندن / فریبا موسوی‌زاده ۱۴
- ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی / بهروز رضایی ۳۴
- جایزه آساهی / نرگس معینی ۴۴
- برای کتابخوانی دیجیتال به کجا برویم؟ / فرشته سعیدی ۴۸

## پیشخوان

### نویسندگان و مترجمان محترم!

- این مجله متعلق به شماست، تجربه‌های ناب، ایده‌ها و حاصل پژوهش‌های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن‌ها در مجله، علاقه‌مندان به این حوزه در تجربیات شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:
- مقاله‌هایی را که می‌فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشد در جای دیگری چاپ نشده باشد.
  - مقالات، حاوی مطالب کلی و گردآوری شده در ارتباط با فناوری و کاربرد آن در کلاس درس نباشد.
  - مقاله ترجمه شده با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید فرمایید.
  - نشر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.
  - در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع را بیاورید.



# مرگ کتاب<sup>۱</sup>

شما هم شاید مانند من در روزنامه‌ها و اخبار، آمار کاهش سرانۀ مطالعه کتاب در ایران را خوانده یا شنیده‌اید. ظرف چند دهه گذشته با اینکه جمعیت ایران افزایش یافته، شمارگان انتشار کتاب کاهش پیدا کرده است. چهار دهه پیش که جمعیت ایران کمتر از نیمی از جمعیت فعلی بود، شمارگان نشر کتاب در حدود دو تا دو هزار و پانصد بود و امروز که این جمعیت دو برابر شده است و شمار تحصیلکردگان به چند برابر افزایش یافته، شمارگان نشر کتاب به هزار، پانصد و گاه دویست کاهش پیدا کرده است. بعضی از افراد در توجیه این موضوع به گسترش فناوری و جایگزین شدن صنعت تفریح و سرگرمی در پرتو فناوری‌های جدید اشاره می‌کنند و آن را لازمة توسعه فناوری‌های معاصر، مانند ماهواره و اینترنت، می‌دانند. به اعتقاد ایشان، نتیجه ناگزیر رشد فناوری‌های جدید، مرگ خواندن و مطالعه است. نسل جدید ترجیح می‌دهد بیشتر ببیند و بشنود تا بخواند. سیستم‌های فناوری مردم را عجول کرده‌اند و نوعی سرعت و دویدن خلق و خوی عموم مردم شده است، که با کتاب‌خوانی یکجا جمع نمی‌شود. کتاب‌خوانی فراغت ذهنی می‌خواهد. به نظر آن‌ها، مطالعه‌ای که در شبکه‌ها و فضای مجازی اتفاق می‌افتد مطالعه نیست؛ فعالیت ذهن‌هایی پراکنده و مملو از اطلاعات پردازش نشده است که با مطالعه کتاب تفاوت دارد. در این زمینه به چند نکته باید توجه کرد:

۱. به‌طور کلی، اگر خواندن را منحصر به کاغذهای چاپی نکنیم، حداقل مشاهده آنچه در عالم فناوری‌های جدید، مانند رایانه و اینترنت، رخ می‌دهد بیانگر آن است که مردم بیش از گذشته می‌خوانند و می‌نویسند. پیش از این، مردم بیشتر کار می‌کردند و با هم حرف می‌زدند ولی اکنون در خلوت خود و به تنهایی کار می‌کنند، می‌نویسند و می‌خوانند و اغلب اوقات جلوی نمایشگر رایانه در حال مشاهده صفحه نمایش تلفن هوشمند خود هستند؛ ارتباطی که پیش از این بیشتر شفاهی بود و رو در رو یا از طریق تلفن صورت می‌گرفت، اکنون صورت نوشتاری، خوانداری و ایمیلی پیدا کرده است. البته همه این‌ها با خواندن کتاب ارتباطی ندارد. این حرف درست است ولی خیلی عجیب به نظر می‌آید که مرگ کتاب را ناشی از سیطره فناوری بدانیم که خواندن را بیش از گذشته ترویج می‌کند.

۲. کاهش میزان مطالعه در ایران، بیش از آنکه نتیجه رشد فناوری باشد، معلول نظام آموزشی‌ای است که بیش از گذشته آزمون‌مدار شده است و بیش از اینکه به تأمل و شرح و بسط افکار اهمیت دهد، آزمون‌های چندگزینه‌ای را معیار دانش و توانایی‌های علمی می‌داند، اکنون مسابقه خانوادها و مراکز آموزشی خارج از نظام آموزش رسمی کشور در برگزاری آزمون‌های کنکور به دبستان کشیده شده است. در تأیید این مطلب می‌توان به شمارگان کتاب‌های کمک آموزشی و تست و نمود ویژه آن در نمایشگاه بین‌المللی کتاب ایران در اردیبهشت ماه هر سال اشاره کرد. در این شرایط نباید انتظار داشت که مطالعه جدی، در برنامه خانوادها برای فرزندان جایی داشته باشد.

۳. رشد چشمگیر ارزش‌های مادی و مسابقه خانوادها در مسائلی که چندان با دانش سروکاری ندارد، موجب شده است کتاب و کتاب‌خوانی که با ارزش‌های مادی و فوری سر و سری ندارند، به

چشم نیابند. امروز در رسانه‌های رسمی ما چه کسانی به چشم می‌آیند و به رخ کشیده می‌شوند: کودکانی که حافظ دیوان حافظاند یا با ادبیات ایران آشنایی دارند و دانشی اندوخته‌اند؛ یا کسانی که می‌توانند با شیرین زبانی و احبانا شیرین کاری، بینندگان را سرگرم کنند؟ نسل ما چقدر با مریم میرزاخانی، دانشمند جوان ریاضی ایران، آشنایی دارد؟ دانشمند جوانی که در دوران دبیرستان اوقات خود را به خواندن رمان می‌گذرانده و اوقات خوش زندگی‌اش با خواندن سپری شده است مریم میرزاخانی که با دوستش رویا بهشتی (استاد فعلی دانشگاه واشنگتن) در دوره دبیرستان عادت داشتند کتاب‌فروشی‌های نزدیک مدرسه را جست‌وجو کنند و چون زیوررو کردن کتاب‌ها در کتاب‌فروشی‌ها با نارضایتی کتاب‌فروش‌ها همراه بود، مجبور بودند که به‌صورت تصادفی کتاب‌ها را بردارند و بخرند.

جامعه هنرمندان ما قطعاً بسی فرهیخته‌تر از گذشته است و مایه افتخار ما، ولی آیا به همان میزان که به این جامعه فرهیخته در رسانه‌هایی مانند صدا و سیما توجه می‌شود، به سایر اقشار جامعه که موفقیت خود را مدیون خواندن‌اند توجه می‌شود و ایشان در چشم‌ها می‌آیند؟

۴. در نظام آموزشی ما خواندن کتاب‌های غیردرسی چقدر به چشم می‌آید و ترویج می‌شود؟ آیا نباید به رونق کتابخانه‌های مدارس در کنار فعالیت‌های دیگر فکر کرد؟ به نظر می‌رسد آموزش و پرورش همچنان به‌عنوان عنصر اساسی در شکل‌دهی عادات کودکان و نوجوانان، می‌تواند با گسترش کتابخانه‌های آموزشی نقش خود را در رونق کتاب‌خوانی و تصحیح مسیر آموزش ایفا کند.

در این شماره نشریه به کتاب و کتاب‌خوانی پرداخته و سعی کرده‌ایم نمونه‌هایی از ایده‌های خلاق برای کتاب‌خوانی را بیاوریم؛ مانند نمونه آقای اسماعیل آذری که با جمعی طلبه جوان ۱۸ - ۱۷ ساله به روستاها می‌رود و بچه‌ها را در پارک و خیابان و مسجد و حتی خانه‌ها دور هم جمع می‌کند تا با هم کتاب بخوانند یا حتی در پیاده‌روها کتابخانه کوچکی می‌گذارد و بچه‌هایی را که بی‌هدف می‌چرخند، به کتاب‌خوانی دعوت می‌کند. راه‌های خلاق برای ترغیب به کتاب‌خوانی را جست‌وجو کرده و تجربه‌های ملی و جهانی در این زمینه را به نمایش گذاشته‌ایم.

\* پی‌نوشت:

۱. این ایده از کتاب Le Guin, u.k.(2016). words are my matter. Small Beer Press گرفته شده است.





# داستان:

## سراغ‌ساز خواندن

دکتر محمد عطاران

### مقدمه

بود، گرفتم و با تردید کمی ورنه انداز کردم. بعد، بر تردید خود فائق آمدم و آن را برداشتم. اولین فصل کتاب را که خواندم، در قلاب نویسنده گرفتار شدم و تا کتاب تمام نشد، دست به مطالعه کتاب دیگری نزنم. پاموک در این کتاب، داستان یک دست‌فروش و روزگار او در استانبول را بسیار زیبا، دقیق و با تمام جزئیات و تحولات سیاسی اجتماعی سه دهه اخیر در استانبول و ترکیه را با لحنی تأثیرگذار به تصویر می‌کشد؛ داستانی که در قالب گونه (ژانر) عشقی، به لطافت و پاکی عشق‌های ماندگار می‌پردازد. قصه با عشق آغاز می‌شود و با عشق خاتمه می‌یابد ولی در این اثنا، موارد فراوانی از واقعیت‌های اجتماعی ترکیه در چند دهه اخیر را بیان می‌کند. تصادفاً چند ماه بعد، دو کتاب ترجمه شده به زبان انگلیسی خواندم که اصل آن‌ها را نویسنده‌ای ایرانی نوشته بود. نمی‌توانم شگفتی خود را از استعداد سرشار نویسنده در نگارش این دو کتاب، یعنی «سه‌م من»<sup>۱</sup> و «پدر آن دیگری»<sup>۲</sup>، پنهان کنم. خانم پری‌نوش صنیعی در این دو کتاب، به خوبی از پس شخصیت‌پردازی و داستان‌سرایی برآمده بود ولی آنچه برای من جالب توجه بود، قدرت ایشان در تحلیل تاریخی و روان‌شناختی قهرمانان این دو داستان نسبتاً بلند بود. با خود می‌گفتم اگر

تابستان سال ۱۳۹۵ بود که تصمیم گرفتم مطالعه داستان‌های انگلیسی را در برنامه جاری مطالعاتم قرار دهم. کتاب‌هایی از نویسندگان مختلف از جمله جومیا لاهیری<sup>۱</sup>، اورهان پاموک<sup>۲</sup>، الیف شفق<sup>۳</sup>، آلیس مونرو<sup>۴</sup> و چند نویسنده آمریکایی و کانادایی را انتخاب و مطالعه آن‌ها را با ترتیبی خاص آغاز کردم. هدفم از خواندن این داستان‌ها این بود که بتوانم واژه‌های انگلیسی را که به‌طور روزمره با آن‌ها سر و کار نداشتم، بیاموزم ولی به تدریج با مطالعه این کتاب‌ها ایده‌ای در ذهن من شکل گرفت. تا قبل از این دور داستان‌خوانی، با اینکه سابقه خواندن داستان را، به‌خصوص در دوره جوانی، زیاد داشتم، هیچ‌گاه به داستان به‌عنوان منبع دانش نگاه نمی‌کردم ولی در این مسیر جدید مطالعاتی، کم‌کم به ذهنم می‌آمد که این نویسندگان تسلط زیادی بر محیط قصه خود دارند و در آثارشان دانش فراوانی به خواننده ارائه می‌کنند که گرچه در قالب‌های معمول ارائه دانش نیست، ارزش بسیاری دارد. حدود تیرماه ۱۳۹۵ به سنگاپور رفته بودم. در آنجا به کتاب‌فروشی معروف کینوکونیا<sup>۵</sup> رفتم. در حال دیدن کتاب‌ها بودم که پسر آمد و گفت: «این کتاب اورهان پاموک را دیده‌ای؟» کتاب را که دارای هفتصد صفحه

قرار بود محققى دربارهٔ مضمون این دو داستان بنویسد، قطعاً به‌خوبی آنچه پرى‌نوش صنیعی در داستان خود آورده است، نمی‌توانست باشد.

براساس داستان‌هایی که ظرف یک‌سال گذشته خوانده‌ام، در این مقاله کوتاه دربارهٔ اهمیت داستان در زندگی انسان معاصر سخن می‌گویم. پیش از آن بهتر است به معنای داستان و روایت و در هم آمیختگی آن دو در زندگی انسان معاصر اشاره کنم.

## روایت و داستان

داستان‌گویی کاری است که به‌صورت طبیعی همیشه در حال انجام دادن آن هستیم. به کمک داستان و روایت، افراد، تجارب و دانسته‌های شخصی خود را تولید، بازنمایی، و بافتمانند<sup>۸</sup> می‌کنند و می‌کوشند به آنچه برایشان اتفاق افتاده است، معنی ببخشند؛ بنابراین، داستان‌گویی معمولاً تأملی است بر حوادث زندگی و قرار دادن آن در بافتی معنادار.

ما هر چیزی را که در زندگی‌مان اتفاق می‌افتد، به گذشته متصل می‌کنیم و در بستر درک کلی که از مسائل داریم، به تفسیر و معنا کردن آن می‌پردازیم؛ مثلاً اگر ناگهان بیمار شویم، بیماری را در چارچوب تجربه‌های پیشین خود قرار می‌دهیم و درک می‌کنیم. ما با روایت‌ها زندگی می‌کنیم و تجربه‌های ما در متن آن‌ها قرار دارند. وقتی می‌خواهیم تجربه‌های خود را به دیگران منتقل کنیم، آن‌ها را در قالب روایت نقل می‌کنیم. به‌عبارت دیگر، روایت به شرحی گفته می‌شود که در آن، یک داستان ارائه می‌گردد. به‌نظر کانلی (۲۰۱۳)، انسان‌ها تجربه زیستهٔ خود را هدایت می‌کنند. ما زندگی روزمرهٔ خود را با داستان شکل می‌دهیم. وقتی به شهر یا کشوری جدید می‌گذاریم، رفتار آغازین ما متأثر از روایت‌هایی است که قبلاً دربارهٔ آن شنیده‌ایم؛ البته این روایت طی زمان و تجربه‌های آتی تغییر می‌کند.

«روایت به معنای متن نوشته شده یا گفته شده‌ای است که یک حادثه/عمل یا حوادث/اعمالی را شرح می‌دهد؛ حوادثی که با هم ارتباط زمانی دارند».

زندگی ما براساس روایت‌هایی شکل می‌گیرد که از خلال فرهنگ جامعه به آن‌ها دست می‌یابیم. ما در قصه‌ها زندگی می‌کنیم و روایت ما از مدرسه و خانواده بیش از هر چیز، ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ قصه‌هایی که ما با آن‌ها زندگی می‌کنیم و زیست ما در آن‌هاست. البته معلمان، بچه‌ها و خانواده‌ها قصه‌های متفاوتی دارند.

قصه‌های مدرسه در تصویرسازی قصه‌های ما بسیار تأثیرگذارند. ما قصه‌های شخصی داریم. ما در قصه‌هایی زیست می‌کنیم که در زندگی ما قرار دارند و نیز قصه‌هایی که آن‌ها را

خواسته یا ناخواسته از آن خود کرده‌ایم. انسان‌ها ذاتاً قصه می‌گویند و قصه‌ها به تجربهٔ آن‌ها انسجام و پیوستگی می‌بخشند و در ارتباط آن‌ها با دیگران نقش اساسی دارند. این‌خاطرات برحسب زمان یا تم و موضوع روایت می‌شوند، مثلاً دربارهٔ خاطرات معلم یا دانش‌آموز یا جنگ و امثال این‌ها، یا اینکه صورت حسب‌حال دارند ولی نوشتار آن‌ها کمی آکادمیک‌تر است. گاهی هم به‌شکل خود مردم‌نگاری هستند که تفسیری و تحلیلی است و فرهنگ سایر ملل و اقوام، با خواندن خاطرات آن‌ها فهمیده می‌شود.



از این رو، نباید جای شگفتی باشد که انسانی که زندگی را از طریق روایت می‌فهمد

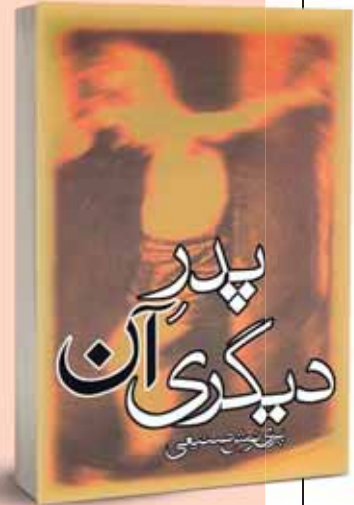
تجربه‌های خود را در قالب روایت بیان و تفسیر می‌کند و براساس روایت‌های خویش دست به عمل می‌زند، به خواندن روایت و داستان علاقه‌مند باشد؛ به‌خصوص رمان که گونهٔ خاصی از داستان است. رمان در تعبیر فنی، عبارت است از روایتی که همیشه با نثر و معمولاً طولانی است. سلینا کوش<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۳) ترجمهٔ پاینده، ۱۳۹۶) روایت را اشاره به زنجیرهٔ رویدادهای توصیف شده در یک متن می‌داند. از نظر او شعر، نمایشنامه، ادبیات داستانی، کتاب‌های زندگی‌نامه،

حتی آگهی‌های سی‌ثانیه‌ای در تلویزیون، همه و همه از شیوه‌ای‌روایی جهت بازگویی وقایع رخ‌داده برای یک شخصیت یا بازیگر استفاده می‌کنند. ولی یونسی (۱۳۹۵) معتقد است که روایت با داستان تفاوت دارد؛ اتسکای روایت به‌طور عمده بر حوادث و توصیف است و خواننده یا شنونده هنگامی که آن را می‌خواند یا بدان گوش فرا می‌دهد، به پیچیدگی خاص و غافلگیری و اوج و فرود مشخصی بر نمی‌خورد (یونسی، ۱۳۹۵)؛ حال آنکه داستان دارای پی‌رنگ یا طرحی است که سلسله‌ای از وقایع را در فراز و فرود به یکدیگر گره می‌زند و مضامین اصلی و فرعی دارد.

افسون داستان از ظرفیت آن برای دگرگون کردن این یا آن خوانندهٔ منفرد ناشی می‌شود اما افسون دیگر داستان، ناشی از

**ما قصه‌های شخصی داریم. ما در قصه‌هایی زیست می‌کنیم که در زندگی ما قرار دارند و نیز قصه‌هایی که آن‌ها را خواسته یا ناخواسته از آن خود کرده‌ایم**

ارائه پیشینه‌ای مجذوب‌کننده از گذشته‌ما و همچنین تجربه‌های جمعی در شرف وقوع است (سلینا کوش، ۲۰۱۳، ترجمه پاینده، ۱۳۹۶). هر داستانی راوی دارد. راوی مشخص می‌کند که خوانندگان از منظری فراخ صحنه را ببینند؛ یعنی با توصیفی از چشم‌انداز یا پس‌زمینه تاریخی وقایع یا با نمایش چهره شخصیت از نزدیک نمای درشتی از او داشته باشند تا احساس یا حتی افکار درونش را هم بفهمند.



داستان دارای مضمونی اساسی و احیاناً مضامین فرعی است. موضوع یک اثر داستانی همیشه جایی یا کسی یا موقعیتی است. در مثل، اگر موضوع داستان، تهران یا حسن یا عشق زهره نسبت به منوچهر باشد، تم یا تز داستان آن چیزی خواهد بود که نویسنده می‌خواهد درباره آن سخن بگوید؛ مثلاً تهران شلوغ‌ترین شهر جهان است و نمی‌توان در آن با اعصاب راحت زندگی کرد.

اگر مضمون اصلی داستان مثلاً این باشد که قدرت موجب فساد است می‌توان آن را با مضمون‌های فرعی نظیر فساد قدرت در سیاست، در عشق یا مذهب تقویت کرد و هر یک را توسط یکی از شخصیت‌های داستانی بیان نمود. در هر صورت، تأثیر داستان‌ها چنان اعجاب‌انگیز است که نه تنها در قالب‌های مختلف تکرار و بازخوانی شده‌اند بلکه در صورت‌های دیگر مانند فیلم، نمایشنامه و پویانمایی جلوه‌ای دیگر یافته‌اند. داستان موجب توجه به جزئیات می‌شود؛ جزئیاتی که معمولاً به آن‌ها توجه نداریم. در ادامه، به برخی از خصوصیات رمان و داستان اشاره می‌کنیم.

**نباید تصور کنیم که خواندن رمان برای نوجوانان و جوانان اتلاف عمر است. اگر انتخاب‌های خوبی برای خواندن صورت گرفته باشد، باید منتظر تحولات اخلاقی و عمیق و تأثیرگذار باشیم. رمان ما را در موقعیت‌های قرار می‌دهد که می‌توانیم در تجربه‌های دیگران شریک شویم**

## فاصله عقل و عاطفه

داستان، دوگانه واقعیت - داستان و بسیاری دیگر از دوگانگی‌های برساخته ذهن را محو می‌کند. این قالب در واقع

فاصله میان عقل و عاطفه را پرمی‌کند. توماس می‌گوید: «هنر، عواطف و عقل را یکی می‌کند، راه‌های شناختی و غیرشناختی دانستن را وحدت می‌بخشد و تفکر دوآلیستی را به چالش فرامی‌خواند.»

در داستان ما به‌طور منظم دوگانه‌های عقل / عاطفه و سوژه / ابژه را به چالش می‌کشیم.

وقتی از رابطه داستان و غیرداستان بحث می‌کنیم، باید توجه داشته باشیم که زندگی واقعی، شکلی از داستان است. از این جهت است که داستان و غیرداستان در خیلی از مواقع همپوشانی دارند.

پریمولوی<sup>۱۱</sup> معتقد است که شخصیت‌های داستانی هرگز تماماً واقعی نیستند؛ در عین حال تماماً ساخته و پرداخته ذهن هم نیستند.

## بازنمایی بیشتر واقعیت

اگر هر معرفتی را بازنمایی واقعیت و هدف تحقیق را دست یافتن به واقعیت بدانیم، به‌نظر می‌رسد که داستان در بازنمایی واقعیت، قابلیت بیشتری دارد. لوی می‌گوید: «در خلال نوشتن کتاب خود دریافتم که با داستان می‌توانم در عین حفظ گوهر حقیقت، بیش از هر شکل و صورت دیگری، واقعیت را بازنمایی کنم.»

به‌نظر او قالب داستانی امکان مشاهده مضامین پیچیده را با همه ظرافت‌های آن می‌دهد. داستان هم شکلی از نوشتن و هم شکلی از خواندن است. داستان به ما امکان آن را می‌دهد که سیری تخیلی در اموری داشته باشیم که در اشکال دیگر در دسترس نیست. نوشتن و خواندن داستان امکان دسترسی به عالم خیال و عالم امکان را می‌دهد. در این عالم می‌توانیم به بازبینی جهان خود بپردازیم و فرایند روانی که انسان‌ها را برمی‌انگیزد یا زندگی اجتماعی آن‌ها را شکل می‌دهد، بیابیم. استفاده از داستان در تحقیق، امکان‌های بی‌حد و حصری برای ما می‌آفریند. از نظر لوی، میان تحقیق و داستان نباید خط فاصلی کشید و تصور کرد که داستان‌نویسان، خیال و پندار را می‌آفرینند و محققان واقعیت را ثبت می‌کنند. مایه نوشته داستان‌نویسان از جهان واقع و تجربه ناب بشری می‌آید. در مقایسه با اشکال دیگر نگارش تحقیق، داستان امکان ارائه تجربه‌های ما را به‌صورتی کل‌گرایانه‌تر می‌دهد.

«بازنمایی، یعنی تصویری از چیزی یا کسی، عمل کردن به مثابه جایگزین یا نماد آن مصداق، دلالت کردن بر مفهوم، مکان، چیز یا شخصی با واسطه‌ای مانند کلمات، رنگ، فیلم یا سنگ مرمر پیکرتراشی شده» (سلینا کوش، ۲۰۱۶، ترجمه پاینده).



آیزر<sup>۱۲</sup> می‌گوید: داستان‌پردازی می‌تواند امری را که در صورت عدم استفاده در داستان پنهان می‌ماند، ممکن نشان دهد.

### ۳ کارکرد اصلاح و تغییر

داستان در خواننده خود تأثیر عمیقی می‌گذارد که می‌تواند منجر به اصلاح و تغییرات عمیق شود؛ مثلاً اروین یالوم آثار خود را با هدف روان‌درمانی نوشته و موفق شده است آموزه‌های روان‌درمانی خود را به‌صورت داستان بیان کند. او از ادبیات برای درمان دردهای انسان استفاده می‌کند و به کار درمان بیمارانی که به اضطراب و افسردگی دچارند، می‌پردازد.

### ۴ ترویج همدلی و تأمل

خواندن رمان و داستان توأم با پرورش همدلی نسبت به دیگران است. دیگران را بفهمیم و احساس آن‌ها را درک کنیم؛ خواه شبیه ما باشند، خواه نباشند. وقتی به‌عنوان رمان‌نویس خود را با شخصیت‌های رمان خویش پیوند می‌دهیم و احوال آن‌ها را درک و در بستری وسیع‌تر تحلیل می‌کنیم؛ به خواننده امکان می‌دهیم که به درون و بیرون فرد راه پیدا کند. وقتی خواننده رمان درگیر داستان می‌شود و با شخصیت‌های آن ارتباط نزدیکی برقرار می‌کند، در واقع ارتباط او با «دیگری تصویر شده» نزدیک می‌شود. محققان داستان‌نویس می‌توانند آگاهانه و با فکر، میان مفاهیم یا ایده‌های خاص و اشکال درگیری عاطفی، از خلال شخصیت‌هایی که خوانندگان به آن‌ها علاقه‌مندند، ارتباط عاطفی برقرار کنند.

تردیدی نیست که داستان، قابلیت و انعطاف زیادی برای انتقال ایده‌ها - توأم با احساس - دارد. همچنین، روایت‌های داستانی ناقص‌اند و فضا را برای تفسیر و تخیل خواننده فراهم می‌کنند. به‌عبارت دیگر، شکاف تفسیری در داستان هست. نویسندگان اغلب از سر قصد این کار را می‌کنند. خوانندگان این شکاف را پر می‌کنند و با این کار ارتباط همدلانه خود با شخصیت‌های داستان را توسعه می‌دهند. در واقع، تخیلی که خواننده می‌کند به‌نوعی، همدلی محسوب می‌شود<sup>۱۳</sup>.

### ۵ اخلاق در کلیشه‌ها و ایدئولوژی‌های مسلط

خواننده داستان با شخصیت‌های آن مرتبط می‌شود و همدلی می‌کند. وقتی خوانندگان به شخصیت‌های داستان واقعی می‌گذارند و با آن‌ها همدلی می‌کنند، در واقع مفروضات، ارزش‌ها، کلیشه‌ها و حتی جهان‌بینی قبلی خود را به چالش می‌کشند. رمان می‌تواند راه‌های جدیدی برای نگاه به جهان ایجاد کند.

علاوه بر این، امکان آن را دارد که گفت‌وگو را ترویج کند و آگاهی انتقادی و درک و فهم افراد را افزایش دهد. ایدئولوژی‌های مسلط را زیر سؤال ببرد و کلیشه‌ها را فرو بریزد. افزایش آگاهی، آموزش، عیان کردن خطا، ایجاد آگاهی انتقادی، به هم زدن کلیشه‌های غلط یا ایدئولوژی‌های مسلط و مانند این‌ها ممکن است هدف ما باشد ولی در هر صورت باید در خوانندگان خود تأثیر بگذاریم.

به‌نظر می‌رسد در تربیت نسل جوان، باید بیش از هر چیز به رمان به‌عنوان موقعیتی برتر برای تحول روحی و فکری توجه کرد. بسیاری از رمان‌های مشهور در جهان، منابع خوبی در تربیت به‌شمار می‌آیند و گشودگی ذهن به‌وجود می‌آورند. نباید تصور کنیم که خواندن رمان برای نوجوانان و جوانان اتلاف عمر است. اگر انتخاب‌های خوبی برای خواندن صورت گرفته باشد، باید منتظر تحولات اخلاقی و عمیق و تأثیرگذار باشیم. رمان ما را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که می‌توانیم در تجربه‌های دیگران شریک شویم. از نظر عاطفی با آن‌ها درگیر شویم و تجربه‌ای متفاوت را عمیقاً حس کنیم.

#### \* پی‌نوشت‌ها

1. Jhumpa Lahiri
2. Orhan pamuk
3. Elif Shafak
4. Alice Munro
5. Kinokunia
6. The book of fate
7. I hide my voice ترجمه کتاب پدر آن دیگری به زبان انگلیسی
8. contextualized
9. Czarniawska
10. Celena kusch
11. primo levi
12. lser
13. Abbot

#### \* منابع

۱. یونسی، ابراهیم. (۱۳۹۵). هنر داستان‌نویسی، چاپ دوازدهم، انتشارات نگاه.
۲. سلینا، کوش. (۱۳۹۶). اصول و مبانی تحلیل ادبی. مترجم: حسین پاینده تهران: انتشارات مروارید.
3. Clandinin T. D.J. (2013). Personal Practical Knowledge: A Study of Teachers' Classroom images. *From teacher thinking to teachers and teaching: The evolution of a research community*, 67-95
4. Carr, D. (1986) *Tim, Narrative, and History*, Bloomington, IN: Indiana University.
5. Leavy, P. (2016). *Fiction as research practice: Short stories, novellas, and novels*. Routledge.
6. Leavy, P., & Scotti, V. (2017). Sara. In *Low - Fat Love Stories* (PP. 57 - 61). SensePublishers.
7. Saniee, P. (2013). *The book of fate*. House of Anansi.
8. Saniee, P. (2016). *I hide my voice*. Litte, Brown.
9. Connelly, F. m., & Clandinin, D.J. (1990). Stories of experience and narrative inquiry. *Educational researcher*, 19(5), 2-14.



# واقعیتی سوار بر خیال

هیوا علیزاده

طراح آموزشی و پژوهشگر

برایش مسئله شده‌اند یا چیزی شبیه نقشه گنج را با ما در میان بگذارد و تازه این همه ماجرا نیست؛ زیرا ما هم می‌توانیم برای او عکس بفرستیم و بدین ترتیب همه با هم وارد یک داستان شویم؛ داستانی که خودمان می‌شویم جزء شخصیت‌های اصلی آن و در آن با شخصیت‌های دیگر از داستان‌های مختلف ارتباط برقرار می‌کنیم.

چیزی که قرار شد تصورش را کنیم، تجربه‌ای است که در یک کتاب‌فروشی کوچک در حال به واقعیت پیوستن است.

کار را با سؤال کردن از کودکان آغاز کردیم. از آن‌ها پرسیده شد: از بین کتاب‌هایی که خوانده‌اند یا بزرگ‌ترها برایشان خوانده‌اند چه کتابی را دوست دارند؟ چه شخصیتی در این کتاب‌ها برایشان جذاب است و چرا؟

بدین ترتیب با جناب فلیکس و نامه‌هایش آشنایی پیدا کردیم. فلیکس نام خرگوشی است که در کتاب‌هایش برای کودکان نامه می‌فرستد و در بعضی جلد‌ها هم چیزهای هیجان‌انگیزی مانند بذر گیاه می‌توان پیدا کرد. بدین ترتیب، فلیکس یکی از اعضای تأثیرگذار کارگاه‌های چهارشبین<sup>۱</sup> کتاب‌فروشی خانه آبی<sup>۲</sup> شد.

در کارگاه‌های چهارشبین، فلیکس نامه‌هایی برای شرکت‌کنندگان می‌فرستد. این نامه‌ها به گونه‌ای هستند که زمینه آشنایی با برخی کتاب‌ها، بازی‌ها، فعالیت‌های جست‌وجوگرانه و ساخت و ساز را فراهم می‌کنند.

در یک چهارشبین که بعد از شب یلدا برگزار شد، فلیکس نامه‌ای همراه با یک عکس از خودش فرستاد و ماجرای شب یلدایش را تعریف کرد. هنگام خواندن نامه بازی کردیم و با کتاب «چرا دست‌هایم را باید بشویم، وقتی کثیف نیستند؟» آشنا شدیم. در ادامه، سالادی با انار درست کردیم و از مزه سالادمان برای هم تعریف کردیم و عکس انداختیم تا برای فلیکس بفرستیم.

## سرآغاز

این مقاله را با یک سوال آغاز می‌کنیم سوالی که برای چند نفر که می‌خواستند کتاب‌فروشی داشته باشند شکل گرفت: یک کتاب‌فروشی به غیر از خدمت فروش کتاب چه خدماتی دیگر می‌تواند ارائه دهد که افراد محله خود را به مطالعه کتاب علاقه‌مند کند؟

این سوال با خود گفت‌وگوها و ایده‌پردازی‌هایی به همراه داشت از جمله اینکه رویدادهایی در کتاب‌فروشی برپا شود که در آن‌ها به معرفی کتاب بپردازیم و اینکه این رویدادها چه هستند و چگونه اجرا می‌شوند موضوعی است که در ادامه این مقاله به توضیح آن پرداخته شده است.

## شرح ماجرا

بباید تصور کنیم یکی از شخصیت‌های داستانی که دوستش داریم، برایمان نامه و عکس بفرستد و از خاطراتش بگوید و در ماجراهایش شخصیت‌هایی از داستان‌های دیگر یا کتاب‌هایی را که مطالعه کرده است، به ما معرفی کند. گاهی ما را با هدیه‌هایی که می‌فرستد شگفت‌زده کند و بعضی وقت‌ها معماهایی را که



فرستاد و مأموریت ما در کارگاه پیدا کردن گنج شد؛ بماند که در ادامه آن، گنج‌های ناشناخته بسیاری در دوربرخودمان پیدا کردیم! از سنگی که می‌درخشید و با ذره‌بین بررسی شد تا گل‌های کوچک و زیبای اطرافمان و بدین ترتیب، یک میز را

**نمی‌گوییم «کتاب خوب است» بلکه کتاب را در دسترس قرار می‌دهیم و همچون یک موجود زنده سعی در تعامل با آن داریم؛ به ماجراها و شخصیت‌های درون آن احترام می‌گذاریم و به میهمانی دعوتشان می‌کنیم و گاهی میهمانشان می‌شویم**

از چیزهایی که پیدا کردیم، پر کردیم و در انتها نیز بعضی‌ها دلشان خواست که کتاب «فلیکس و گنج فراموش شده» را تهیه کنند.

بعضی وقت‌ها فلیکس در نامه‌هایش ما را با دوستان دیگر در سایر کتاب‌ها آشنا می‌کند؛ مانند نامه‌ای که در آن از گم شدنش در یک شب سرد زمستانی و دوست شدنش با شخصیت‌های داستان «مهمان ناخوانده» صحبت کرده بود که او را پناه داده بودند و به این ترتیب، ما نیز به جای شخصیت‌های کتاب مانند خاله پیرزن و گنجشک فرصت نقش‌آفرینی پیدا کردیم. همه این‌ها ردپای قدم‌هایی است که برای دوست شدن با کتاب برمی‌داریم؛ فعالیتی که طی آن نمی‌گوییم «کتاب خوب است»



بعد از هر کارگاه، کودکانی هستند که به سراغ همراهشان می‌روند و می‌خواهند که کتابی از فلیکس را داشته باشند. هستند کودکانی که با چشم‌هایی پر از شوق، می‌خواهند. ماجرای کتابی از فلیکس را که خوانده‌اند، تعریف کنند و کتاب‌ها را به یکدیگر معرفی کنند.

برای فلیکس اتفاق‌های زیادی می‌افتد؛ ماجراهایی فراتر از آنچه در کتاب‌هایش ثبت شده است! چون برای ما نامه‌های اختصاصی می‌فرستد که مربوط به موضوعات پشت پرده کتاب است؛ مانند نامه‌ای که در جریان کتاب «فلیکس به سیرک می‌رود» به دستمان رسید و ما را ترغیب کرد که یک پرتابگر در کارگاه بسازیم. همچنین، یک بار فلیکس یک نقشه گنج برایمان



بلکه کتاب را در دسترس قرار می‌دهیم و همچون یک موجود زنده سعی در تعامل با آن داریم؛ به ماجراها و شخصیت‌های درون آن احترام می‌گذاریم و به میهمانی دعوتشان می‌کنیم و گاهی میهمانشان می‌شویم. در این مسیر، کنجکاوی‌مان برای شناخت بیشتر شخصیت‌ها و ماجراها برانگیخته می‌شود. به همین خاطر، عکس‌های یک کتاب را ورق می‌زنیم و گاهی کلماتی از آن را می‌خوانیم؛ این از جمله فرایندهایی است که شاید رابطه دوستانه کودک و کتاب را برایمان هدیه بیاورد.



# باید کتاب خواند!

جام باشگاه‌های کتاب‌خوانی کودک و نوجوان،  
فرصتی برابر برای توسعه فرهنگی

مریم محمدخانی

نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان

یک نهاد دولتی است که توانسته تأثیر مثبتی بر کتاب‌خوانی در شهرهای مختلف بگذارد.

در این طرح، که متولی‌اش معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، حدود سی مدرس که در کارگاهی در تهران آموزش دیده‌اند، به شهرهای مختلف می‌روند تا با برگزاری کارگاهی دو روزه برای تسهیلگران آن شهرها مقدمات تشکیل باشگاه‌ها فراهم شود.

براساس این طرح، هر ۱۲ تا ۱۵ کودک یا نوجوان می‌توانند در کنار یک تسهیلگر یک باشگاه کتاب‌خوانی تشکیل دهند. این باشگاه‌ها در کتابخانه‌ها، مدارس، مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فرهنگ‌سراها، مجتمع‌های مسکونی، مساجد، پایگاه‌های مقاومت بسیج، کانون‌های اصلاح و تربیت، مراکز بهزیستی و ... تشکیل می‌شوند؛ هر جا که کودکان و نوجوانان گرد هم می‌آیند می‌تواند محل تشکیل باشگاه باشد. در این باشگاه‌ها بر چند نکته تأکید می‌شود: کتاب خواندن

پارسال در اولین دوره برگزاری جام باشگاه‌های کتاب‌خوانی کودک و نوجوان، بوشهر اولین شهری بود که به‌عنوان مدرس کارگاه به آن سفر کردم. قبل از شروع کلاس نگران بودم. نگران اینکه مربیان حاضر در کارگاه مرا به‌عنوان مدرس نپذیرند؛ هر چند یکی از نکات مثبت این کارگاه‌ها حضور دو مدرس است که خود تمرین کار گروهی است البته بلافاصله بعد از شروع کلاس نگرانی‌ام رفع شد. فکر کردم مهم‌تر از هر چیز این است که کمک کنم تا حضاران در کارگاه تجربه‌های خود را بازبایی کنند و از روش‌هایی که برای ترویج کتاب‌خوانی به‌کار برده‌اند، حرف بزنند. در ابتدا فکر می‌کردیم دنیايمان و تلقی ما از خواندن از کسانی که سر آن کلاس‌اند خیلی دور است، اما بعد دیدیم کتاب و ادبیات همه ما را دور هم جمع می‌کند؛ مرا که یک معلم بیست‌ونه ساله‌ام و چند سال است در حوزه ادبیات کودک کار می‌کنم، آن خانم سی‌وهشت ساله را که نماینده وزارت ارشاد در شهر کوچک‌شان است، ترویج خواندن برایش مهم است و دختر نوجوانش در اینستاگرام فیلم‌هایی کوتاه برای معرفی کتاب‌های مختلف منتشر می‌کند و آن خانم معلمی را که با روبنده آمده بود و تمام مدت کارگاه دختر نوزادش بغلش بود، فعال بود و پر از ایده، و شوق داشت زودتر بچه‌ها را دور هم جمع کند و باشگاهی تأسیس کند.

ما، من و آن آدم‌هایی که توی کلاس دور هم جمع شده بودیم، همگی یک باور داشتیم؛ به قول یکی از شرکت‌کنندگان بچه‌ها باید کتاب بخوانند؛ چون «کتاب خواندن از بچه‌ها، انسان بهتری می‌سازد».

## حرف‌های رسمی‌تر

جام باشگاه‌های کتاب‌خوانی کودک و نوجوان که دو سال است برگزار می‌شود، یکی از طرح‌های ترویج کتاب‌خوانی از طرف



عکس: پونس پناهی



توانسته‌اند در چهره شهرها تفاوت ایجاد کنند و تجربه‌های متفاوتی را از سر بگذرانند.

در دور اول جام باشگاه‌های کتاب‌خوانی کودک و نوجوان باشگاه‌های تشکوه و کاکایوسف از رامهرمز (استان خوزستان) برگزیده شدند. فعالیت‌هایی چون برگزاری راه‌پیمایی خرید کتاب با حضور بچه‌ها و والدین با شعار «می‌خواهیم بریم کتاب بخیریم» از اتفاق‌هایی بود که باعث شد باشگاه‌ها به سطح شهر بیایند، کنجکاری مردم را برانگیزند و اهالی، شاهد فعالیت‌های مدنی برای ترویج کتاب‌خوانی باشند.

**بچه‌ها باید کتاب بخوانند؛ چون کتاب خواندن از بچه‌ها، انسان بهتری می‌سازد**

در شهرهایی که تنوع قومی و زبانی وجود دارد، فرهنگ گفت‌وگو و مدارا شکل

گرفته است. اداره‌های دولتی و نهادهای غیردولتی توانسته‌اند با هم ارتباط برقرار کنند و همه در کنار هم برای یک هدف تلاش کنند؛ تلاشی که علاوه بر کتاب‌خوان کردن بچه‌ها و بازیابی ارزش‌ها و فرهنگ بومی، باعث توسعه فرهنگی شهر، تقویت نهادهای مختلف و مشارکت آن‌ها می‌شود. این پیامدهای مبارک کتاب‌خوانی با حضور تسهیلگران داوطلب می‌تواند تأثیر عمیقی در توسعه پایدار داشته باشد؛ توسعه‌ای که از پایتخت تمرکززدایی می‌کند و شهرهای مختلفی را که تقاضای برگزاری کارگاه دارند، درگیر می‌سازد. سال اول این طرح در پانزده شهر اجرا شد و امسال به حدود هشتاد شهر و روستا رسیده است؛ عددی که می‌تواند در سال‌های بعد سه رقمی شود و نوید روزهایی را بدهد که کتاب‌خوانی نه فقط در حرف بلکه در عمل در زندگی مردم ایران اهمیت پیدا کرده باشد.

به‌صورت گروهی و گفت‌وگویی گروهی درباره کتاب، تأکید بر هویت باشگاه و احساس تعلق به یک نهاد، رفتن به کتاب‌فروشی و خرید کتاب، حضور «تسهیلگر» در کنار کودکان و ... تأکید بر این نکته‌ها باعث تحقق اهداف تشکیل باشگاه‌ها می‌شود؛ اهدافی چون: کمک به افزایش سرانه مطالعه میان کودکان و نوجوانان، تقویت فرهنگ گفت‌وگو، تقویت استدلال و مهارت در بحث و قدرت تحلیل و تفکر انتقادی در کودکان و نوجوانان، عادت دادن دانش‌آموزان به مراجعه به کتاب‌فروشی، گسترش فرهنگ همکاری و مشارکت در انجام کار گروهی، کمک به پیشرفت تحصیلی کودکان و نوجوانان از راه اجرای برنامه‌های سرگرم‌کننده، کمک به گسترش تبلیغ و معرفی کتاب، برقراری ارتباط بین اهل قلم و کودکان و نوجوانان، کمک به تأسیس و تقویت کتابخانه‌های کوچک کلاسی، مهدکودکی، کانونی، آپارتمانی، محله‌ای، مسجدی و ...

در کنار خواندن کتاب به‌صورت گروهی، فعالیت‌هایی چون انتخاب بهترین باشگاه، ساختن فیلم کوتاه با گوشی همراه برای معرفی کتاب، نوشتن نامه به نویسنده و مترجم و انتخاب کتاب برگزیده از نگاه بچه‌ها در سطح کشور صورت می‌پذیرد که باعث تکاپوی شهرهای مختلف می‌شود.

فهرستی با حدود هشتصد عنوان کتاب کودک و نوجوان از بهترین‌های شش سال اخیر تدوین شده است و در اختیار باشگاه‌ها قرار می‌گیرد تا کودکان و نوجوانان با مراجعه به کتاب‌فروشی‌ها بتوانند کتاب‌های این فهرست را با تخصیص یارانه خریداری کنند. این فهرست در چهار بخش پیش از دبستان، سه سال اول دبستان، سه سال دوم دبستان و دوره متوسطه اول منتشر شده و برای عموم هم قابل استفاده است. کتاب‌هایی که در این فهرست معرفی شده‌اند، کتاب‌های پیشنهادی شورای کتاب کودک، لاک‌پشت پرنده و سامانه رشد هستند.

در کارگاه‌هایی که برای تسهیلگران داوطلب برگزار می‌شود، مواردی چون مراحل تشکیل باشگاه کتاب‌خوانی، فعالیت مستمر باشگاه و جذب حمایت، فواید فردی و اجتماعی کتاب‌خوانی، ادبیات کودک، گفت‌وگویی گروهی درباره کتاب، شیوه‌های ترویج کتاب‌خوانی، شیوه‌های مستندسازی، اطلاع‌رسانی و ... در قالب کارگروهی تدریس می‌شود.

براساس تجربه من از حضور در شهرهایی چون آبادان (منطقه آزاد اروند)، کلاله (استان گلستان) و بوشهر، شهرهایی در تشکیل باشگاه‌ها موفق‌ترند که توانسته‌اند بین نهادهای مختلف خود هدف مشترکی برای تشکیل باشگاه‌های موفق ایجاد کنند. در شهرهایی که مسئولان نهادهایی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شهرداری در کنار نهادهای مردم‌نهاد قرار گرفته‌اند، بهترین باشگاه‌ها تشکیل شده است؛ باشگاه‌هایی که

# قبض برق با طعم کتاب



لیلا مرادیان

استان خوزستان شهرستان رامهرمز

راه‌پیمایی  
بچه‌ها همراه با  
خانواده‌هایشان  
با شعار: «داریم  
می‌ریم کتاب  
بخوریم»

راه‌پیمایی «داریم می‌ریم خونه نویسنده» از حرکت‌های بکر و خلاقانه و پربار باشگاه بود که موجب شد بچه‌ها از نزدیک با خانم گلنار درویش‌نژاد، نویسنده پرکار شهرستان رامهرمز آشنا شوند. بچه‌ها از نزدیک زندگی او را دیدند و پای صحبت‌هایش نشستند. خانم درویش‌نژاد گفت که چگونه نویسنده شده است و چه کارهایی باید انجام داد تا نویسنده شد. از کتاب‌هایش گفت و چند قصه زیبا از آن‌ها برای بچه‌ها خواند. با مکاتباتی که با آموزش و پرورش شهرستان انجام شده، قرار است «رفتن به خانه نویسنده» جزء برنامه‌های اردویی دانش‌آموزان قرار گیرد.



## اشاره

در سال ۱۳۹۴ رامهرمز جزء ۱۵ شهر دوستدار کتاب در کشور شناخته شد. در مهرماه ۱۳۹۵ نیز اولین جشنواره باشگاه‌های کتابخوانی در سراسر کشور بین ۱۵ شهر انتخابی برگزار گردید و در رامهرمز ۴۰ باشگاه کتابخوانی کودک و نوجوان تشکیل شد.

باشگاه «تشکوه» فعالیت خود را از آغاز توری بنا نهاد که بتواند به اهداف تشکیل جام باشگاه‌ها نزدیک شود. باشگاه‌های کتابخوانی شهرستان رامهرمز، برگزیدگان سال گذشته جام باشگاه‌های کتابخوانی بودند و این بهانه‌ای شد برای اینکه از خانم لیلا مرادیان، سرپرست باشگاه بخواهیم فعالیت‌های این باشگاه را در ترویج کتابخوانی معرفی کنند. آنچه در ادامه می‌آید، تصویری از فعالیت‌های این کانون است.

هم‌شهریان از راه‌پیمایی بچه‌ها در خیابان به گرمی استقبال کردند. امسال قرار است این راه‌پیمایی به صورت گسترده‌تری برگزار شود.

بچه‌ها نویسندگان را در دوردست‌ها می‌بینند و دستیابی به آن‌ها را مشکل می‌دانند.

تمرین و اجرای  
نمایش در  
زمان برگزاری  
کلاس‌های  
نقد با هدف  
ایجاد تنوع  
در برگزاری  
کلاس‌ها و  
اثر بخشی بیشتر  
آن‌ها



دعوت بچه‌ها  
به صحن علنی  
مجلس پس از  
کسب رتبه برتر  
و تشویق آن‌ها  
از سوی ریاست  
مجلس شورای  
اسلامی.



چاپ جلد  
کتاب  
روی لباس  
بچه‌های  
باشگاه  
تشکوه و  
کاکایوسف  
برای معرفی  
کتاب

## آماري از فعاليت‌هاي باشگاه‌هاي تشکوه و کاکایوسف

تعداد کتاب‌هایی که کل بچه‌های باشگاه‌ها خوانده‌اند: **۸۱** کتاب

نامه به نویسنده: **۶۵** نامه

نقد به صورت طرح سؤال: **۲۶** نقد

خلاصه نویسی: **۲۸** خلاصه

فیلم ۵۰ ثانیه‌ای: با تلفن همراه **۳۸** فیلم

### کاکایوسف...

نام پرنده‌ای است در  
خوزستان که داستان  
فولکوریک زیبایی دارد.

### تشکوه...

برگرفته از نام کوهی  
آتشین در شهرستان رامهرمز  
است که از صدها سال قبل  
شبانه‌روز روشن است.

### چند فعاليت ديگر

دایر کردن ایستگاه مطالعه در خیاطی، آرایشگاه، تعمیرگاه  
و ...  
ابتکار اعضا در اهدای کتابی که باشگاه به آن‌ها داده است،  
به همسایه‌های خود  
اهدای کتاب به نانوائی محله. تاکسی‌های خطی و ...  
راه‌پیمایی «داریم می‌ریم کتاب هدیه بدیم» به سمت  
درمانگاه تأمین اجتماعی و اهدای کتاب به کارکنان و  
مراجعه‌کنندگان آن.

### قبض برق با طعم کتاب

(یکی از ابتکارات باشگاه تشکوه رامهرمز برای ارتقای  
فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی)  
اعضای باشگاه، خلاصه کتاب‌هایی را که خوانده‌اند همراه  
با نام نویسنده یا مترجم و تصویرگر پشت قبوض آب، برق،  
تلفن، و فضای خالی کارت‌های جشن تولد و عروسی نوشتند  
و این پیشنهاد فرهنگی را به سازمان‌های محترم آب و برق  
و ... دادند که از فضای خالی پشت قبض‌ها علاوه بر تبلیغات  
کالاها برای تبلیغ فرهنگی کتاب نیز استفاده شود.

# کتابک

## جایی برای کمک به کتابخوان‌های کوچک



### فریبا موسوی زاده

مدیر شرکت آموزشی فرابال

روان‌شناسی کودک، هنر، آموزش خلاق، و محیط زیست یا نشریات تخصصی کودکان و نوجوانان هستید

**اگر** از خواندن تجربه‌های داخلی و بین‌المللی ترویج کتابخوانی لذت می‌برید و می‌خواهید در جریان جزئیات مهم‌ترین همایش‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مربوط به کتاب و کتابخوانی در سرتاسر جهان باشید؛

**اگر** مایلید نحوه مشارکت در آخرین طرح‌های ترویجی کتابخوانی را بدانید و با برگزارکنندگان آن‌ها ارتباط بگیرید؛

**اگر** کتاب‌درمانی و روش‌های آن شما را هیجان‌زده می‌کند و مایلید مفهوم، استانداردها، کارکردها، روش‌ها، و ساز و کارهای آن را بشناسید؛

**اگر** می‌خواهید روش‌های گزینش کتاب در کتاب‌درمانی را بهتر بشناسید؛

**اگر** به اخبار پروژه‌های کتاب‌درمانی در ایران و جهان علاقه‌مندید؛

**اگر** می‌خواهید با نویسندگان، تصویرگران، منتقدان و فعالان حوزه ادبیات کودک و نوجوان آشنا شوید و نظرها، پیشنهادها، نقدها و آثار آن‌ها را پیگیری کنید؛

شما که عاشق سینه چاک کتاب و علاقه‌مند به ترویج کتابخوانی در میان نسل آینده هستید، هر چه را می‌خواهید در سایت [ketabak.org](http://ketabak.org) بجویید! اینجا یک فضای مجازی ایده‌آل برای شماست؛ اگر:

**اگر** سوگند خورده‌اید که یک انسان فرهیخته کتابخوان باشید و کتابخوانی را در میان نسل آینده ترویج کنید؛

**اگر** یک پدر، مادر، سرپرست، مربی، آموزگار، کتابدار، کتاب‌فروش، نویسنده یا فردی علاقه‌مند به کتاب و ترویج کتابخوانی در میان کودکان و نوجوانان در هر رده از توانایی جسمانی (شنوا، کم‌شنوا، ناشنوا، بینا، نابینا، کم‌بینا، باهوش، دارای اختلالات ذهنی،...) هستید؛

**اگر** به دنبال فهرستی از کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان می‌گردید؛

**اگر** فهرستی متنوع از ادبیات ایران و جهان، کلاسیک و مدرن، داستان و شعر و ترانه و نمایشنامه را جست‌وجو می‌کنید؛

**اگر** فهرستی گوناگون از کتاب‌های تصویری و علمی، و کتاب‌های مختلف صوتی و الکترونیکی را می‌خواهید؛

**اگر** به دنبال کتاب‌های مرجع در زمینه ادبیات،





# ketabak.org



اگر به گام برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی متنوع دریافت کنید و تجربه‌های مشابه داخلی و بین‌المللی کارگاه‌های برگزار شده را مطالعه کنید و از آن‌ها الگو بگیرید؛

اگر می‌خواهید با نهادهای مختلف مربوط به کودکان و نوجوانان، مهم‌ترین کتابخانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، موزه‌ها و ناشران و نمایشگاه‌ها و مؤسسات و انجمن‌های کودکان در ایران و جهان آشنا شوید و جایزه‌های مهم ملی و بین‌المللی ادبیات کودکان را بشناسید؛ اگر شنیدن اخبار مربوط به کودکان برای شما مهم است و اخبار فرهنگی و آموزشی، ترویجی، حقوق کودک، محیط زیست، بهداشت و سلامت و رخدادهای مهم فرهنگی را پیگیری می‌کنید؛

اگر رویدادهای فرهنگی در حوزه کودک و نوجوان برای شما مهم‌اند و مایلید در آن‌ها شرکت کنید؛

اگر به دنبال یک فروشگاه بر خط (آنلاین) کتاب کودک همراه با نظرات کارشناسان هستید که با گزینش کتاب‌های مناسب، خرید کتاب را برای شما از هر جا و در هر محل آسان کند؛

اگر می‌خواهید همه اطلاعاتی را که لازم است، در زمینه کتاب و کتاب‌خوانی کودک و نوجوان یکجا در اختیار داشته باشید، به سراغ سایت ketabak.org بروید! همه چیز آنجا هست.

اگر به شناخت شخصیت‌های فرهنگی، شاعران و نویسندگان و فعالان نهادهای کودک و نوجوان علاقه‌مندید و مطالعه زندگی‌نامه آن‌ها برایتان ارزشمند است؛

اگر می‌خواهید با آثار تصویرگران کتاب‌های کودک و نوجوان آشنا شوید و آثار تصویری ترویج کتاب در قالب نقاشی، تمبر، پوستر و تصویرسازی کتاب توجه شما را جلب می‌کند؛

اگر به دنبال فعالیت‌ها و کاربردهای چالش‌برانگیز مبتنی بر کتاب هستید و می‌خواهید قبل از مطالعه کتاب، حس نیاز به آن در خواننده آثارتان ایجاد کنید؛

اگر هدفمندی و برقراری ارتباط با تمام محتوای کتاب برای شما مهم است؛

اگر می‌خواهید هر کتاب را با روشی متفاوت و خاص به کودک و نوجوان مخاطب خود معرفی کنید؛

اگر کارگاه‌های آموزشی و ترویجی را می‌پسندید و به دنبال استفاده از کتاب‌ها در کارگاه‌ها و کارسوق‌های مختلف هنری، قصه‌گویی، شاهنامه‌خوانی، پژوهشی، بازی و خلاقیت، حفظ محیط زیست و میراث فرهنگی هستید؛

اگر مایلید طرح، دستورالعمل و برنامه‌ای



# کتابخوانی مشاورکتی

قسمت اول



## سیده سوده شبیری

نگاهش می‌کنم. انگشتش را به سمت دهانش می‌برد و لبخند شیرینی روی لبانش نقش می‌بندد. با خوشحالی می‌گوید: «آخ جون خاله! شکره! به به!» و دوباره به چشیدن طعم شیرین شکر ادامه می‌دهد.

نیما: «خاله، اینا رو برای چی آوردی؟»

«می‌خواهیم کتاب بخونیم.»

پارسا: «خاله، چی می‌خوانی برامون؟»

کتاب را می‌گذارم وسط و شروع می‌کنم به خواندن.

یک روز شکر به نمک گفت: «من از تو بهترم»

نمک اخمی کرد و گفت: «نه خیر! هیچ هم این‌طور نیست.»

یک کاسه پر از شکر و یک کاسه پر از نمک را در سینی می‌گذارم و وارد جمع بچه‌ها می‌شوم. بچه‌ها با کنجکاوی دور سینی جمع می‌شوند. سینی را روی یک میز کوچک می‌گذارم و کنارش می‌نشینم. حالا همه بچه‌ها دور من و میز جمع می‌شوند.

آناهید: «خاله، این چیه؟»

«به نظر تو چیه؟»

آناهید دستش را به سمت ظرف حاوی دانه‌های درشت‌تر می‌برد و انگشتانش را در ظرف فرو می‌کند. چند دانه به انگشتانش می‌چسبند. «نمک خاله؟» با چشمانی پر سؤال

## کارگاه کتاب‌خوانی مشارکتی والدین

یکی از اولین گلایه‌هایی که در کارگاه‌های کتاب‌خوانی مشارکتی مادران و پدران، با آن مواجه می‌شوم، این است که «بچه من کتاب خوندن دوست نداره!» و این آغاز مسیر بازبینی رابطه‌ای است که خودمان در جایگاه پدر و مادر با کتاب داریم. ترجیح می‌دهم هر موضوعی را از خودمان شروع کنم. می‌خواهم برای چند لحظه هم که شده است، تا جایی که می‌توانیم از تربیت کردن بچه‌ها فاصله بگیریم و به خودمان نگاهی بیندازیم. تمرین یخ‌شکن، فرصت خوبی برای این کار است. کارگاه کتاب‌خوانی مشارکتی را باید تا حد ممکن مشارکتی برگزار کنیم. سؤالم را با جمع در میان می‌گذارم: «خودتان را به‌عنوان یک کتاب معرفی کنید؟ چه جور کتابی هستید؟ داستانی؟ مستند؟ علمی؟ تخیلی؟ زندگی‌نامه خودشناخت (اتوبیوگرافی)؟ اگر داستانی، چه نوع داستانی هستید؟ عشقی، جنایی یا...؟»

**خود بچه‌ها زنگ  
اطخار خوبی برای  
معنای مشارکت  
و کتاب‌خوانی  
مشارکتی  
هستند. هر وقت  
مشارکت به معنای  
واقعی آن رخ  
نمی‌دهد، بچه‌ها با  
عکس‌العمل‌هایشان  
به ما هشدار  
می‌دهند؛ حتی اگر  
به نظر خودمان  
برسد که مسیر  
فوق‌العاده‌ای را با  
آنها طی کرده‌ایم**

همین‌طور سؤال می‌کنم و به والدین فرصت می‌دهم درون خود را به‌عنوان یک کتاب بازبینی کنند. حالا از هر کس می‌خواهم خود را از زبان کتابی که هست، معرفی کند. حتی سر و شکل خود را هم شرح دهد؛ مثلاً: «کتابی هستم با قطع رقعی، صفحات رنگی، پر از عکس و رنگ، کاغذ نازک و گلاسه است. داستانم یک داستان پرماجرا...».

همین‌طور که یخ والدین آرام آرام باز می‌شود، اولین قدم را برای کشف حقیقت کتاب و کتاب‌خوانی مشارکتی با هم تجربه می‌کنیم. می‌خواهم قبل از کتاب خواندن برای بچه‌ها، از این موضوع آگاه شویم که کتاب‌ها با ما چه می‌کنند و می‌خواهیم با خواندن یک کتاب چه اتفاقی برایمان بیفتد. وقتی خودمان را بهتر می‌شناسیم، با یادآوری سبک کتاب‌هایی که معمولاً انتخاب می‌کنیم، درمی‌یابیم که کتاب

خواندن ارتباطی مستقیم با شخصیت ما و نیازهای ما دارد. آن وقت است که برای کتاب خواندن با بچه‌ها، به نیازها و دغدغه‌هایی که دارند بهتر توجه می‌کنیم. بیشتر حواسمان هست که برای چه می‌خواهیم کتاب بخوانیم؟ چه جور کتابی بخوانیم؟ چگونه بخوانیم و کودکی را که از کتاب فرار می‌کند، چگونه با خود همراه کنیم؟ وقتی توپ به زمین خودمان برمی‌گردد، معمولاً گلایه‌هایی که از بچه‌ها داریم، رنگ می‌بازند. با این روند، سؤالات مربوط به کتاب‌خوانی را شروع می‌کنیم. «به چه چیزی کتاب می‌گوییم؟ این چند برگه به هم چسبیده چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند که از نظر ما یک

من از تو بهترم.»

شکر گفت: «من شیرینم. همه من را دوست دارند.»  
نمک لبخند با نمکی زد و گفت: «اما هر کس تو را بخورد، سرفه‌اش می‌گیرد.»  
شکر، خنده شیرینی کرد و گفت: «تو چی؟ هر کس تو را بخورد از تشنگی زبانش بیرون می‌افتد.»

حالا بقیه بچه‌ها هم مشتاق شدند تجربه آن‌ها را امتحان کنند. یحیی نمک را انتخاب می‌کند و کمی از آن را به سمت دهانش می‌برد. چهره‌اش در هم می‌رود.  
کتاب‌خوانی را ادامه می‌دهیم. دعوی شکر و نمک قصه هم همچنان ادامه دارد. ظرف شکر به نیمه رسیده است اما حجم نمک خیلی ریز ریز کم می‌شود.  
یک روز زن صاحب خانه در کم‌ر باز کرد و ظرف نمک را برداشت. شکر با خودش گفت: «یعنی چه خبر شده؟»

خلاصه، نمک که قرار است آب بنیر شود، وارد سطل آب می‌شود. حالا وقت آن شده که لیوان آب را وارد بازی کنیم. قرار است ببینیم چرا نمک قصه با ورود به سطل آب، این قدر احساس سنگینی می‌کند؟ نمک با ورود قاشق و چرخش آن در سطل سرگیجه می‌گیرد.  
حامد یک قاشق نمک داخل لیوان می‌ریزد و با قاشق وارد عمل می‌شود: «بچرخ تا بچرخیم.»

همین‌طور که شعرهای قاشق را از روی کتاب می‌خوانم، به چهره تک تک بچه‌ها نگاه می‌کنم. بعضی‌ها محو حرکت دست حامد شده‌اند و درباره دانه‌های نمک - که حالا دیگر دیده نمی‌شوند - نظر می‌دهند. بعضی با توجه به لحن من در شعر خواندن، سرشان را تکان می‌دهند. یکی از بچه‌ها درباره تصاویر کتاب سؤال می‌کند. آن‌ها هم‌چنان مشغول شکر خوردن است!

کتاب‌خوانی را ادامه می‌دهم؛ در حالی که به دنبال این نیستم که به بچه‌ها آموزشی بدهم. نمی‌خواهم علوم و ریاضی و شعر و ادبیات یاد بدهم اما علوم و ریاضی و شعر و ادبیات تجربه‌های واقعی زندگی هستند که همه در کتاب‌خوانی می‌توانند حضور پیدا کنند و بین بچه‌ها و کلمات و زندگی و تجربه‌هایی که هر روز در زندگی با آن مواجه می‌شوند، ارتباط تازه‌ای را شکل بدهند.

نمک و شکر بالاخره در لقمه نان و پنیر صبحانه، جایی که خانم صاحب‌خانه چایی شیرین نوش جان می‌کند، دوباره به هم می‌رسند اما آب، زمختی و سختی هر دو را از بین برده، هر دو حل شده‌اند و دوستی تازه‌ای بین آن‌ها شکل گرفته است؛ دوستی‌ای که در آن هیچ کسی بهتر از دیگری نیست.<sup>۱</sup>  
کتاب برایم فرصت گفت‌وگو با کودکان را فراهم می‌کند. تلفیق تجربه و بازی و گفت‌وگو حداقل کاری است که برای کتاب‌خوانی می‌توانم انجام دهم.



کتاب باشند؟»

«کتابخوانی برای ما چه معنایی دارد؟»

پرسش‌هایم را ادامه می‌دهم و پاسخ‌های مختلفی از والدین می‌شنوم. حالا به مهم‌ترین سؤال‌های کارگاه می‌رسیم: «مشارکت چیست؟ اگر چه کار کنیم با دیگری مشارکت کرده‌ایم؟ کتابخوانی مشارکتی چگونه رخ می‌دهد؟»

تجربه‌های والدین از مشارکت و طعم واقعی آن را می‌شنوم. هر کس می‌گوید که چه برداشتی از کتابخوانی مشارکتی دارد و چه کارهایی در کتابخوانی، مشارکت محسوب می‌شود.

از شنیده‌ها معلوم می‌شود که خود بچه‌ها زنگ اختطار خوبی برای معنای مشارکت و کتابخوانی مشارکتی هستند.

هر وقت مشارکت به معنای واقعی آن رخ نمی‌دهد، بچه‌ها با عکس‌العمل‌هایشان به ما هشدار می‌دهند؛ حتی اگر به نظر خودمان برسد که مسیر فوق‌العاده‌ای را با آن‌ها طی کرده‌ایم. اولین دستاورد مشارکت واقعی، احساس رضایت و لذت طرفین است. وقتی بچه‌ها خسته و ناراضی می‌شوند، حتماً یک جای کار مشکلی به وجود آمده است و هیچ کس بهتر از یک مادر، پدر یا مربی آگاه از نیاز بچه‌ها، نمی‌تواند آن

لحظه را تشخیص دهد و کشتی را به سمتی هدایت کند که دوباره رضایت حاصل شود.

حالا نوبت آن رسیده است که دربارهٔ انواع کتاب کمی گفت‌وگو کنیم. بارها در

نمایشگاه‌های کتاب و فروشگاه‌ها، با پدر و مادرهایی برخورد کرده‌ام که نوع خاصی از کتاب را که مثلاً سر و شکل متفاوت دارد،

انتخاب و خریداری می‌کنند. همیشه این سؤال برایم پیش می‌آید که «محتوای کتاب

در انتخاب ما چه نقشی دارد؟» چقدر بین انواع کتاب‌هایی که برای کودک تهیه می‌کنیم، تعادل برقرار است؟ آیا فقط

کتاب داستان می‌خریم یا کتاب‌های شعر هم در طبقه‌بندی ما جایگاهی دارند؟ کتاب‌های علمی چطور؟ کتاب‌های فعالیتی

چطور؟ جای دایرةالمعارف‌ها کجاست؟

در این بخش کارگاه، کتاب‌ها را از نظر محتوا و شکل و جنس، طبقه‌بندی می‌کنیم. برای اینکه این طبقه‌بندی واقعی رخ دهد

و ذهنی نباشد، تعداد زیادی کتاب از طبقه‌های مختلف را ارائه می‌کنم تا والدین با مشارکت یکدیگر، آن‌ها را بازبینی و نوعشان

را بررسی کنند. هنگام انجام این فعالیت مشارکتی، والدین را مشاهده می‌کنم. می‌خواهم ببینم نوع مشارکت افراد در گروه چگونه است؟ موضوع مشارکت بحث کلیدی کارگاه ماست. از

طرفی، دیدن چگونگی بازبینی کتاب و انتخاب آن هم برایم جذاب است. می‌خواهم ببینم هر فرد چگونه یک کتاب را از ابتدا

تا انتها بررسی می‌کند تا بتواند آن را در یک طبقه جای دهد. آیا همهٔ آن را از ابتدا تا انتها خط به خط می‌خواند یا نگاهی اجمالی

را کافی می‌داند؟ تصاویر چه نقشی در انتخابش دارند؟

**حیف است که کتابخوانی، با همهٔ ظرفیت‌هایی که دارد، به فعالیتی برای زمان خواب منحصر شود**

بعد از این فعالیت، شنیدن تجربهٔ گروه از چگونگی انجام گرفتن آن خیلی کمک‌کننده است. بعضی از والدین، از اینکه می‌توانند کتاب‌هایی تا این حد متنوع برای کودکشان تهیه کنند، شگفت‌زده‌اند.

بعضی دیگر درگیر این شده‌اند که نیاز کودک من در حال حاضر به کدام نوع کتاب است و او به چه گروه کتاب‌هایی بیشتر علاقه نشان می‌دهد. این موضوع را در ادامهٔ کارگاه به دست می‌گیرم تا فعالیت بعدی را با هم آغاز کنیم. تعدادی کتاب به هر گروه می‌دهم و از آن‌ها می‌خواهم به سه سؤال پاسخ دهند:

۱. این کتاب چه مؤلفه‌ها یا مشخصاتی دارد که ممکن است مورد علاقهٔ کودک باشد؟ (یا نباشد؟)

۲. کودک چه چیزهایی می‌تواند از این کتاب یاد بگیرد؟

۳. چه کارهایی می‌توانیم بکنیم که خواندن این کتاب را به تجربه‌ای لذت‌بخش و همراه با یادگیری تبدیل کنیم؟

کارگاه کتابخوانی مشارکتی را با خواندن مشارکتی کتاب با چند کودک - که معمولاً فرزندان خود شرکت‌کنندگان کارگاه هستند - ادامه می‌دهیم و والدین بعد از مشاهدهٔ درگیر شدن کودکان در فعالیت کتابخوانی، خودشان به صورت گروهی و مشارکتی برای کودکان کتاب می‌خوانند. کارگاه را با معرفی فهرستی از کتاب‌ها و مجلات با کیفیت مناسب کودکان - که با مشارکت همهٔ شرکت‌کنندگان آماده می‌شود - به پایان می‌بریم.

### مشارکت با کودکان

تقریباً همین مسیر را با کودکان نیز طی می‌کنیم؛ با این تفاوت که اینجا واقعاً میدان عمل است. قبل از ورود به جمع



گاهی هم تعدادی کتاب با کیفیت که دوست دارم حتماً همهٔ بچه‌ها، حتی یک‌بار هم که شده است آن‌ها را بخوانند، با خودم همراه می‌برم و انتخاب کتاب را با مشارکت کودکان انجام می‌دهیم. ممکن است برای یک روز، بچه‌ها در انتخاب کتاب به توافق نرسند. خبر خوبی است! در مشارکت کردن، گاهی لازم است از خواستهٔ اول خودت کمی پایین‌تر بیایی! با هم گفت‌وگو می‌کنیم و کتابی را انتخاب می‌کنیم که در نهایت، جمع هم با آن موافق است. برای خواندن انتخاب‌های دیگران، زمانی را تعیین می‌کنیم یا کتاب را به بچه‌ها امانت می‌دهیم. فضای مشارکت، آن‌قدر سخاوتمند است که امکان‌های زیادی در اختیارمان قرار دهد.

**یادم باشد با  
تقلا کردن، در  
دام «من باید  
همه چیز را به  
بچه‌ها یاد بدهم»  
نیفتم. قرار است  
کتاب‌خوانی  
مشارکتی،  
فعالیتی  
لذت‌بخش باشد**

### «کجا کتاب بخوانیم؟»

انتخاب مکان کتاب‌خوانی موضوع بعدی مشارکت ماست. یادم باشد قرار است این مشارکت یک تجربهٔ لذت‌بخش باشد. من هم پیشنهادهای خودم را برای مکان کتاب‌خوانی مطرح می‌کنم و در نهایت با هم به توافق می‌رسیم.

گاهی محل انتخابی ما پشت یک کمد است که شبیه خانه به نظر می‌رسد و گاهی محدودهٔ چند صندلی که احساس قایق‌سواری را به ما می‌دهد. آن‌وقت من یا یکی از بچه‌ها قایق‌ران می‌شویم و چتری را به‌عنوان بادبان به دست می‌گیریم و در حال کتاب‌خوانی روی رودخانهٔ خیالمان حرکت می‌کنیم.

### «چه زمانی کتاب بخوانیم؟»

نمی‌دانم کلمهٔ کتاب‌خوانی از چه زمانی و توسط چه کسی با خوابیدن و زمان خواب در ذهن بسیاری از ما گره خورده است. البته کتاب خواندن در زمان خواب، فعالیتی مناسب و دوست‌داشتنی است اما حیفاً است که کتاب‌خوانی، با همهٔ ظرفیت‌هایی که دارد، به فعالیتی برای زمان خواب منحصر شود. از طرفی، استفاده از بسیاری تکنیک‌های کتاب‌خوانی مشارکتی در موقع خواب و استراحت، نه به خواب بلکه به نتیجه‌ای عکس منجر می‌شود. البته می‌توان در هنگام خواب و استراحت هم با مشارکت بچه‌ها کتاب‌خوانی کرد اما خستگی و لزوم آرامش در آن لحظات، ما را در استفاده از مدل‌های مختلف مشارکت محدود می‌کند.

### «در کتاب‌خوانی مشارکتی چه فرصت‌هایی برای یادگیری نهفته است؟»

... ادامه دارد

بچه‌ها، به این فکر می‌کنم که کتابی که به همراه می‌برم، چه فرصت‌هایی برای خواندن مشارکتی در اختیارم قرار می‌دهد. برای خواندن مشارکتی دو اصل را پیش‌چشم‌ان قرار می‌دهم:

۱. **چشم‌انداز مشارکت به‌عنوان «تجربه‌ای لذت‌بخش» برای کودکان و من؛**

۲. **استفاده از موقعیت‌های معمولی زندگی برای یاد گرفتن و رشد کردن.**

تازه قصهٔ مشارکت با کودکان شروع می‌شود. قبل از ورود به جمع بچه‌ها، سؤالاتی را دربارهٔ فرصت‌های مشارکت فهرست می‌کنم:

### «کودکان در انتخاب کتاب چه نقشی دارند؟»

من فرزند خودم و علائقش را می‌شناسم. اگر هم برای چندمین بار بخواهم به جمعی از کودکان بپیوندم، باز هم شناخت نسبی از آن‌ها پیدا کرده‌ام. در جلسات گذشته دربارهٔ کتاب‌های مورد علاقه‌شان با آن‌ها گفت‌وگو کرده‌ام. می‌توانم تعدادی کتاب با خودم همراه ببرم و از کودکان بخواهم در انتخاب کتاب برای زمان کتاب‌خوانی، مشارکت کنند. گاهی هم مربیان در این زمینه کمک می‌کنند. از دغدغه‌ها و علائق کودکان می‌گویند، از موضوعاتی که در روزها و ساعت‌های اخیر با کودکان مطرح کرده‌اند، از مناسبت‌هایی که می‌خواهند به آن‌ها بپردازند و ... مثلاً یک روز می‌گویند: «فردا روز محیط زیست است. بچه‌ها پروژه‌ای با این موضوع شروع کرده‌اند. بین کتابی مرتبط با موضوع پیدا می‌کنی؟» یا روز دیگر: «بچه‌ها چند وقتی است دربارهٔ مزه‌ها و طعم‌ها سؤالات زیادی می‌کنند. چه کتابی معرفی می‌کنی؟»

# عطر کتاب در مدرسه

نرگس سجادیه

عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

دید. از پس این نگاه است که کم‌کم سرخوشی کودک در لابه‌لای صفحات آغاز می‌شود، تفکر از میان کلمات کتاب خود را نشان می‌دهد و جان می‌گیرد و خیال در هر برگ کتاب به اوج خود می‌رسد. پرسش اینجاست که این جور دیگر نگرستن به کتاب در مدرسه چگونه است؟

در این نوشتار، پای صحبت معلمانی<sup>۲</sup> نشستیم که دل به دریا زده‌اند، چشم‌ها را شسته‌اند و کتاب را از دریچه‌ای دیگر نگرسته‌اند. معلمانی که تلاش کرده‌اند کتاب را نه در حصار درس و بحث رسمی، بلکه در فضایی فراخ از اندیشه و احساس بنگرند و آن را در کلاس و مدرسه خود بازتعریف کنند. در این فضا، کتاب جان گرفته، پای ثابت بسیاری از فعالیت‌های تربیتی شده، همراه خود، رویدادهای مبارکی از رشد اندیشه و احساس و خیال را به کلاس آورده و لحظه‌لحظه تربیت را از شور و لذت سرشار ساخته است.

در این میان، ابتدا از اقدامات و بایسته‌هایی خواهیم گفت که می‌تواند غریبگی ما را با کتاب بزدايد و سپس، نمونه فعالیت‌هایی را بیان می‌کنیم که بر محور کتاب تکوین یافته‌اند.

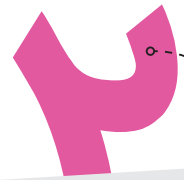
گاهی در نزدیکی مدرسه ما، در کلاسی شبیه به کلاس ما و با معلمانی از جنس خودمان، مواردی پیش می‌آید که می‌تواند مدرسه، کلاس، معلمی و تربیت ما را از نو تعریف کند و روحی تازه در کالبد آن بدمد. قرار است برخی از این تجربه‌ها را با هم مرور کنیم و برخی شیرینی‌هایشان را بازگو کنیم و لذت آن را میان خودمان تقسیم کنیم که گفته‌اند «وصف‌العیش نصف‌العیش».

کتاب‌خوان‌ها می‌گویند مطالعه کتاب، یکی از لذت‌های وصف ناشدنی زندگی آدمی است. لحظاتی که می‌توان با کتاب، از مکان و زمان حال فاصله گرفت و به زندگی‌ها و زمان‌های دیگر سفر کرد، لحظاتی است که گویی جزئی از لحظات عمر به حساب نمی‌آید و باید حساب آن را به پای بازیگوشی‌های روح و تنفس در هوای حیاتی دیگر گذاشت.

از سوی دیگر، شاید بتوان گفت یکی از محوری‌ترین مؤلفه‌های تربیت است که البته امروزه در مدارس ما با خوانشی معیوب، به کتاب درسی منحصر شده و در انواع دیگرش، حاشیه‌نشین قفسه‌ها و زندانی کتابخانه‌هاست. از همین روست که برای دیدن کتاب، چشم‌ها را باید شست و جور دیگر باید

## کتاب‌های غیردرسی را دریابیم

اصل نخست در آمیختن مدرسه با طعم کتاب، این است که حصار درس‌های رسمی و کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی مرسوم را بشکنیم و کلاس و تربیت خود را در افقی بالاتر جایابی کنیم. کتاب درسی در عین اهمیت، به دلیل یگانه بودن و عمومی بودن ممکن است نیازهای خاص شاگردان ما را نادیده انگارد، علایق آن‌ها را به حساب نیاورد و معنایی به زندگی آن‌ها نبخشد. تکیه زیاد بر این ستون غریبه با زندگی بچه‌ها، کم‌کم می‌تواند «مای» معلم را هم با آن‌ها غریبه سازد و کلاس را به کالبدی بی‌روح بدل کند. در مقابل، کتاب‌های غیردرسی به دلیل رهایی از قید و بندهای رسمیت، تنوع زیاد و تکوین در فضای ادبیات کودک، می‌توانند سفره‌های رنگین، متنوع، دل‌انگیز و طبیعی از مضامین و روش‌ها را پیش روی ما بکشایند. آن وقت است که می‌توان برحسب نیاز و سلیقه، دست به انتخاب زد و طعم کتاب را زیر زبان مزه‌مزه کرد. پس لطفاً کتاب‌های غیردرسی را در فهرست مخاطبان دوست‌داشتنی‌تان جا دهید.

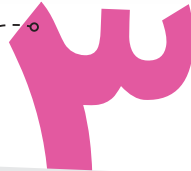


## کتابها را از زندان کتابخانه‌ها نجات دهیم

اصل دوم در پراکندن عطر کتاب در مدرسه، رهسازی کتابها از گوشه‌نشینی در قفسه‌های خاک خورده است. قدیمی‌ها گفته‌اند: از دل برود هر آنچه از دیده برفت... بنابراین، کتابها را جلوی چشم خودمان و بچه‌ها در قفسه‌هایی قابل دسترس و منتشر در مدرسه قرار دهیم. به‌نظر می‌رسد در یک دبستان، تنها برخی از کتابهای مرجع که قابل امانت نیستند و لازم است تحت تدابیر ویژه‌ای نگهداری و استفاده شوند، باید در کتابخانه باشند. بقیه کتابها باید در قفسه‌هایی در دسترس کودکان و در کلاس‌ها- قلب تربیت- گذاشته شوند تا در جریان تربیت و در جریان فعالیت‌ها و بحث‌های مختلف، به تناسب انتخاب شوند و مورد استفاده قرار گیرند.

مثلاً هنگامی که کتاب «دانش‌های علمی برای کودکان» در کلاس باشد، می‌توان در میانه تدریس درس «هوا» به آن مراجعه کرد، آزمایش ساده ساخت مار را انتخاب کرد و شوری تازه در رگ‌های کلاس جاری ساخت. وقتی بچه‌ها با دنبال کردن دستورالعمل کتاب، مارهایشان را می‌کشند و با قیچی می‌برند و رنگ می‌کنند، آهسته‌آهسته، لذت علم‌آموزی و کتاب‌خوانی در جان‌شان می‌نشیند و هنگامی که جریان هوا را در پیچش مارهایشان به نظاره می‌نشینند، نسیم دانستن و یادگیری را با تمام وجود حس می‌کنند.

وقتی در مورد فرهنگ یک کشور- مثلاً ژاپن- سخن می‌گوییم، می‌توانیم متناظر با آن کتاب «آشپزی ملل» را از قفسه کلاس برداریم. پرچم ژاپن را از روی کتاب ببینیم و نقاشی کنیم، در مورد لباس‌های مردمش گفت‌وگو کنیم، غذاهای مورد علاقه مردم آن کشور و دستور پخت‌هایشان را مرور کنیم. حتی می‌توانیم بخشی از کلاس را به اجرای مراسم چای ژاپنی اختصاص دهیم یا برای هفته آینده یکی از غذاهای ساده ژاپنی را درست کنیم و به کلاس بیاوریم و یادگیری فرهنگ آن کشور را برای بچه‌ها دلبذیر و معنادار سازیم...



## طرح رفاقت همگانی معلمان با کتابهای غیردرسی را آغاز کنیم

اسارت کتابها در کتابخانه و تدفین محتوایشان در ذهن کتابدار، آن‌ها را گام‌به‌گام به مرگ نزدیک‌تر می‌کند. برای احیای این کالبد رو به موت، نه تنها باید کتابها را از کتابخانه نجات داد بلکه نباید گذاشت محتوای آن‌ها تنها در ذهن کتابدار باقی بماند. برای این کار خوب است کتابها را نقل مجلس خود سازیم. در هر گفت‌وگویی میان معلمان از کتابها و محتوایشان بگوییم و در مورد ظرفیت‌هایشان بحث کنیم. این بحث‌ها و گفت‌وگوها، به تدریج مضامین کتابها را در ذهن معلمان می‌نشانند و طرح رفاقت با کتاب را محقق می‌سازد.

در نتیجه همین رفاقت است که داستان «یک چیز دیگر» در جریان کلاس مطالعات اجتماعی یا تفکر و پژوهش، می‌تواند کودکان را نسبت به همسالان متفاوت یا خاص خود، حساس و مهربان‌تر کند یا حس همدلی بیشتری در آن‌ها برانگیزد...

در اثر همین رفاقت است که معلم می‌تواند ترس یک کودک را در لابه‌لای قصه «ایزی و راسو» دریاورد و او را با جلوه‌هایی از شجاعت مواجه کند. در دل این رفاقت، برای بسیاری از گره‌های کور تربیتی راه چاره خواهیم یافت و برای دردهای بی‌درمان تربیتی‌مان، مرهم و درمان خواهیم جست.

### \* بی‌نوشت

۱. البته این نوشته‌ها بیشتر ناظر بر پیش‌دبستان و دبستان‌اند.
۲. این نوشته بیشتر براساس گفت‌وگو با مربیان و معلمان مجموعه «خانه یادگیری رها» و مشاهده فعالیت‌های تربیتی آنان نگاشته شده است.

# آشتی با کتابخانه

نرگس معینی  
معلم کتابخوانی منطقه ۵

امروزه در بسیاری از مدارس، کتابخانه‌ها به سالن‌هایی خلوت و بدون هیجان تبدیل شده‌اند که جز در زمان امتحانات، کمتر کسی به آن‌ها سر می‌زند. شاید این فعالیت‌های کوچک منبع الهامی برای مسئولانی باشد که در فکر جذابیت بیشتر این محیط‌ها و رونق دادن به آن‌ها هستند.

## ۱. مخزن باز و مجوز ورود به دنیای

**کتاب‌ها:** در کتابخانه‌هایی که مخزن باز دارند، دانش‌آموزان به‌طور مستقیم با کتاب‌ها روبه‌رو می‌شوند و کتابی را که با نیازهایشان همخوانی بیشتری داشته باشد، انتخاب می‌کنند. اگر مخزن کتابخانه مدرسه شما بسته است، این فرصت را از دانش‌آموزان دریغ نکنید و تبدیل آن به مخزن باز را به‌عنوان یکی از راه‌های جذابیت بیشتر کتابخانه در نظر داشته باشید.

## ۳. به ترتیب الفبا: برای دانش‌آموزان

کم‌سن‌تر، یافتن کتاب در قفسه‌ای که به ترتیب الفبایی چیده شده است، اندکی چالش‌برانگیز است. برای آشنایی بیشتر آن‌ها با این نوع چینش، این بازی را اجرا کنید: به هر کس ده کتاب از نویسنده‌های مختلف بدهید. سپس از آن‌ها بخواهید کتاب‌ها را به‌صورت الفبایی، براساس نام خانوادگی مؤلف بچینند. به برنده این مسابقه سرعت یک جلد کتاب جایزه دهید.

## ۲. مسابقه کتاب‌یابی: بعد از اینکه دانش‌آموزان را با رده‌بندی دیوپی آشنا

کردید، آن‌ها را به چند گروه تقسیم کنید. سپس، فهرستی شامل شماره راهنمای تعدادی از کتاب‌ها را به هر گروه بدهید. اعضای گروه‌ها را به صف کنید و سوت شروع مسابقه را به صدا درآورید. نفر اول هر صف باید کتاب اول را به کمک شماره راهنمای آن پیدا کند. پس از بازگشت نفر اول با کتاب درست، نفرات بعدی به نوبت به دنبال کتاب‌های خود می‌روند. هر گروهی که تمام عناوین فهرست خود را زودتر بیابد، برنده می‌شود. پس از این بازی، دیگر پیدا کردن یک کتاب با کمک اعداد عجیب و غریبی که روی آن نوشته شده است، سخت به نظر نمی‌آید.

## ۴. کتابخانه‌ای برای فیلم‌بین‌ها:

برنامه‌های نمایش فیلم معمولاً پرمخاطب‌اند. گاهی فیلمی اقتباسی را در مدرسه اکران کنید. از پیش اطلاع‌رسانی کنید تا دانش‌آموزان فرصت کنند کتاب مربوط به آن را بخوانند. بعد از اکران، جلسه‌ای برای گفت‌وگو درباره داستان و فیلم برپا کنید.



### ۵. کتابخانه چینی: چینش و دکوراسیون کتابخانه را دست کم نگیرید؛ مثلاً:

- هر فصل دکوراسیون را تغییر دهید و میز کتابی متناسب با آن فصل نیز برپا کنید؛ مثلاً، «ماهگیر و بهار» مژگان کلهر احتمالاً به درد میز کتاب بهاره شما می‌خورد.
- اگر قفسه‌های کتابخانه را براساس گونه (ژانر) کتاب‌ها چیده‌اید، سعی کنید جلوی هر قفسه را نیز براساس ژانر تزیین کنید؛ مثلاً مجسمه شازده کوچولو و ویلی وانکا را در حوالی قفسه داستان‌ها بگذارید و گلدان‌ها را در کنار قفسه کتاب‌های علمی.
- لمکده بسازید؛ کتابخانه را به مکانی تبدیل کنید که می‌توان در آن به راحتی لم داد و کتاب خواند. چنین محیطی در مدرسه قطعاً دانش‌آموزان را به خود جذب خواهد کرد.

### ۶. چشیدن مزه کتاب‌ها: روی هر یک از صندلی‌های

کتابخانه یک کتاب یا مجله قرار دهید؛ حال به دانش‌آموزان بگویید یک صندلی را انتخاب کنند و کتاب یا نشریه روی آن را ورق بزنند و ببینند. هر سه دقیقه یک بار افراد را جابه‌جا کنید. پس از اینکه همه افراد تک تک کتاب‌ها و نشریات را دیدند، از آن‌ها بخواهید هر کدام را که بیشتر به دلشان نشست است، به امانت ببرند. با این فعالیت، امکان برخورد با انواع مختلف منابع مکتوب و انتخاب از میان آن‌ها برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود.

### ۷. چینش قفسه‌ها: با توجه به

ویژگی‌های مرکزی که در آن کار می‌کنید، تصمیم بگیرید که می‌خواهید کتاب‌ها را به چه ترتیبی بچینید. دیوپی، براساس گونه کتاب (ژانر) یا گروه سنی؟ هر یک از این شیوه‌ها مزایا و معایب خودش را دارد و شما باید که باید با سنجش شرایط مدرسه‌تان، تصمیم بگیرید کدام مناسب‌تر است.

### ۸. دیدار با

**نویسندگان:** برگزاری جشن امضای کتاب و دعوت از نویسندگان در مدرسه فضایی هیجان‌انگیز و جذاب ایجاد می‌کند که در تشویق دانش‌آموزان به کتاب‌خوانی مؤثر است.

### ۹. حلقه کتاب‌خوانی: حلقه‌های کتاب‌خوانی فرصتی ایده‌آل برای درگیر کردن دانش‌آموزان

با کتاب‌ها هستند. هر دو هفته (یا هر ماه) با هم یک کتاب بخوانید و در حلقه کتاب درباره آن گفت‌وگو کنید. برای جذاب‌تر کردن این جلسات می‌توانید از این ایده‌ها استفاده کنید:

- خوراکی‌ها همه چیز را جذاب‌تر می‌کنند! سعی کنید هر دفعه، براساس کتابی که خوانده‌اید، پذیرایی خاصی برای حلقه‌تان فراهم آورید. بحث درباره حیمز و هلوی غول پیکر در حال خوردن هلو قطعاً تجربه‌ای به یاد ماندنی است!
- بخشی از حلقه را به نمایش اختصاص دهید؛ مثلاً، از چند نفر از اعضای حلقه بخواهید صحنه‌ای از کتاب را به صورت پانتومیم اجرا کنند و بقیه اعضا حدس بزنند چه قسمتی در حال اجراست.

### ۱۱. بازی‌های متنوع: اگر زنگ کتاب‌خوانی دارید، به اجرای این

بازی‌ها فکر کنید:

- جلدشناسی: یکی از دانش‌آموزان روی تخته جلد کتابی را ترسیم می‌کند. هر کس زودتر از همه نام کتاب را بگوید، برنده است.
- جمله اول: دانش‌آموزان را به گروه‌های دو نفره تقسیم کنید. در هر گروه، یکی از این دو نفر چشمش را می‌بندد و دیگری از بین کتاب‌هایی که با هم خوانده‌اند، یکی را برمی‌دارد و جمله اولش را می‌خواند. نفر اول باید حدس بزند جمله مربوط به چه کتابی است.

### ۱۰. برگزاری تور کتاب‌گردی: دانش‌آموزان

را گاه به گاه به کتاب‌فروشی ببرید. اولاً، اردو به خودی خود برای بچه‌ها جذاب است و خاطره‌ای به یادماندنی در ذهن آن‌ها ثبت خواهد کرد. ثانیاً، دادن حق انتخاب کتاب‌های مختلف به دانش‌آموزان اهمیت بسیاری دارد. شما می‌توانید یک هفته بعد از این اردو، جلسه‌ای برگزار کنید و از بچه‌ها بخواهید کتابی را که گرفته‌اند به بقیه معرفی کنند.



رویا صدر  
تصویرگر: سام سلماسی

که برای بلندکردن او از پای کتاب، باید از وسایلی نظیر جک و بیل مکانیکی کمک بگیرید.

۲ اگر در پاره‌ای موارد سرکوفت نتیجه نداد، دانش‌آموز کتاب نخوان را تنبیه و جریمه کنید. سعی کنید این امر جلوی کلیه ناظرین و حاضرین در مدرسه صورت بگیرد تا بهتر نتیجه دهد. یادتان باشد که رشد علم و دانش و بالا رفتن نرخ مطالعه در طول تاریخ، مدیون تنبیه و جریمه‌های شاگردان مدارس است.

۳ در کنار تنبیه، از راهکارهای مبتنی بر تشویق نیز غافل نشوید؛ مثلاً به دانش‌آموز بگویید: «آخر هر بیچارگی و بدبختی‌ای، شیرینی است.

اگر کتابی را که معرفی کردم بخونی، به جاش سی‌دی بازی جایزه می‌گیری که شبانه‌روز بتونی سرگرم بشی و لحظات سخت و تلخ و کسالت‌آور کتاب‌خواندن رو فراموش کنی.»

تعدادی از خوانندگان از ما سؤال کرده‌اند که چطور می‌توانیم دانش‌آموزان را به کتاب‌خواندن علاقه‌مند کنیم. ما هم بدین‌وسیله ده شیوه ترغیب این نوگلان باغ بشریت به کتاب‌خوانی را می‌نویسیم؛ باشد که به کار آید:

۱ تحقیر و سرکوفت یکی از شیوه‌های تربیتی مؤثر در طول تاریخ بشریت است. این راهکار در امر کتاب‌خوانی نیز شدیداً توصیه می‌شود. به دانش‌آموز مدام به خاطر کتاب‌نخواندن سرکوفت بزنید و تا می‌توانید در حضور جمع تحقیرش کنید؛ مثلاً سر کلاس به او بگویید: «اگر یک ذره فهم و شعور داشتی، می‌فهمیدی که کتاب یار مهربان و دانا و خوش بیان است که سخن هم فراوان می‌گوید و از او نباید غافل باشی؛ چون یار پندداران است. حیف که شعورت قد نمی‌ده... برو همون گیمتو بازی کن و با موبایلت ور برو، حیف نون...» خواهید دید که او با شنیدن حرف‌های شما به مطالعه کتاب علاقه‌مند می‌شود؛ تا آنجا



۴ نمونه‌های موفق کتاب‌خوانی را به رخ دانش‌آموز بکشید؛ مثلاً به او بگویید: «اینو که می‌بینی به اینجا رسیده، همش سرش توی کتاب بوده... حالا درست‌ه که بیکار و آس‌وپاسه... ولی این بدون شک از ارزش‌های مطالعات او چیزی کم نمی‌کنه.»

۵ نمونه‌های آدم‌های کتاب‌نخوان را جلوی چشمش ردیف کنید تا برایش درس عبرتی باشد؛ مثلاً بگویید: «این آدم بدبخت رو که می‌بینی توی مادیات غرقه و پولش از پارو بالا می‌ره و به جیفه ناچیز دنیوی سفت و سخت چسبیده، بیچاره به عمرش اصلاً کتاب دستش نگرفته. تو از سرگذشتش عبرت بگیر و تا می‌تونی کتاب بخون.»

۶ در کتابخانه را تا اطلاع ثانوی پلمپ کنید و روی آن بنویسید: «دسترسی به این مکان برای دانش‌آموزان ممنوع می‌باشد.» خواهید دید که بعد از بازگشایی، چه سرودست‌ها که از سوی دانش‌آموزان برای کتاب‌های کتابخانه شکسته نمی‌شود...

۷ کتاب آموزنده‌ای در اختیارش قرار دهید و به او بگویید تا خواندنش را تمام نکرده، اجازه ندارد از اتاق خارج شود. این‌طوری نهال کتاب‌خوانی در وجودش بارور می‌شود و به مرحله شکوفه و میوه دادن نیز می‌رسد. تجربه ثابت کرده است راه رسیدن به باغ کتاب و

سایر باغ‌ها از مسیر زور و اجبار می‌گذرد. از پدر و مادرها بخواهید که در محیط خانه و خانواده، بچه‌ها را به کتاب خواندن ترغیب کنند. دیالوگ نظیر:

- بچه! چقدر می‌شینی پای اون لپ‌تاپ فیلم نگاه می‌کنی؟ من اندازه تو بودم آرتور شوپنهاور می‌خوندم. پاشو برو به کتابی بگیر دستت بخون منم به عکسی ازت بگیرم واسه اینستاگرامم.

۹ هر روز سر صف مدرسه راجع به کتاب و کتاب‌خوانی صحبت کنید. تجربه نشان داده است که تکرار، شنونده‌ها را سر شوق می‌آورد. دیالوگ نظیر:

ناظم مدرسه: بچه‌های گلم، می‌دونین امروز هم مثل هر روز می‌خوام راجع به چی باهاتون حرف بزنم تا درست و درمون آویزه گوشتون بشه؟ بچه‌ها یک‌صد: کتاب و کتاب‌خوانی (خمیازه و نج...نج حضار و تصمیم آن‌ها برای خرید کتاب در اسرع وقت!)

۱۰ در و دیوار مدرسه را از آگهی‌ها و جملات قصار راجع به کتاب و کتاب‌خوانی پر کنید تا هر لحظه مثل جملات قصار ایستگاه‌های مترو چونان خدنگی توی چشم و چار بچه‌ها فرو رود و شوق به مطالعه را در آن‌ها جوشان و خروشان و سرریز و لبریز سازد. جملاتی مثل:

\* دانش‌آموز عزیز! می‌دانی که با خواندن هر کتاب، یک خواننده به خوانندگان کتاب‌های کره زمین اضافه می‌کنی؟



# اندر فضیلت کتاب نخوانی!

دکتر عبدالعظیم کریمی

عضو هیئت علمی پژوهشکده خانواده و مدرسه

## اشاره

آن چه که در ذیل می‌آید دیدگاهی است متفاوت با آنکه در صفحات دیگر این شماره آمده است: نشریه مدرسه فردا ارائه دیدگاه‌های متفاوت در زمینه کتاب و کتابخوانی با دیدگاه حاضر را منتشر می‌کند.

## باید کتاب را بست!

### سهراب سپهری

«مطالعه کردن» و «کتاب خواندن»، بزرگ‌ترین مخفیگاه مخوف «کتاب نخواندن» و «مطالعه نکردن» است! همچنان که حرف زدن، بزرگ‌ترین مخفیگاه سخیف سکوت کردن است!

علمی که از دیگران به ما می‌رسد، ناخواسته و ندانسته حجاب ضخیمی می‌شود که ما را از کشف فاعلی آن علم باز می‌دارد. همچنان که آب از چاه دیگران به چاه خود ریختن مانع می‌شود تا آب درون چاه به زایش درآید.

آن که کتاب می‌خواند تا از خواندن کتاب چیزی بر خود بیفزاید، بی‌آنکه بداند از دانش و بینش درونی تهی می‌شود؛ آن که کتاب می‌خواند تا فقط کتاب خوانده باشد، بی‌آنکه بداند در همان لحظه از خواندن کتاب باز مانده است اما آن که کتاب می‌خواند تا کتاب او را بخواند، ناخودآگاه به خواندن کتاب خویش فراخوانده شده است و اما آن که هیچ کتابی از بیرون نمی‌خواند تا همه زمین و آسمان و هر آنچه در آن است به خوانش درونی درآید، او «فرزانه‌امی»، و «امی فرزانه» در خواندن کتاب آن «یگانه» است؛ او «سواد فطری» و «کتاب وجودی» را جایگزین «سواد کتابی» و «کتاب درسی» کرده است.

از این رو، تا زمانی که آدمی تلاش می‌کند از طریق مطالعه و تحقیق، آگاهی کسب کند، رازواری آگاهی نورانی را از دست می‌دهد و رمز هیچ‌چیز در جهان خلقت بر او آشکار نمی‌شود. بگذر از افسانه تحقیق، فهم این است و بس تا تو آگاهی و رمز هیچ‌چیزت فاش نیست! (بیدل)



عکس: انجم لاریجانی

آن که می‌پندارد با حفظ کردن کلمات نوشتاری، و اندوختن علم و دانش اکتسابی به آگاهی رسیده است، بیش از انسان بی‌سواد از حقیقت علم و دانش به‌دور است.

این «خوانش بی‌زایش»، حاصلی جز «زدایش بی‌حاصل» ندارد؛ هر چند برخوردار از اندیشه‌های اندیشمندان بزرگ باشد. فرزاندگی و فرهیختگی در کمیت دانش‌اندوزی و کثرت دانش‌افزایی نیست، بل در کیفیت «بینش‌یابی» و نیت «کنش‌ورزی نورانی» است. هم‌چنانکه در حدیث نورانی آمده است: لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّلْعِيمِ وَ التَّلْعُمِ «علم با تعلیم و تعلیم فراوان حاصل نمی‌شود و یا در جایی دیگر فرموده است: لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّلْعِيمِ، إِمَّا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مِّنْ بَرِيءٍ اللَّهُ؛ علم با فراگیری حاصل نمی‌شود، بلکه نوری است که در قلب هر کس که خداوند - تبارک و تعالی - بخواهد هدایت کند، قرار می‌گیرد!»

چه بسیار کتاب‌های حجیم و مقالات وزین و اندیشه‌های عظیم که کارشان فقط متورم ساختن ذهن است اما به همان میزان، وجود آدمی را از تحول درونی باز می‌دارند و او را کودن‌تر و تهی‌تر می‌سازند.

به‌راستی، چگونه تواند بود که کتاب و کتاب‌خوانی که باید منبع الهام و کشف و شهود باشند، خود به سدی بزرگ در برابر کشف و شهود تبدیل می‌شوند؟

چگونه می‌توان از دام «کتاب‌خوانی تکاثری» آزاد شد و به «کتاب‌خوانی کوثری» ارتقا یافت؟

چگونه می‌توان از «حصار مطالعه دام‌گستر»، رها شد و به مطالعه «ذهن‌گستر» راه یافت؟

به راستی، چگونه می‌توان «آزادی از مطالعه کتابی» را برای «آزادی مطالعه غیر کتابی» فراهم کرد؟

چگونه می‌توان فرایند «یادگیری ذوق‌مدار» را از سلطه فرآورده‌های «یادگیری نمره‌مدار» آزاد کرد؟

چگونه می‌توان ذهن شاگردان را از مدرسه‌ای شدن و دانش‌آموزشگاهی و بسته‌بندی‌های آموزشی رهایی داد؟

چگونه می‌توان فرایند «اندیشه‌سازی» را جایگزین فرآورده‌های «اندیشه‌آموزی» کرد؟

چگونه می‌توان یادگیری «بینش‌زا» را از هرگونه هدف‌گذاری «دانش‌افزا» آزاد کرد؟

چگونه می‌توان «انگیزه‌یادگیری غریزی» را از دام «انگیزه‌سازی تجاری» نجات داد؟

این همه، زمانی محقق می‌شود که هیچ تلاش «ارادی» برای ایجاد انگیزه خواندن و مطالعه کردن صورت نگیرد؛ زیرا بزرگ‌ترین مانع احیای انگیزه درونی، ایجاد انگیزه بیرونی است، و انگیزه درونی کتاب‌خوانی زمانی احیا و ایقا می‌شود که هیچ اقدام رسمی برای ترویج همگانی کتاب و کتاب‌خوانی به شیوه‌ای «غیر ارتجالی» صورت نگیرد!

شاید ضروری‌ترین نیاز فرهنگی نسل کنونی از «مطالعه کردن قلبی» این باشد که خود را از دام «مطالعه کردن قلبی» آزاد سازد!

آن که همواره در تلاش است که فقط ذهن خود را از کسب «علوم حصولی» لبریز کند، بی‌آنکه بدانند همواره قلب خود را از امکان جذب «علوم حضوری» خالی می‌کند و آن که سعی می‌کند صرفاً با خواندن کتاب، «آگاهی ذهنی» و «معلومات حفظی» به‌دست آورد، در همان لحظه امکان کشف «آگاهی قلبی» و «معرفت فطری» را از دست می‌دهد! زیرا هیچ‌کس جز آنچه شخصاً و قلباً از درون کشف کرده باشد، چیزی نمی‌داند، اما آن که معرفت خویش را از مخزن دیگران برگرفته است، از خزینه معرفت وجودی خویش دورگشته و غفلت را به جای آگاهی، توهم کرده است.

معرفت کز اصطلاح ما و من جوشیده است  
غفلت است و تو آگاهی توهم کرده‌ای (بیدل)

برای «خلق» اندیشه‌های تازه، باید از اسارت اندیشه‌های «خلق شده» آزاد شد و برای کشف «دانایی بینش‌زا»، باید شهامت حذف «دانایی حجاب‌زا» را در خود پرورش داد و برای خوانش علم «وجود» باید از حصار علم «موجود» آزاد شد!

«ای عبد، اگر علم تو را از علم نراند و به علم جز در علم در نیایی، تو در حجاب علم بوی!»

ای عبد، اگر از علمی به علمی در حجاب شوی، به حجاب قریب مُحْتَجَب گشته‌ای و از علمی به حجاب جهل مُحْتَجَب نشوی که به حجاب بعید، مُحْتَجَب بوی!

ای عبد، علم و جهلت را به دریا فکن تا تو را عبد گیرم و امین نویسم! ای عبد! از میان حروف در آی تا از سحر برهی!

ای عبد، علمت را در تعلمت بر دوش کش، تا هرگاه آن را آموختی، آنچه بر دوش داری بیفکنی.

و مرا فرمود: «گر علمت را منحصر به خود کردی و از خدا ندانستی، در حجاب علم گرفتاری و چیزی ندانی، و گر عملت را به خود منحصر نساختی و آن را از خدا دانستی، عاری از بار عملی!» و مرا فرمودند: «در علم بنگر، اگر معرفت را ندیدی، از آن علم حذر کن، و در معرفت بنگر، اگر علم را ندیدی، از آن معرفت بر حذر باش!»

و مرا فرمود: «مطلع، رویت علت بود و مطلع در علت، رویت معلول بود!»

و مرا فرمود: «ای عالم، میان خویش و علم، فارقی از معرفت بنه و گرنه علم تو را به خویش کشد و حجاب تو گردد!!»

این همه از آن رو نقل شد تا نقدی آشکار باشد بر آنچه در

**به‌راستی، چگونه تواند بود که کتاب و کتاب‌خوانی که باید منبع الهام و کشف و شهود باشند، خود به سدی بزرگ در برابر کشف و شهود تبدیل می‌شود؟**

نهان به نام مطالعه علمی و علم مطالعه در این زمان و مکان در جریان است.

امروزه سواد نوین، حجاب جهل عظیم شده است و جهل عظیم، قلب سلیم را پوشانده است. از این رو، چه می‌توان گفت در حق علم و دانشی که خود حجاب علم و دانش شده و چه می‌توان کرد در حق فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی که خود بزرگ‌ترین حجاب کتاب و کتاب‌خوانی شده است؟ و چه زیبا و شگفت‌انگیز گفت آن امام راحل به فرزند سائل که:

«در رفع حُجُب کوش نه در جمع کُتُب»، گیرم کتب عرفانی و فلسفی را از بازار به منزل و از محلی به محلی انتقال دادی یا آنکه نفس خود را انبار الفاظ و اصطلاحات کردی و در مجالس و محافل آنچه در چنته داشتی عرضه کردی و حضار را فریفته معلومات خود کردی و با فریب شیطانی و نفس اماره خبیث‌تر از شیطان، محموله خود را سنگین‌تر کردی و با لُعبه ابلیس مجلس‌آرا شدی و - خدای نخواست - غرور علم و عرفان به سراغت آمد که خواهد آمد، آیا با این محموله‌های بسیار به حُجُب افروزی یا از حجب کاستی؟ خداوند - عزّ و جل - برای بیداری علما آیه شریفه *مَثَلُ الَّذِينَ حَمَلُوا الثَّوْرَةَ* را آورده تا بدانند انباشتن علوم - گرچه علم شرایع و توحید باشد - از حُجُب نمی‌کاهد، بلکه افزایش دهد، و از حُجُب صغار او را به حُجُب کبار می‌کشد.<sup>۲</sup>

این چنین است که امروزه فزونی کتاب بیرون، ما را از نورانیت کتاب درون دور ساخته و سواد سیاهی مدرسه فرصت کشف سواد فطری را از ما دربروده است و آنچه را فراگرفته می‌شود نه از برای رهایی جان و روان، که برای خودنمایی و نام و نان به کار گرفته می‌شود! «دریغا که مردم در بند آن نیستند که چیزی بدانند؛ بل که در بند آن‌اند که خلق در ایشان اعتقاد کنند که عالم‌اند.» (عین‌القضات)

«خواجه پنداشت که من علم دوستم. خود مباحات و فخر دوست بود، علم را آلت آن ساخت. دوستی علم تبع افتاد، او بدان سبب پس افتاده!

تو مقصود دل می‌نگر که از علم چیست؟ جاه یا مال یا مباحات و بزرگ‌منشی و خوش‌کامی و خویش‌داری؟ نفی خود می‌طلبی یا اثبات خویش؟ در طرح هوای خود می‌کوشی یا مراد هوای خویش؟

عاشق نام و پیام و فرمان دوستی یا عاشق نام و کام خویش؟ خود را در رضای او می‌بازی یا رضای او در متابعت هوای خویش؟» (رسائل، خواجه عبدالله انصاری: ۱۹۵)

ما را مطالعه بیرون، از طلعت درون بازداشته است و خلعت

## شاید ضروری‌ترین نیاز فرهنگی نسل کنونی از «مطالعه کردن قلبی» این باشد که خود را از دام «مطالعه کردن قلبی» آزاد سازد!

مدرک و رتبه، ما را از چشیدن طعم حیات طیبه خلع نموده است.

از این رو، گام نخست در سنت کتاب‌خوانی وجودی «پاک کردن دل، شفاف‌سازی ذهن، و گشایشگری روح و روان برای شناخت حقیقت، و حقیقت شناخت از طریق سواد فطری» است؛ دستیابی به این شناخت بدون تنزیه ذهن از شناخت شناخته‌ها و خالی شدن دل از وهم فهمیدن‌ها امکان‌پذیر نیست؛ شناخت و فهمی که خود مخفیگاه شناخت و فهم ما از حقیقت شده است.

از این منظر برخلاف تصور مألوف و تعریف‌های معمول، «خواندن» بیش از آنکه رمز‌گشایی<sup>۱</sup> علائم و نشانه‌های نوشتاری یا باز یافت اطلاعات صریح یا ضمنی از یک متن باشد، مکاشفه‌ای است فاعلی برای خلق معنا از متن، - و حتی فراتر از متن - تا هر کس به سبک خود به دانش پژوهی و بینش‌ورزی خلاقانه بپردازد.

اگر خواندن را توانایی شناخت، درک، تفسیر و ارتباط معنی‌دار با متن‌های نوشتاری تلقی کنیم، آنگاه در خواهیم یافت که خواندن در جامعه امروز، به‌ویژه با ظهور فضای مجازی معنا و مفهومی متفاوت به خود گرفته است.

مفهوم خواندن بیش از آنکه محدود به کسب معلومات و فزونی شناخت باشد معطوف به حذف و نفی آن چیزی است که خواننده را از ساحت کشف و خلق باز می‌دارد.

بنابراین، خواندن واجد کارکردی دوگانه است: یکی زدایش آنچه می‌دانیم و دیگری زایش آنچه باید بدانیم؛ یکی ویرانی دانسته‌های انجمادی، و دیگری پدیدآوری ندانسته‌های انبساطی؛ یکی رمز‌گذاری معانی و دیگری رمز‌گشایی از معانی؛ یکی حذف کردن دانش ذهنی، و دیگری جذب کردن بینش قلبی؛ یکی یادآوری آنچه داریم و دیگری، فراموش کردن آنچه نباید به یاد آوریم؛ یکی «یادگیری معنی‌دار» و دیگری «نایادگیری طوطی‌وار» که بی‌گمان باید وجه سلبی آن بیش از وجه ایجابی آن باشد تا خواندن به کنشی قهرمانانه و بینشی خلاقانه ارتقا یابد. از این رو، بهترین راه دست یافتن به مطالعه بینش‌زا، اجتناب فعال از مطالعه دانش‌افزا (بدون نورافزایی) است.<sup>۵</sup>

### \* پی‌نوشت

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۴؛ مشکاة الانوار، ص ۳۲۵.
۲. از کتاب: در محضر حضرت دوست. محمدبن عبدالله نفی (ترجمه): دکتر محمودرضا، صفحات ۲۵۴ و ۲۵۵.
۳. بخشی از نامه امام راحل (ره).
4. Encoding
۵. برای بسط و بحث بیشتر بنگرید به کتاب «در ستایش هیچ‌آموزی»، عبدالعظیم کرمی. انتشارات قدیانی.

# کتابخانه انسانی

## به اشتراک گذاشتن جامعه با خود<sup>۱</sup>

نویسنده: ارین ونتس<sup>۲</sup>  
مترجم: محمدامین اسپروز

خواننده پس از نگاه کردن به فهرست کتاب‌ها، که دارای عنوان و توضیحی کوتاه است، می‌تواند کتابی را انتخاب کند و برای مدتی کوتاه به امانت بگیرد. سپس خواننده، کتاب را برای مکالمه‌ای تک‌به‌تک ملاقات می‌کند. خواننده‌ها می‌توانند سؤال کنند، راهنمایی بخواهند، در مورد موضوعی متفاوت بیاموزند و زمینه‌های مشترک را پیدا کنند. این مکالمه‌ها نسخه‌ای از پیش تعیین شده برای جهت‌دهی به بحث ندارند؛ بنابراین، هر ملاقات منحصر به فرد است.

کتابخانه‌های انسانی ابتدا در سال ۲۰۰۰ میلادی در دانمارک شکل گرفتند و پس از آن، این ایده فراگیر شد. اولین کتابخانه‌های انسانی در آمریکا در سال ۲۰۰۸ توسط کتابخانه بین بریج<sup>۱</sup> در واشنگتن و کتابخانه سانتامونیکا<sup>۲</sup> شکل گرفت. رویداد کتابخانه بین بریج، با استقبال گسترده خواننده‌ها روبه‌رو

### اشاره

عموماً در کتابخانه با کتاب و نوشته سروکار داریم. در مقاله حاضر با نوعی از کتابخانه آشنا می‌شویم که به جای کتاب، با انسان‌های متفاوت روبه‌رو می‌شویم.

عملکرد کتابخانه‌های انسانی مشابه سایر کتابخانه‌هاست؛ با این تفاوت که در کتابخانه انسانی، به جای کتاب، انسان ودیعه گرفته می‌شود. افرادی که برای «کتاب انسانی» شدن داوطلب می‌شوند، معمولاً افرادی با تجارب فردی یا رویکردی خاص به زندگی هستند و معمولاً ماهیتی کلیشه‌وار دارند. کتاب‌های انسانی طبق توافق پذیرفته‌اند که با سایر اعضای انجمن، که به آن‌ها «خواننده» می‌گویند، بی‌پرده صحبت کنند. هر که بخواهد می‌تواند به‌عنوان خواننده در این طرح شرکت کند.

## کتابخانه‌های انسانی، از طریق دیالوگ تک‌به‌تک، فضای برای مردم، چه خواننده و چه کتاب، ایجاد می‌کنند تا بتوانند ایده‌ها را واکاوی کنند. تمایل دارند از کوچک‌ترین فرصت در زندگی روزمره خود استفاده کنند و تجاربشان را به اشتراک بگذارند



شد. در پایان برنامه، کتاب‌های انسانی به گروه‌های کوچکی از خوانندگان ودیعه داده شد تا تعداد بیشتری بتوانند در طرح مشارکت کنند. دو رویداد کتابخانه‌سانتامونیکا، که در مجموع ۹ ساعت طول کشید، بیش از ۲۵۰ شرکت کننده داشت در لیزمور<sup>۳</sup> استرالیا، استقبال مردمی باعث شد رویداد کتابخانه‌انسانی به صورت ماهیانه در شهر برگزار شود. در آنجا، معمولاً بحث بیش از زمان تعیین شده به درازا می‌کشد. در سال ۲۰۱۱، رویداد کتابخانه‌انسانی در کنفرانس سالیانه مسئولیت‌های اجتماعی انجمن کتابخانه‌های آمریکا نیز برگزار شد.

### چرا کتابخانه‌های عمومی باید برنامه کتابخانه‌انسانی برگزار کنند

کتابخانه‌های انسانی در امتداد کتابخانه‌های موجود شکل گرفته‌اند. در نتیجه، کتابخانه‌ها برای برگزاری چنین رویدادی به خوبی آماده‌اند. راه‌اندازی یک کتابخانه‌انسانی مستلزم ایجاد فهرست کتاب‌ها به همراه توضیح کوتاهی درباره هر کدام از آن‌ها، صدور کارت کتابخانه، روندی برای ودیعه گرفتن و سایر فعالیت‌هایی است که به صورت روزانه در کتابخانه‌ها انجام می‌پذیرد. همانند کتابخانه‌های عمومی، برای کتابخانه‌های انسانی نیز پوشش دادن سطح گسترده‌ای از مطالب برای داشتن «مجموعه‌ای متناسب» الزامی است. کتابدارها برپایه کتابخانه‌انسانی و عملکرد آن را تسهیل می‌کنند. به علاوه، مراجعه‌کنندگانی که از کتابخانه استفاده می‌کنند ممکن است از وجود برنامه اطلاع پیدا کنند و خواننده شوند. کتابخانه‌های عمومی زمینه‌ای مناسب برای چنین طرحی فراهم می‌آورند.

به علاوه، کتابخانه‌انسانی با ماهیت کتابخانه عمومی همسوست. کتابخانه عمومی، انجمنی عمومی و مکانی برای تبادل نظر است. بسیاری از کتابخانه‌های عمومی به عنوان مکان‌هایی برای یافتن اطلاعات و یادگیری، شناخته می‌شوند. کتابخانه‌های انسانی، از طریق دیالوگ تک‌به‌تک، فضای برای مردم، چه خواننده و چه کتاب، ایجاد می‌کنند تا بتوانند ایده‌ها را واکاوی کنند. دیورا جیکوبز<sup>۴</sup>، کتابدار سابق کتابخانه عمومی سیاتل، معتقد است که به اشتراک گذاشتن اطلاعات باعث حیات کتابخانه می‌شود؛ یعنی در کتابخانه به کاربران نقطه‌نظرهای متفاوتی برای در نظر گرفتن ارائه می‌شود.

کتابخانه که رسالت آن ایجاد فضایی امن و بی‌طرف است، برای خوانندگان محیطی آزاد برای طرح سؤالات موشکافانه ایجاد می‌کند. فعالیت کتابخانه‌انسانی در راستای تحقق هر چه بیشتر این رسالت کتابخانه‌هاست.

پروژه‌های کتابخانه‌انسانی برای کتابخانه‌های عمومی فرصت همکاری با سایر نهادها را ایجاد می‌کنند. کتابخانه بین‌بریج در واشنگتن و کتابخانه‌سانتامونیکا مؤسسان اولین کتابخانه‌های انسانی در ایالات متحده هستند که پس از کشف یکدیگر، به همکاری و اشتراک منابع پرداختند. همکاری با سایر سازمان‌ها باعث افزایش منابع کتابخانه، توان و دسترسی مردم و ارتقای سطح کتابخانه در جامعه می‌شود. تقویت روابط با سایر سازمان‌ها از طریق کتابخانه‌انسانی و دیگر برنامه‌ها، ارزش کتابخانه را در جامعه افزایش می‌دهد.

از همه مهم‌تر، کتابخانه‌انسانی کتابخانه را با مردم پیوند می‌دهد. از آنجا که کتاب‌ها و خوانندگان از بطن جامعه‌اند، بدون شک ساختارهای محلی در روند برنامه تأثیر گذارند. لذا بهتر است برپاکنندگان این رویداد، برنامه‌ها را با شرایط محلی تطبیق دهند. از طریق این برنامه‌ها، کتابخانه عمومی جامعه را با خود به اشتراک گذاشته و محلی برای افراد ایجاد می‌کند تا تجارب خود را بیان کنند و با یکدیگر ارتباط برقرار سازند. کتاب‌های انسانی تمایل دارند از کوچک‌ترین فرصت در زندگی روزمره خود استفاده کنند و تجاربشان را به اشتراک بگذارند. شرکت در کتابخانه‌های انسانی، برای آن‌ها فرصتی برای شنیده شدن فراهم می‌کند. میان کتاب‌ها و خوانندگان تعاملی سودمند ایجاد می‌شود. بازخوردهای مشتاقانه‌ای که از بسیاری از رویدادها به دست آمده است، نشان می‌دهد که کتابخانه‌انسانی نیازهای برآورده نشده را تحقق می‌بخشد. ایجاد این روابط فردی، جامعه را گردهم می‌آورد. برگزاری کتابخانه‌های





انسانی، جایگاه کتابخانه را هر چه بیشتر در تاروپود جامعه مستحکم می‌کند.

توجه رسانه‌ها و علاقه مردم نشان‌دهنده ارزش برنامه است و باعث ترویج کتابخانه می‌شود. کتابخانه با برپایی کتابخانه انسانی، نوآور به نظر می‌رسد و کتابخانه‌های عمومی از نو بودن این ایده می‌توانند سود ببرند. کتابخانه سانتامونیکا با برگزاری برنامه کتابخانه انسانی، مورد توجه اخبار محلی، ملی و بین‌المللی قرار گرفت؛ رویداد کتابخانه بین‌بریج باعث معروفیت کتابخانه شد و در روزنامه‌های محلی تقدیرنامه‌های بسیار دریافت کرد. سازمان کتابخانه انسانی در بیانیه‌ای اعلام کرده است: «رویدادهایی این‌چنینی کمک می‌کنند کتابخانه‌های عمومی در حکم بخشی جدانشدنی از توسعه روابط جامعه و انسجام اجتماعی در نظر گرفته شوند. کتابخانه به مکانی برای تعاملات اجتماعی میان بازدیدکنندگان تبدیل می‌شود و این امر، به فعالیت‌های متنوع کتابخانه زوایایی تازه می‌بخشد.» برنامه کتابخانه انسانی برای کتابخانه مانند روابط عمومی مثبت عمل می‌کند.

### برگزاری یک برنامه کتابخانه انسانی

با اینکه درباره جزئیات برگزاری کتابخانه انسانی باید به صورت مجزا برای هر کتابخانه تصمیم‌گیری شود؛ کلیات آن یکی است. باید در کتابخانه هیئت برنامه‌ریزی شکل بگیرد. این هیئت که ممکن است فقط از دو نفر تشکیل شده باشد، نحوه استخدام کتاب‌ها زمان و مکان رویداد، مدت آن، زمان هر بار و دیعه گرفتن کتاب و سایر جزئیات تدارکاتی را مشخص می‌کند. علاوه بر این، مانند هر رویداد دیگری، باید تبلیغات صورت گیرد. این هیئت باید برای ساخت فهرستی قابل فهم، با هر کتاب همکاری کند و بتواند درباره مشخصات منحصربه‌فرد

هر کتاب توضیح کوتاهی به خوانندگان ارائه دهد. هیئت پیش از برگزاری رویداد، باید حداقل یک جلسه همسوسازی برگزار

کند تا کتاب‌ها به هم معرفی شوند، تمرین کنند و بدانند باید انتظار چه چیزی را داشته باشند. با برنامه‌ریزی دقیق، هر کتابخانه عمومی می‌تواند یک کتابخانه انسانی موفق برگزار کند.

با توجه به اینکه این رویداد را سایرین نیز برگزار کرده‌اند، کتابخانه‌های عمومی می‌توانند از تجربه‌های به دست آمده استفاده کنند.

سازمان‌های بین‌المللی از سال ۲۰۰۰ کتابخانه‌های انسانی برگزار کرده‌اند و در طول این مدت، از

اشتباهاتشان آموخته‌اند، راهکارها را فرمول‌بندی کرده و منابع را یافته‌اند.

سازمان کتابخانه انسانی بسیاری از این اطلاعات را در تارنمای (وسایت) خود جمع‌آوری کرده است. کسانی که این رویداد

را برگزار کرده‌اند برای سایرین راهنماهایی دقیق، تحلیل شرایط هر کتابخانه، تجارب و مستندات ساده‌ای به جا گذاشته‌اند. برخی

از پیشنهادهایی که از این تجارب حاصل شده شامل، برگزاری مصاحبه با کتاب‌های

بالمقوه پیش از رویداد، برگزاری رویداد در ساعات کاری کتابخانه و در یک مکان

مرکزی است. استخدام کتاب‌ها دشوارترین بخش راه‌اندازی کتابخانه انسانی است.

### نتیجه‌گیری

کتابخانه انسانی همان کارکرد و هدف

کتابخانه را در خود دارد. هدف کتابخانه عمومی در راستای حمایت از مأموریت کتابخانه انسانی قرار دارد. کتابخانه‌ها با

برگزاری کتابخانه انسانی، هر چه بیشتر در جامعه ادغام می‌گردند و از این رو، قوی‌تر می‌شوند. کتابخانه‌های عمومی

با الگو قرار دادن رویدادهای پیشین، می‌توانند در وقت، انرژی و منابع صرفه‌جویی کنند. زمان مهمی فرا رسیده است؛ محرک‌های اولیه فراهم شده‌اند اما اشتیاق برای برگزاری این

برنامه همچنان کم است.

### \* پی‌نوشت

1. The Human library: sharing the Community with itself
2. Erin Wentz
3. Bainbridge public Library
4. Santa Monica (Calif.) public Library
5. Lismore
6. Deborah jacobs



در کتابخانه انسانی، به جای کتاب، انسان و دیعه گرفته می‌شود. افرادی که برای «کتاب» شدن داوطلب می‌شوند، معمولاً «افرادی با تجارب فردی یا رویکردی خاص به زندگی» هستند و معمولاً ماهیتی کلیشه‌وار دارند



# لذت بخش ترین کار دنیا

صغری ملکی

مدرس دانشگاه فرهنگیان امیرکبیر البرز

می شود. بنابراین، هدف اصلی من در هر کلاسی ایجاد علاقه به کتاب خوانی بود.

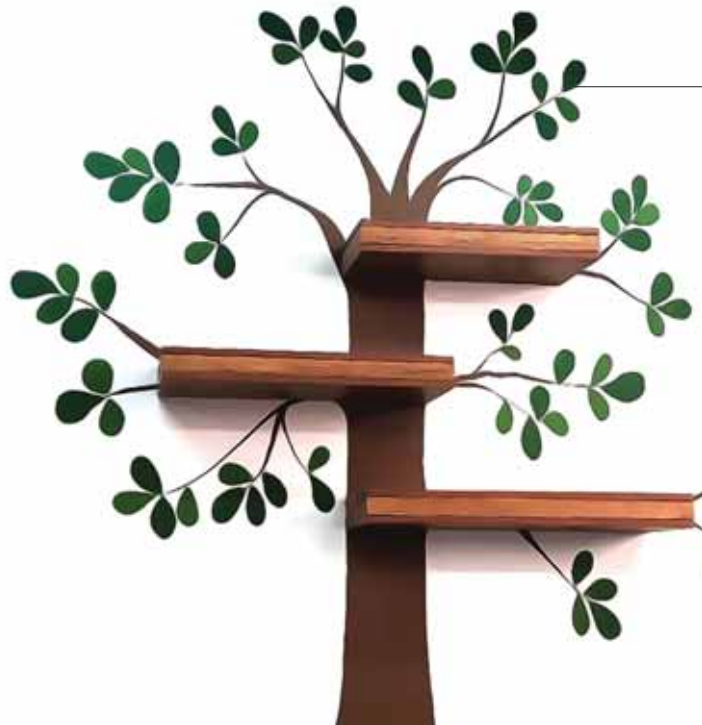
همیشه در ابتدای سال تحصیلی، من و دانش آموزانم کتابخانه‌ای برای کلاس درست می کردیم؛ بیشتر کتاب‌ها را بچه‌ها از خانه می آوردند اما بسیاری را هم پول جمع می کردیم و می خریدیم. یادم می آید آن سال‌ها در انتهای کتاب‌های فارسی هر پایه، ۵۲ کتاب با توجه به ۵۲ هفته مفید سال تحصیلی (هر هفته یک کتاب) معرفی می شد. نمی دانم هنوز هم چنین فهرستی در انتهای کتاب فارسی وجود دارد یا نه. راستش چند سالی است در پایه‌های دیگر تدریس می کنم و از تغییرات جدید تا حدودی بی خبرم. کتاب‌های معرفی شده در انتهای کتاب فارسی، کتاب‌هایی عالی و خواندنی از نویسندگان و ناشران سرشناس بودند. یادم می آید که چگونه تقریباً به آن ۵۲ انتشارات مراجعه می کردم تا تک تک آن ۵۲ کتاب را برای کلاس تهیه کنم. بچه‌ها پول جمع می کردند و من هم وظیفه تهیه کتاب را به عهده می گرفتم. روزی که خریده‌ها و جمع‌آوری‌ها تمام می شد، نوبت افتتاح کتابخانه بود. کمد و قفسه نداشتیم و معمولاً پشت پنجره و روی طاقچه، قفسه‌های کتابخانه‌مان می شد. سال‌های اول یکی از دیوارهای کلاس را طناب کشی می کردیم و کتاب‌ها را روی طناب می انداختیم اما متوجه شدیم که طناب، کتاب‌ها و به‌ویژه کتاب‌های سنگین را پاره می کند. کتاب‌ها را طوری که بچه‌ها جلد و نامشان را ببینند، پشت پنجره‌ها می چیدیم و هر کس هر کتابی را دوست داشت، برمی داشت و برای خواندن به خانه می برد. یادم می آید یکی از بچه‌ها به تقلید از کتابخانه‌های عمومی، پیشنهاد درست کردن جیب‌های مقوایی برای هر کتاب را داد؛ جیب‌هایی که داخلشان یک نوار باریک کاغذی می گذاشتیم تا هر دانش‌آموزی که کتاب را به امانت می برد و می خواند، نامش را روی آن بنویسد. به کمک بچه‌ها این جیب‌های مقوایی را برای تمام کتاب‌ها درست کردیم و داخل هر کدام نوار کاغذی باریکی قرار دادیم. یادم می آید در پایان سال، وقتی کتاب‌ها را جمع می کردم تا سال بعد دوباره از آن‌ها استفاده کنیم، اسامی بچه‌ها را روی نوارهای کاغذی می دیدم. معمولاً هر کتاب را همه بچه‌ها به ترتیب خوانده و اسامی‌شان را روی آن کاغذها نوشته بودند.

همیشه در ماه‌های ابتدایی سال، کارم سخت بود و این ایجاد علاقه به کتاب خوانی بسیار کند پیش می رفت اما وقتی علاقه ایجاد می شد، دیگر حرکت شروع شده بود. برای علاقه‌مند کردن بچه‌ها به کتاب خوانی علاوه بر مواردی مثل توجه به عاملیت

تا قبل از مدرسه، اشتیاقی سیری ناپذیر به خواندن کتاب داشت؛ خودش که نه، اینکه کسی برایش کتاب بخواند و او بدون پلک زدن به دهان خواننده نگاه کند و هنوز خواننده به خط پایان نرسیده است، بگوید: «یکی دیگه، یکی دیگه، یه قصه دیگه.» پارسا، خواهرزاده‌ام، را می گویم؛ تا قبل از مدرسه رفتن، همیشه با کتابی در دست در حال التماس به این و آن بود تا آن را برایش بخوانند. محال بود به خانه‌شان بروی و از خواهش‌ها و سماجت‌های بسیارش در خواندن کتاب در امان باشی. راستش پیشتر از همه به سراغ من می آمد؛ شاید چون معلم هستم و با این خلق و خواها آشنایم و راستش را بخواهید، این اشتیاق از نظر من عالی و خوشایند هم هست. برای همین، همیشه با لبخند از او استقبال می کردم و ساعت‌ها برایش کتاب می خواندم. آن سال‌ها همیشه پیش خودم فکر می کردم او که حالا این‌طور است، اگر خودش خواندن یاد بگیرد چگونه می شود؟ پارسا امسال کلاس سوم است. تقریباً دو سال و چند ماه از ورودش به مدرسه می گذرد. او حالا خواندن یاد گرفته است اما دیگر خواندن را دوست ندارد، کتاب را دوست ندارد، شور و شوقی هم ندارد. من یک معلم هستم و بی تردید، نمی توانم علت این بی‌رغبتی را فقط از ناحیه معلم و مدرسه بدانم اما می توانم به جرئت بگویم که ما معلم‌ها تأثیر شگفت‌آوری بر همه رفتارهای کودکان، از جمله علاقه‌شان به کتاب و کتاب خوانی، داریم.

من چند سالی معلم کلاس دوم بوده‌ام. پایه دوم ابتدایی پایه حساسی برای خواندن است. بچه‌ها در کلاس اول، خواندن را یاد می گیرند و در پایه دوم این توانایی باید تمرین و تثبیت شود. تمرین‌های فشرده در زمینه تقویت و توسعه مهارت خواندن یکی از برنامه‌های اساسی اکثر معلمان پایه دوم است اما گاهی برخی معلمان توجه ندارند که همین تمرین‌های سفت و سخت گاهی نتیجه معکوس می دهد و عواقب جبران ناپذیری برای کودکان دارد. پایه‌های اول و دوم سال‌های آغازین مدرسه هم هستند و اگر حس و حال بدی در بچه‌ها درباره هر چیزی، به‌ویژه کتاب و خواندن، ایجاد شود خیلی چیزها را تحت الشعاع قرار می دهد که جبران‌شان دشوار است.

برای من در هر پایه‌ای که تدریس می کردم، علاقه‌مند کردن بچه‌ها به خواندن بیشتر از تمرین برای افزایش مهارت خواندن اهمیت داشت؛ چون معتقد بودم که اگر ابتدا علاقه ایجاد شود، دیگر کسی یا چیزی جلودار فرد نخواهد بود و او عاملان و خودجوش می خواند و می خواند و با این کار مهارتش هم تقویت



آموزشی مدرسه‌ای بودم؛ مدرسه‌ای کوچک که حتی اتاق کافی برای پایه‌های مختلفی هم نداشت؛ چه برسد به کتابخانه و اتاقی برای این کار. اصلاً کتابی هم در مدرسه نبود، اما آیا باید دست روی دست می‌گذاشتیم؟

یادم می‌آید در همان ابتدای سال، شروع به حل این مشکل کردم. اول از همه به کمک بچه‌ها، دوستانم، اولیا، مدیر و معلمان مدرسه، کلی کتاب خریدیم و جمع‌آوری کردیم. تعداد قابل توجهی کتاب جمع‌آوری شد اما مشکل دیگر، محدودیت فضای فیزیکی بود. در آن مدرسه واقعاً فضای کافی و مناسب برای این کارها وجود نداشت. حتی خود من هم که معاون مدرسه بودم، اتاق نداشتم و میز و صندلی‌ام را در انتهای سالن گذاشته بودم، اما مشکل کتابخانه را به هر حال باید حل می‌کردم. تا مدتی کتاب‌های جمع‌آوری شده را در کارتنی نزدیک میز گذاشته بودم. به نظر من در دوره ابتدایی بچه‌ها برای انتخاب کتاب باید

جلد آن را ببینند؛ آن را ورق بزنند و بعد، امانت بگیرند. باید فکری برای راه‌اندازی کتابخانه و بساط کتاب‌ها می‌کردم؛ طوری که بچه‌ها به راحتی کتاب انتخاب کنند. به فضای نسبتاً بزرگی نیاز داشتم و کارتن و حتی کمد و قفسه کار مرا راه نمی‌انداخت. بچه‌ها باید خودشان کتاب را انتخاب می‌کردند نه اینکه من کتابی را از کارتن یا قفسه‌ای بیرون بکشم و به آن‌ها بدهم که بخوانند. یادم می‌آید میز پینگ پونگی

را تا کرده و در گوشه‌ای از سالن گذاشته بودیم و گاهی که هوا مناسب بود، در زنگ ورزش از آن استفاده می‌کردیم. فکر کردم که آن میز می‌تواند فضایی برای بساط کردن کتاب‌های ما باشد. زنگ آخر روزهای چهارشنبه را زنگ کتابخانه اعلام کردم. میز پینگ پونگ را وسط سالن می‌گذاشتیم و به کمک بعضی از بچه‌های کلاس‌های بالاتر، کتاب‌ها را روی آن می‌چیدیم. دانش‌آموزان هر کلاس گروه گروه می‌آمدند، دور میز چرخ می‌زدند، کتابی انتخاب می‌کردند و به امانت می‌گرفتند یا کتاب‌های امانتی را تحویل می‌دادند. یادم می‌آید در اواخر سال، حتی کلاس اولی‌های مدرسه‌مان هم که تازه خواندن یاد گرفته بودند، می‌آمدند. چقدر ذوق داشتند که کتاب‌خوان شده‌اند! کتاب‌هایی در حد آن‌ها هم در مجموعه قرار داده بودم تا قدرت انتخاب داشته باشند و کتاب‌های سطح بالا آن‌ها را نترساند و بی‌انگیزه نکند. با اینکه هر هفته، آوردن میز و چیدن کتاب‌ها روی آن و در پایان جمع کردن کتاب‌ها، میز و ... زمان‌بر بود، هیچ هفته‌ای نشد که زنگ کتابخانه، میز پینگ پونگ، چیدن و امانت دادن کتاب‌ها تعطیل شود؛ حتی اگر اتفاقی می‌افتاد و برنامه ناخواسته‌ای پیش می‌آمد. کتاب‌خوانی نبض و قلب فعالیت‌های یک مدرسه است. آن را در هر پستی که هستیم، مدیر، معاون، مربی پرورشی، معلم و ... دریابیم. کاری کنیم که بچه‌ها عاشق خواندن شوند و اشتیایی سیری‌ناپذیر برای کتاب و کتاب‌خوانی پیدا کنند.

## باید طوری برای آن‌ها کتاب خواند که ذوق کنند و این را لذت‌بخش‌ترین کار دنیا بدانند

دانش‌آموزان و همکاری آن‌ها در تهیه کتاب‌ها و ایجاد کتابخانه، مهم‌ترین کار من کتاب خواندن هدفمند در کلاس بود. معمولاً هر روز یا دو سه روز یک‌بار، داستانی را برای بچه‌ها می‌خواندم. برای علاقه‌مند کردن بچه‌ها، نحوه خواندن، کتاب اهمیت بسیاری دارد. باید طوری برای آن‌ها کتاب خواند که ذوق کنند و این را لذت‌بخش‌ترین کار دنیا بدانند. معمولاً هر قصه‌ای را بارها و بارها در کلاس‌های گذشته خوانده بودم اما برای هر گروه جدید، طوری می‌خواندم که انگار خودم هم اولین بار است داستان را می‌شنوم. هیجان داشتم که آخر داستان چه می‌شود و این حس و علاقه و هیجان به دانش‌آموزانم هم منتقل می‌شد. راستش این‌گونه خواندن برای من چندان هم تصنعی و نمایشی نبود؛ چون هر بار که قصه‌ای، حتی تکراری، را برای گروهی می‌خوانی چون گروه، جدید است حال و هوایت هم تازه می‌شود و این حال و هوای تازه روی دانش‌آموزانست هم تأثیر می‌گذارد. در ابتدای سال برای بچه‌ها خیلی کتاب می‌خواندم؛ آن هم با کیفیتی که همه را مسحور می‌کرد. سکوت عجیب و گاهی ترسناک، نگاه پر اشتیاق و منتظر و احساس اینکه کتاب‌خوانی چقدر لذت‌بخش است، در هنگام کتاب‌خوانی‌هایم در کلاس موج می‌زد.

بعد از دو سه ماه کتاب‌خوانی به این شکل و جلب توجه بچه‌ها به لذت کتاب خواندن، دیگر این بچه‌ها بودند که به کتابی می‌چسبیدند و حتی زنگ‌های تفریح هم از کلاس بیرون نمی‌رفتند.

علاقه‌مند کردن بچه‌ها به کتاب و کتاب‌خوانی فقط به دوره معلمی من محدود نمی‌شد. یادم می‌آید چند سالی معاون

### مقدمه

بر اساس مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش تحت عنوان آیین‌نامه اجرایی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مصوب ۸۹/۶/۲) مواد آموزشی ارسال شده به بخش سامان‌دهی، بعد از بررسی کارشناسان هر رشته به صورت فهرستگان رشد، کتاب‌نامه رشد الکترونیکی به عنوان یکی از راهکارهای اجرایی مصوبه مذکور، تولید شده و در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. در این نمودار با تولیدات مختلف بخش سامان‌دهی و فعالیت‌های آن آشنا می‌شوید.

بهر روز رضایی  
کارشناس طرح سامان‌بخشی

## رشد در خدمت کتابخوانی

### نشان ویژه محصولات آموزشی و تربیتی استاندارد



هدف: بررسی هزاران منبع آموزشی و تربیتی در سال و معرفی صدها منبع آموزشی مناسب و استاندارد برای استفاده در آموزشگاه‌های پیش‌دبستان، ابتدایی، متوسطه اول و دوم، فنی و حرفه‌ای و کار دانش و آموزش و پرورش کودکان استثنایی



### کتاب‌نامه رشد

شامل فهرست توصیفی تمام کتاب‌های آموزشی و تربیتی مناسب و استاندارد در یک سال بر حسب دوره آموزشی کتاب‌نامه‌های رشد دو سال است که فقط به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. اطلاعات این کتاب‌نامه‌ها از طریق نمایه‌های متعددی که دارند، به سرعت در دسترس است. برای خواندن و دریافت رایگان آن‌ها به وبگاه سامان کتاب مراجعه کنید.



### فهرستگان رشد

شامل فهرست توصیفی منابع آموزشی و تربیتی مناسب و استاندارد منتخب در حوزه‌های مکتوب و غیرمکتوب فهرستگان سال گذشته و امسال به همه مدارس کشور، از جمله مدرسه شما، ارسال شده است.



### فصلنامه جوانه

فصلنامه‌های الکترونیکی که به ابعاد مختلف سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی می‌پردازد. برای خواندن و دریافت رایگان این فصلنامه به وبگاه سامان‌کتاب مراجعه کنید.



### راهنمای تولید منابع آموزشی

عنوان یک مجموعه راهنما درباره تولید منابع آموزشی مناسب و استاندارد است و به پدیدآورندگان و تولیدکنندگان می‌گوید که چگونه منابع آموزشی مناسب تولید کنند. این راهنماها در دو دسته منابع مکتوب و غیر مکتوب تولید شده‌اند. منابع مکتوب بر اساس دوره و موضوع درسی‌اند. برای خواندن و دریافت رایگان آن‌ها به وبگاه سامان‌کتاب و سامانه کنترل کیفیت منابع غیر مکتوب مراجعه کنید.



### جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد

جشنواره محلی برای رقابت سالیانه کتاب‌های مناسب و معرفی کتاب‌های برتر از میان آن‌هاست. دوره پانزدهم این جشنواره اواخر پاییز برگزار می‌شود. در وبگاه سامان‌کتاب درباره جشنواره اطلاعات بیشتری می‌یابید.



### وبگاه سامان‌کتاب

در این وبگاه اخبار و اطلاعات بیشتری درباره برنامه‌ها و فعالیت‌های سامان‌دهی سازمان پژوهش می‌خوانید. وبگاه سامان‌کتاب در این نشانی قرار دارد:  
<http://samanketab.roshdmag.ir>



### سامانه‌های کنترل کیفیت منابع مکتوب و غیر مکتوب

در این سامانه‌ها تازه‌ترین منابع آموزشی و استاندارد به‌طور روزانه معرفی می‌شود. این دو سامانه را در این نشانی ببینید:  
سامانه کنترل کیفیت منابع مکتوب  
<http://samanketab.roshd.ir>  
سامانه کنترل کیفیت منابع غیر مکتوب  
<http://standard.roshd.ir>

# لاک پشت پرنده

## راهی برای گفت‌وگو درباره کتاب

مریم محمدخانی

نویسنده، پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان

بهترین انتخاب را داشته باشند. علاوه بر خانواده‌ها، معلمان، کتابداران، مدارس، کتابفروشان و ... هم می‌توانند با استفاده از این فهرست که نتیجه کار گروهی عده‌ای از کارشناسان، منتقدان، و نویسندگان کودک و نوجوان است، کتاب انتخاب کنند. کتاب‌های پیشنهادی این گروه نسبت به دیگر آثار هر فصل برجسته‌ترند و عناصری دارند که آن‌ها را متمایز و شایسته پیشنهاد می‌کند. کتاب‌های راه‌یافته به فهرست لاک پشت پرنده شش تا سه امتیاز دریافت می‌کنند. کتاب‌هایی با ارزش شش لاک پشت، بیش‌ترین هماهنگی را با معیارهای اعلام شده دارند و افزون بر این، نکته‌ای ویژه در محتوا یا فرم آن‌ها به چشم می‌خورد؛ کتاب‌هایی با ارزش پنج لاک پشت، بیش‌ترین هماهنگی را با معیارهای اعلام شده دارند؛ کتاب‌هایی با ارزش چهار لاک پشت، هماهنگی نسبی با معیارهای اعلام شده را دارند؛ کتاب‌هایی با ارزش سه لاک پشت، ضمن برخورداری از ارزش‌های ادبی ذکر شده در این متن، تضادی با معیارهای فرهنگی ذکر شده ندارند.

لاک‌پشت پرنده افزون بر معرفی کتاب‌های برتر هر فصل برای کودکان و نوجوانان ایرانی، به یاری هیئت داوران خود کتاب‌های برگزیده هر سال را نیز معرفی و به آن‌ها نشان‌های طلایی و نقره‌ای اهدا می‌کند.

کتاب‌ها براساس شیوه‌نامه‌ای مکتوب و با اصول و معیارهایی روشن به فهرست راه می‌یابند یا موفق به دریافت نشان طلایی یا نقره‌ای می‌شوند.

شاید فرق فهرست لاک‌پشت پرنده با بسیاری از نهادهای داوری، اعلام کردن اسامی داورها، اصول، شیوه اجرایی و معیارهای فهرست و نشان‌های لاک‌پشت پرنده باشد که در دسترس عموم است. این شفافیت در معیارهای داوری و ارزیابی، مخاطبان را در جریان روند انتخاب کتاب‌ها می‌گذارد و به آن‌ها امکان نقد و بررسی را می‌دهد. معیارهایی چون:

۱. هماهنگی و تناسب میان اجزای سازنده کتاب، اعم از محتوا، زبان، شکل اجرایی متن، گرافیک، آماده‌سازی، مواد به کار رفته و چاپ کتاب؛

۲. نوآوری در ارائه شکل‌های ادبی و پیشنهادهای نو در فضای ادبیات کودک ایران و جهان؛

۳. توجه به درستی، پرهیز از جانبداری و به‌روز بودن اطلاعات در کتاب‌های اطلاعاتی، اعم از کتاب‌های

یکی از روزهای پاییز ۱۳۹۰ بود که به دعوت فصلنامه «پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان» دور هم جمع شدیم. بعضی از ما پانزده نفر اولین بار بود که همدیگر را ملاقات می‌کردیم؛ چند نویسنده و شاعر و منتقد قدیمی در کنار چند نویسنده جوان و یکی دو نفر با تخصص‌های مختلف مثل روزنامه‌نگار و کتابدار.

در آن جلسه، احتمالاً اول از ترکیب ناهمگن سنی و سابقه افراد تعجب کردیم و بعد از تنوع موضوعات مورد علاقه یا کاری اعضای جلسه، اما بعد که ایده اصلی توضیح داده شد، به این فکر کردیم که آیا چنین کاری با چنین ویژگی‌هایی در کشور ما عملی است. ایده ساده اولیه این بود: گروهی کارشناس، منتقد و نویسنده همه کتاب‌هایی را که در یک فصل برای کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود داوری کنند. کتاب‌هایی را که به نظرشان قابلیت راه‌یابی به فهرست لاک‌پشت پرنده را دارند انتخاب کنند و با امتیازبندی، آن‌ها را به مخاطب پیشنهاد دهند. برای معرفی کتاب‌های فهرست هم، جشن امضایی فصلی در فروشگاه مرکزی شهر کتاب - به‌عنوان بزرگ‌ترین کتابفروشی ایران - با حضور نویسنده‌ها و مترجمان برگزار شود.

اولین واکنش‌ها به چنین ایده‌ای تردید در اجرایی شدنش بود: آیا می‌توان این همه کتاب را بی‌مزد و موجب خواند؟ آیا ناشران برای در اختیار گذاشتن کتاب‌هایشان همراهی می‌کنند؟ آیا می‌شود جشن امضایی با حضور رسمی، چهل یا پنجاه نویسنده و مترجم برگزار کرد؟ آیا مردم استقبال می‌کنند؟ آیا شهر کتاب فضای مناسبی برای این کار دارد؟ آیا مردم از فهرست استقبال خواهند کرد؟ فهرست «آیاها» ادامه پیدا کرد و کشید به اینکه آیا ما ترکیب مناسبی برای داوری هستیم؟ فرقی با بقیه چیست؟ معیارهای بررسی‌مان کدام است؟ و پرسش‌های دیگر.

اکنون خرداد ماه سال ۱۳۹۶ است و سال‌ها از جلسه آن روز گذشته است. به طور منظم هر دو هفته یک بار جلسه داوری لاک‌پشت پرنده برگزار شده و گاهی به دلیل حجم کار، این جلسات هفتگی شده است. حالا ما تقریباً جواب همه آن آیاها را می‌دانیم و خود را برای آیاهای جدیدی که در این مسیر منتظرمان هستند، آماده کرده‌ایم!

👉 **لاک‌پشت پرنده دقیقاً چه می‌کند؟**

لاک‌پشت پرنده به بچه‌ها و خانواده‌ها کمک می‌کند تا

دینی، علوم انسانی، علمی و آموزشی؛

۴. احترام به همه ارزش‌های بشری، عام و جهان‌شمول مانند صلح و امنیت، مدارا و گفت‌وگو، احترام به انسان‌ها و همدلی با آن‌ها، در کنار احترام به دیگر موجودات، مخالفت با هرگونه تبعیض، رعایت حقوق همه انسان‌ها، به‌خصوص کودکان همچنین کودکان با نیازهای ویژه و احترام به محیط زیست و ... معیارهای دوازده‌گانه لاک‌پشت در کنار آیین‌نامه‌های منتشر شده، فضایی را برای گفت‌وگو در مورد انتخاب‌های این فهرست فراهم می‌کند. جشن امضای فصلی می‌تواند بستری برای این گفت‌وگو باشد.

### راهی برای گفت‌وگو

برگزاری جشن امضاء راه را برای گفت‌وگوی بین نویسنده، مترجم و خواننده باز می‌کند. خواننده کتاب می‌تواند در فضایی طبیعی با پدیدآورندگان گفت‌وگو کند، کتاب مورد نظرش را از بین کتاب‌های مختلف انتخاب کند، از نویسنده یا مترجم آن امضا بگیرد و با او در مورد کارهایش گپ بزند.

ملاقات با پدیدآورنده کتاب در کتاب‌فروشی، مکانی که حلقه واسط بین ناشر و خواننده است، برای ما اهمیت دارد. شاید کودکانی باشند که به بهانه این جشن برای اولین بار به کتاب‌فروشی می‌آیند. در اینجا آن‌ها با انبوهی از کتاب مواجه

می‌شوند که می‌توانند از بین آن‌ها، کتابی را که دوست دارند انتخاب و خریداری کنند؛ نمایش عروسکی و قصه‌گویی را که براساس یکی از کتاب‌های فهرست اجرا می‌شود، ببینند و در کنار کودکان کتاب‌خوان دیگر در این رویداد فرهنگی، اجتماعی شرکت کنند. علاوه بر کودکان و والدین و پدیدآورندگان کتاب، در هر فصل معلمان بسیاری در جشن حضور پیدا می‌کنند تا در جریان بازار کتاب کودک و نوجوان قرار بگیرند، کتاب‌های تازه منتشر شده را ورق بزنند و با فهرست پیشنهادی لاک‌پشت پرنده آشنا شوند.

### تقسیم‌بندی گروهی کتاب‌ها

لاک‌پشت پرنده فهرست فصلی خود را با تقسیم‌بندی‌های گروهی منتشر می‌کند. تعداد لاک‌پشت‌های دریافتی هر کتاب مشخص می‌گردد و در پنج گروه ادبیات، علمی و آموزشی، دین و علوم انسانی، هنر و سرگرمی، و زیر پنج سال تقسیم می‌شود. برای هر کتاب چکیده کوتاهی نوشته می‌شود که در آن به شناسنامه کتاب، خلاصه، ویژگی‌ها و ... آن اشاره شده است.

علاوه بر این چکیده، به گروه سنی هر کتاب به کاربرد خاص آن اشاره می‌شود؛ مثلاً کتابی معرفی می‌شود که برای کودکانی که مشکل ارتباط برقرار کردن با گروه هم‌سالان دارند، مناسب است. این کتاب می‌تواند داستانی، آموزشی یا در قالب هنر و سرگرمی باشد.

### کتاب‌ها منتظر ما هستند!

این بخش را نه به‌عنوان داور لاک‌پشت پرنده، که به‌عنوان یک معلم می‌نویسم.

من فکر می‌کنم مهم‌تر از حرف‌های تکراری برای بچه‌ها در مورد فواید کتاب‌خواندن، به رسمیت شناختن علایق آن‌هاست. برای اینکه بچه‌ها کتاب‌خواندن را به‌عنوان یک سرگرمی به رسمیت بشناسند، مهم است که بتوانند کتاب مناسب خود را پیدا کنند. فکر می‌کنم برای هر آدمی در دنیا کتابی مخصوص خود او هست. یک نفر کتاب‌های ماجراجویانه دوست دارد، یک نفر عاشق دایرةالمعارف‌ها و کتاب‌های علمی است، یک نفر از خواندن کتاب‌های ترسناک کیف می‌کند و یک نفر دوست دارد زندگی‌نامه بخواند.

نباید بچه‌ها را از خواندن چیزی که دوست دارند منع کرد. کافی است بهترین‌های هر حوزه را به بچه‌ها معرفی کنیم و به آن‌ها حق انتخاب بدهیم. شاید مهم‌ترین کارکرد فهرست‌های پیشنهادی کتاب همین باشد: شناخت بهترین‌ها و فراهم کردن فرصتی که بچه‌ها از خواندن کتاب لذت ببرند.

**برای اینکه بچه‌ها کتاب‌خواندن را به‌عنوان یک سرگرمی به رسمیت بشناسند، مهم است که بتوانند کتاب مناسب خود را پیدا کنند. فکر می‌کنم برای هر آدمی در دنیا کتابی مخصوص خود او هست**





# سرنوشت کتابخانه‌ها در عصر دیجیتال

نویسنده: هالی کوربی<sup>۱</sup>  
مترجم: محمد امین اسپروز

تصویر کتابخانه‌های را تداعی می‌کند؛ که فرقی نمی‌کند در سال ۱۹۸۰ باشیم یا ۲۰۱۳. به گفته کنت الیور<sup>۲</sup>، مدیر کتابخانه، این احساس بی‌زمانی به این خاطر است که خواندن صرف‌نظر از موقعیت (زمان و مکان) همچنان اهمیت دارد. او می‌گوید: «من فکر می‌کنم بیشتر والدین فهمیده‌اند که مطالعه، اساس موفقیت در زندگی است. آن‌ها می‌دانند که کتابخانه‌ها، صرف‌نظر از ظاهرشان، برای کسب علم و مطالعه‌اند. یکی از ارزش‌های اصلی ما در اینجا ترویج عشق به مطالعه است. والدین آن را درک می‌کنند و برنامه‌های مرتبط پیش رو فقط نقش حمایت و آموزش این ارزش را دارد.» تحقیق اینترنتی اخیر پیو<sup>۳</sup> روی والدین، مطالعه و کتابخانه‌ها حاکی از آن است که دلیل اصلی مراجعه ۸۵ درصد والدین به

کتابخانه عمومی اصلی نشویل<sup>۴</sup> در ساختمانی مجلل در مرکز شهر، دارای بخش کودکان است. این بخش پر از مکان‌های راحت برای نشستن، آثار هنری بزرگ و یک سالن تئاتر با شکوه برای برگزاری نمایش‌های عروسکی و داستان‌گویی‌های تعاملی است. چندی پیش در یک بعد از ظهر گذارم به آنجا افتاد. کودکانی در سنین مختلف، در میان قفسه‌های دو طبقه‌ای کتابخانه، که متناسب با اندازه دست‌های کودکان ساخته شده است، نشسته یا روی فرش دراز کشیده بودند. دو دانش‌آموز ابتدایی در ردیف رایانه‌ها مشغول بازی آموزشی بودند و والدینشان با استفاده از رایانه‌ها کتاب‌ها را جست‌وجو می‌کردند. ردیفی از والدین و کودکان، در انتظار صحبت کردن با یکی از دو کتابدار بودند. این تصویر به طرز شگفتی قدیمی به نظر می‌رسید؛ اگر رایانه‌ها و مبللمان مدرن را نادیده بگیریم، این



کتابخانه‌ها، گرفتن کتاب برای فرزندان‌شان است و این با هدف سنتی کتابخانه‌ها و نیز اصلی‌ترین آن، که ارائه مطالب خواندنی است، تطابق دارد.

اما آیا این روند در حال تغییر است؟ با اینکه هیچ‌کس منکر ترویج سواد توسط کتابخانه نیست، انکار این مسئله هم دشوار است که انقلاب فناوری، باعث تغییر نحوه استفاده مردم از کتاب و روش‌های ارائه خدمات کتابخانه‌ها به والدین و فرزندان شده است. در برخی کتابخانه‌ها، دانش‌آموز می‌تواند کتاب‌های الکترونیکی را به صورت برخط (آنلاین) دریافت کند، از برنامه تلفن همراه برای یافتن منابع مرجع استفاده کند، در «فضاهای خلاقیت»<sup>۲</sup> تعیین شده، چیزهایی به وجود آورد، از کلاس‌های «فعالیت‌های متکی به خود»<sup>۳</sup> بهره‌برداری یا جلسه‌هایی در فضاهای اجتماعی چند کاربری برگزار کند. کتابخانه‌ها نشویل با حمایت مالی بنیاد مک آرتور<sup>۴</sup>، یک آزمایشگاه آموزشی ایجاد کرده است که نوجوانان در آن قادر به ضبط موسیقی، نوشتن داستان و مواردی از این گونه‌اند؛ فضایی آزاد پر از تجهیزات؛ آن‌طور که اولیور می‌گوید: «برای ایجاد محتوا نه فقط استفاده از آن».

در مطالعه اخیر پیو در مورد کتابخانه‌ها و اینترنت، یکی از کتابداران به محققان گفت: «من معتقدم کتابخانه‌های عمومی باید به جای «مکان دانش»، بیشتر به سمت ایجاد یک «مکان قابل دسترس» حرکت کنند. این چیزی است که عموم مردم می‌خواهند، و ما اینجا هستیم تا این را به آن‌ها ارائه دهیم.» افزون بر استفاده از فناوری، بسیاری از کتابداران معتقدند که اطلاعات و امکان دسترسی به آن، با هم ارتباط نزدیک دارند. آن‌ها بر این باورند که هنوز کتابخانه مسئولیت هر دو موضوع را به عهده دارد.

به گفته کیت هویت<sup>۵</sup>، کتابدار مدرسه فاربروک<sup>۶</sup>، واقع در شورت هیلز نیوجرسی، امروزه برای کتابخانه‌ها امکان انتخاب بین یکی از دو موضوع اطلاعات و در دسترس بودن مطرح نیست. او می‌گوید: «من تلاش می‌کنم کتابخانه‌ام را به مرکزی برای یادگیری، همکاری، اجتماع، تنوع و نوآوری تبدیل کنم. کتابخانه‌ها باید برای رفع نیاز مراجعه‌کنندگان و دانش‌آموزان تکامل یابند. البته آن‌ها به معنای واقعی کلمه «محافظه‌کار» نیز هستند؛ به این معنا که از دانش و فرهنگ گردآوری شده در طول زمان محافظت می‌کند.»

هویت تلاش می‌کند مطالب چاپی و فناوری دیجیتال را با هم ترکیب کند، تا دانش‌آموزانش بتوانند هر دو را به خوبی درک کنند. مثال او انتقال اکثر کتاب‌های مرجع به یک پایگاه داده برخط (آنلاین) است که به تازگی انجام داده است. دایرةالمعارف‌های برخط نسبت به نوع چاپی‌شان بسیار «سریع‌تر و به‌روزتر» هستند. همچنین، پر از پیوند<sup>۱</sup> به سایر مطالب معتبرند. او می‌گوید: «با استفاده از ابزار دیجیتال، بخش منابع بسیار پربارتر است اما در مورد کتاب‌های مصور کودکان،

من ترجیح می‌دهم آن‌ها به جای خیره شدن به برنامه، به کتاب چاپی نگاه کنند.»  
کنت اولیور می‌گوید:

«اطلاعات و دسترسی به آن، پیش از دوره دیجیتال نیز برای بسیاری از خانواده‌ها وابسته به یکدیگر بوده‌اند بدون دسترسی آزادی که کتابخانه‌ها دارند، کسی نمی‌تواند اطلاعاتی را که می‌خواهد به دست آورد. من فکر می‌کنم آنچه بسیاری از مردم درباره حرفه ما فکر می‌کنند دقیق نیست، اینکه همه رایانه دارند و همه می‌توانند کتاب بخرند.»

تیفانی ورزشانی<sup>۱</sup>، مدیر خدمات کودکان و نوجوانان در کتابخانه هینسدیل، معتقد است با اینکه کتابخانه‌ها می‌توانند اطلاعات را انبار کنند اما نگاه‌دارندگان اطلاعات نیستند؛ همانند اینترنت، اطلاعات باید کشف شود. با اینکه کتابخانه‌ای که او در آن کار می‌کند در حومه شهر شیکاگو واقع شده و هم نسخه چاپی و هم دیجیتال، موسیقی و دی‌وی‌دی در آنجا موجود است، به اعتقاد او تجربه استفاده از کتابخانه باید اکتشافی و خود-راهبر باشد. با اینکه کتابخانه او به ابزار فناوری مانند جست‌وجو، رزرو کتاب و پرداخت آنلاین مجهز شده است، او بر اهمیت آموزش خودبسنده‌گی به کاربران تأکید دارد: «ما سعی می‌کنیم مردم هر چه بیشتر متکی به خود شوند و کتابخانه نیز انعطاف‌پذیرتر شود تا هر چه بیشتر پاسخگوی نیازهای مشتریان باشد.»

### چه آینده‌ای در انتظار کتابخانه است؟

وقتی به آینده می‌نگریم، فکر می‌کنیم که کتابخانه‌ها علاوه بر ایجاد دسترسی به یادگیری و اطلاعات، چه به صورت چاپی و چه به صورت دیجیتال، چه کاربرد دیگری می‌توانند داشته باشند؟

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد کتابخانه‌ها، کتابدارها هستند که در یافتن موضوعات تحقیقاتی و یافتن پاسخ، به‌طور رایگان به بازدیدکنندگان کمک می‌کنند.

اولیور می‌گوید: «ماهیت کار ما کمک به مردم است. به نظر من، ما تنها نهادی هستیم که در آن واحد فقط به یک نفر کمک می‌کند و تا نیاز او برطرف نشود دست از کار نمی‌کشد.» با اینکه بسیاری از والدین در تحقیق پیو گفته بودند ترجیح می‌دهند از خدمات تحقیقاتی برخط استفاده کنند، برگزارکنندگان تحقیق به آن‌ها یادآوری کردند که کتابدارها نه تنها پاسخ‌ها را پیدا می‌کنند بلکه به آن‌ها آموزش می‌دهند که خودشان پاسخ‌ها را به صورت دیجیتال یا چاپی، پیدا کنند. به قول معروف، «به جای دادن ماهی، به آن‌ها ماهی‌گیری یاد می‌دهند.» یک کتابدار دیگر می‌گوید:

«یک کتابدار در یافتن منابع به مراجعه‌کنندگان کمک

کتابخانه‌های عمومی باید به جای «مکان دانش»، بیشتر به سمت ایجاد یک «مکان قابل دسترس» حرکت کنند

## کتابدارها در خدمت ترویج یادگیری مادام‌العمر هستند تا بتوانند جامعه‌ای از افراد آموزش دیده داشته باشند. کتابدارها تسریع‌کننده روشنگری در جامعه هستند

می‌کند. برای مثال، وقتی فردی درباره موضوعی تخصصی در حوزه پزشکی سوآلی می‌کند، ما جواب را از طریق آموزش نحوه استفاده از پایگاه داده‌های برخط، به او نشان می‌دهیم. نظر او در مورد کتابدارهای مجازی این است که کتابدارهای واقعی از آن‌ها بسیار کارآمدترند. او می‌گوید: «ممکن است برسید چرا وجود معلم برای مدرسه حیاتی است. کتابدارها در خدمت ترویج یادگیری مادام‌العمر هستند تا بتوانند جامعه‌ای از افراد آموزش دیده داشته باشند. کتابدارها تسریع‌کننده روشنگری در جامعه هستند.»

تعیین حرکت آتی کتابخانه‌ها و چگونگی و زمان آن، عمدتاً به بودجه و سیاست‌های محلی بستگی دارد که البته تشخیص آن را مبهم و پیچیده می‌کنند. خواسته بسیاری از افراد، نه آخرین ابزار پیشرفته فناوری بلکه ساعت کار و کارکنان بیشتر است. زمانی که از اولیور پرسیده شد که واکنش کتابخانه نشویل به اندکی افزایش بودجه چه خواهد بود، لبخندی زد و گفت: «ما بسیار هیجان‌زده شدیم که شهردار بودجه‌ای در اختیار ما قرار داد تا کتابخانه در روزهای دوشنبه، که پیش از این تعطیل بود، باز باشد.»

ورزانی اشاره کرد که هر ایالت، در زمینه تأمین بودجه کتابخانه، قوانین مربوط به خود را دارد و در بسیاری از شهرها، به دلیل نیاز به بودجه برای سایر موارد، احتمالاً خدمات کتابخانه کاهش می‌یابد. او گفت:

«من فکر می‌کنم کتابخانه‌های آینده بسیار به کتابخانه‌های کنونی شبیه‌اند اما بسیاری از کتابخانه‌ها به شکاف دیجیتالی و کمبود بودجه دچارند و احساس می‌کنم که مهجور باقی مانده‌اند. متأسفانه بسیاری از کتابخانه‌ها مسئول فناوری اطلاعات ندارند و این وظیفه به‌روزرسانی، نگهداری از رایانه‌ها یا ایجاد یک وبگاه پویا را دشوار می‌سازد.»

### جادوی کتابخانه

به نظر می‌رسد ماهیت کتابخانه‌های آینده، پیچیده‌تر از کاربرد صرف کتاب‌های الکترونیکی، برنامک‌ها و استفاده خلاقانه از فضاست و این به دلیل تعامل منحصربه‌فرد میان کاربران، کتابدارها و اجزای موجود در فضای فیزیکی ساختمان کتابخانه است؛ چیزی که یکی از والدین آن را جادو می‌خواند. او می‌گوید: «اینکه گردگرد شما را کتاب فرا گرفته باشد و بتوانید در بین کتاب‌ها بگردید و کشف کنید، بسیار شگفت‌انگیز است. من عاشق اجتماع آن هستم؛ انگار ما از یکدیگر کتاب قرض می‌گیریم و آن‌ها را با هم به اشتراک می‌گذاریم. کتابدارها نیز

برای کمک به ما بسیار مشتاق‌اند.

یکی دیگر از والدینی که در تحقیق پیو شرکت کرده، معتقد است کتابخانه برای او و خانواده‌اش بسیار اهمیت دارد. کتابدارها او و خانواده‌اش را به گرفتن حداکثر مجاز ۶۰ کتاب در ماه تشویق می‌کنند. در عین حال، او و فرزندانش از امکانات کتابخانه مانند قصه‌گویی، نمایش عروسکی و دیدن آثار هنری استفاده می‌کنند. او می‌گوید:

برای ما کتابخانه نماد فرصت است. اینجا هزاران کتاب هست که ما هیچ‌وقت نمی‌توانیم بخیریم. ما یک خانواده کاری هستیم و کتابخانه موقعیت‌های فرهنگی برای ما ایجاد کرده است؛ موقعیت‌هایی که خود هرگز نمی‌توانستیم هزینه آن‌ها را برداریم. ما در کتابخانه‌مان افراد متمول و بی‌خانمان را می‌بینیم. در واقع، اینجا برش کوچکی از کل جامعه است. فکر نمی‌کنم در کل شهر جایی مثل این کتابخانه باشد. اینجا یکی از مکان‌های مورد علاقه ماست.»

همان‌طور که کتابخانه‌ها، با برخط کردن کتاب‌ها و خدمات به‌سوی آینده پیش می‌روند و بسیاری از مردم از این خدمات استفاده می‌کنند، نیاز به گرد هم آمدن با افراد هم‌فکر و کشف دانش و اطلاعات همواره ثابت خواهد ماند. اگر کتابخانه محل شما برای دیجیتالی شدن، کند است، همان‌طور که یکی از کتابدارها می‌گوید: «از خودتان پرسید چه می‌خواهید. با کتابدارها صحبت کنید و از تغییراتی که می‌خواهید ببینید حمایت کنید. اگر کتابخانه شما آنچه را می‌خواهید ندارد، مقصر خود شما هستید.» او در مورد آینده می‌گوید: «ما نمی‌دانیم در آینده چه خواهد شد ولی آماده حرکت رو به جلو هستیم؛ زیرا همواره به نیازهای اجتماع اطرافمان گوش می‌کنیم.»

### \* پی‌نوشت‌ها

1. Holly Korbey
  2. Nashville
  3. Kent Oliver
  4. Pew Study
  5. Maker Space:
- این فضاها مکان‌هایی هستند که آن دست‌سازها، نرم‌افزارها و سخت‌افزارها و وسایل دیگر برای کمک به افراد خلاق و کارآفرین گرد می‌آیند. و بچه‌ها با هم درباره ابداعات و خلاقیت‌های خود گفت‌وگو می‌کنند.
6. DIY: Do it yourself:
- روش ساخت، اصلاح یا ترمیم چیزها بدون کمک مستقیم متخصصان است.- 7. MacArthur
- 8. Kate Hewitt
- 9. Far Brook School
- 10. Hyperlink
- 11. Tiffany Verzani

### \* منبع:

۱. این مقاله در Public Libraries online در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است.



# ساقی می نخورده

سیده فاطمه شبیری

مطالعه و آموختن شیوه‌های کتاب‌خوانی، فلسفه برای کودکان و حلقه‌های کند و کاو و ...

## معلم انشا

کار در مسجد طرفداران زیادی دارد ولی ساقی می نخورده<sup>۱</sup> به مسجد خودش راضی نمی‌شود. می‌بیند در دبستان پسرش کلاس ریاضی و علوم به اندازه کافی هست اما خیر چندانی از درس انشا نیست. از معلم فرزندش اجازه می‌گیرد تا با بچه‌ها انشا کار کند و همین، باز بهانه‌ای می‌شود برای آموختن و باز هم خواندن و خواندن. این بار، یک تابستان وقت می‌گذارد برای مطالعه درباره شیوه‌های تدریس انشا و سال بعد تدریس را آغاز می‌کند. حتی با چند معلم انشا صحبت می‌کند که اگر با بچه‌ها تمرین انشانویسی نمی‌کنند، لاقلاً برایشان کتاب بخوانند. او برای سال بعد قصد توسعه کارش در زمینه آموزش انشا را دارد.

۴ سال پیش درسش که در قم تمام می‌شود به شهر خودش، دهدشت، برمی‌گردد. امامت جماعت مسجد، تدریس در حوزه و گاه‌گاهی هم تدریس در مدرسه و دانشگاه فعالیت‌هایی است که اسماعیل آذری‌نژاد، طلبه جوان و مروج کتاب با ذوق و فعال دهدشتی، پس از بازگشت به شهرش آغاز می‌کند. کمی که می‌گذرد، پی می‌برد مهم‌ترین گروهی که باید برایشان آستین همت بالا زد و کاری کرد، کودکان اما همین گروه در معرض کمترین توجه نیز هستند. او از مسجد خودش شروع می‌کند؛ مسجدی که در محلی آسیب خیز و بسیار محروم از نظر اقتصادی و فرهنگی واقع شده است. با کلاس‌های نقاشی و انشا و قصه‌خوانی در مسجد آغاز می‌کند. شب‌ها بعد از نماز حلقه قصه‌خوانی برگزار می‌کند. به فراگیری شیوه‌های قصه‌خوانی و مباحث مربوط احساس نیاز می‌کند و از این رو شروع می‌کند به



کتابخوانی زیر سایه درختان بلوط



کتابخانه پیاده‌رو ... پنج دقیقه بیا یک کتاب بخوان

قصه می‌خواند، اما روستاها زیادند و یک نفر کفاف تقاضای همهٔ بچه‌ها را نمی‌دهد. پس، طلبه‌های جوان را جمع می‌کند و برایشان کلاس آموزش کار با بچه‌ها و کتاب‌خوانی و ... می‌گذارد. مقداری کتاب و لوازم‌التحریر برای هر کدام فراهم می‌آورد و آن‌ها را راهی روستاها می‌کند. این طلبه‌های جوان، علاقه‌مند و با ذوق در ۵۰ روستا پخش می‌شوند. در ایام محرم و ماه مبارک رمضان و تعطیلات نوروز و در مجموع، هر زمان مناسبی برای بچه‌ها کلاس

اسماعیل آذری نه تنها در کلاس انشا به کمک مدرسه می‌آید بلکه از هر فرصتی برای قصه‌خوانی استفاده می‌کند؛ حتی در صف صبح‌گاه بچه‌ها. به علاوه، او همواره دغدغهٔ آموزش والدین را دارد و وقتی به مدرسه پسرش می‌رود، پدر و مادرها را دعوت می‌کند به کتاب‌خوانی برای فرزندانشان. برای آن‌ها از فواید این کار می‌گوید و بچه‌ها از اینکه پدرانشان برایشان قصه می‌خوانند، سر ذوق می‌آیند. همین دغدغه او را می‌کشاند به مغازهٔ اوستا احمد، جوان در و پنجره‌ساز محله که دو بچه دارد، تا از او خواهش کند برای بچه‌هایش کتاب بخواند؛ کتاب‌هایی که در اختیارش می‌گذارد. وقتی اوستا احمد می‌گوید کتاب‌ها را به همسرش خواهد داد تا برای بچه‌ها بخواند چون خودش وقت ندارد، از او قول می‌گیرد برای این کار وقت بگذارد. حالا اوستا احمد هر شب برای بچه‌هایش کتاب می‌خواند.

### قصه‌خوانی در روستاها

دغدغهٔ بعدی، ترویج کتابخوانی میان بقیهٔ اهالی روستاهاست. تجربهٔ قصه‌خوانی در مسجد و مدرسه، اهمیت این کار را بیشتر نشان می‌دهد و انگیزه‌ای می‌شود برای سهمیم کردن کودکان روستاهای اطراف در این تجربهٔ دل‌نشین. با دوستان پزشک و چشم‌پزشک و ... جمع می‌شوند و ماهی دو بار به روستاها می‌روند. پزشکان به کار درمان مشغول می‌شوند و اسماعیل آذری برای بچه‌های روستا



زمانی برای کتابخوانی در پارک کنار دوچرخه‌هایشان

شوند. با این فکر، از دو سال قبل آقای آذری به پارک‌های شهر می‌رود و برای بچه‌هایی که به آنجا آمده‌اند، کتاب می‌خواند. بچه‌ها در آنجا از گروه‌های سنی متفاوتی هستند و نمی‌توان برای همه آن‌ها یک کتاب خواند. راه حل چیست؟ کمک گرفتن از چند مادر برای قصه‌خوانی ... به مادرها کتاب می‌دهد؛ کتاب‌هایی که باید آن‌ها را برای بچه‌هایشان بخوانند و کتاب‌هایی که خودشان باید مطالعه کنند؛ مثلاً کتاب‌هایی در زمینه تربیت فرزند، که به آن‌ها شیوه‌های قصه‌خوانی را هم می‌آموزد.

امسال در ایام تعطیلات نوروز جلسات کتاب‌خوانی در خانه‌های بچه‌ها هم برگزار می‌شود. از قبل، کتاب را به کودکی که قرار است بچه‌ها مهمان منزل او باشند می‌دهد تا آماده شود و وقتی بچه‌ها به خانه‌اش می‌روند، آن‌ها را به شنیدن قصه مهمان کند.

کتابخوانی بچه‌ها در روستاهای شهر لنده



دارند و قصه‌خوانی می‌کنند و اسماعیل آذری به آن‌ها سر می‌زند. هر روز کار قصه‌خوانی را به طلبه‌ها منحصر نمی‌کند. از هر کدام از اهالی روستا که بتواند برای بچه‌ها کتاب بخواند یا به آن‌ها کتاب امانت دهد یا کمک می‌گیرد.

### پارک و قصه

اگر کودکی به مسجد نیاید چه؟ بچه‌هایی که مسجد نمی‌آیند نباید از لذت قصه‌خوانی محروم



وقتی از آقای آذری درباره میزان علاقه و استقبال بچه‌ها می‌پرسیم، می‌گوید که بچه‌ها هر شب به سراغش می‌روند و کتاب امانت می‌گیرند. می‌گوید: «اگر یک شب کاری پیش بیاید و نتوانم به پارک بروم، بچه‌ها پیگیر می‌شوند و سراغ می‌گیرند.»

\* بی‌نوشت

۱. نام کانال آقای اسماعیل آذری نژاد  
t.me/joinchat/Bzj9kz7uR4 - 8 TajFghaXsA



# جایزه آساهی

## نرگس معینی

دو سال یک بار به دو گروه یا مؤسسه اهدا می‌شود که سهمی ماندگار در ترویج کتاب‌خوانی بین کودکان و نوجوانان داشته‌اند. از سال ۱۹۹۸، هر یک از شعبه‌های ملی ایبی کتاب‌های برگزیده مورد نظر خود را به دفتر بین‌المللی این مؤسسه اعلام می‌کند و داوران این مؤسسه بین‌المللی این گزینه‌ها را برای مشخص شدن برنده بررسی می‌کنند. برخی از معیارهای برگزیده شدن در این جایزه از این قرارند:

● این پروژه تا چه حد در پشتیبانی از اهداف ایبی موفق بوده است؟

- آیا این برنامه حامیان مالی مشخص یا احتمالی دارد؟
- آیا این پروژه حداقل از دو سال پیش از نامزد شدن برای جایزه وجود داشته است، پایدار و ماندگار است و چارچوبی برای رشد بیشتر فراهم می‌آورد؟
- این طرح چه تأثیراتی می‌گذارد؟ آیا بر مخاطبان موردنظر خود نتیجه‌بخش است؟
- آیا این برنامه خلاقانه و نو است؟
- آیا قابلیت این را دارد که به دیگران مدلی برای دنبال کردن ارائه دهد؟
- آیا می‌توان نتایج حاصل از پروژه را سنجید؟

## معرفی چند طرح برگزیده جایزه آساهی

### ۱. طرح با من بخوان



مؤسسه پژوهشی غیردولتی تاریخ ادبیات کودکان از سال ۱۳۷۹ در حوزه ادبیات کودک و نوجوان فعالیت می‌کند. در سال ۱۳۸۵ این مؤسسه برای کمک به کودکان کار و خیابان، صندوق توانمندسازی کودکان کار و محروم را بنیاد نهاد و سپس در پی موفقیت آن، در صدد اجرای طرحی جامع برای ترویج کتاب‌خوانی به نام با من بخوان برآمد. این برنامه، که با هدف ترویج کتاب‌خوانی در میان کودکان خانواده‌های کم‌درآمد، کودکان محروم و کودکان در بحران راه‌اندازی شده، تاکنون در ۶ استان کشور، از شیرخوارگاه آمنه و بیمارستان محک تا بم و سیستان و بلوچستان، اجرا شده

چندی پیش خبر رسید که طرحی ایرانی به نام «با من بخوان» برنده جایزه‌های بین‌المللی در حوزه کتاب‌خوانی شده است: جایزه ترویج کتاب‌خوانی ایبی - آساهی. این اتفاق انگیزه‌ای بود برای تحقیق و شناخت بیشتر این جایزه و برندگان قبلی‌اش. هرچند بررسی تجارب گروه‌های مختلف از کشورهای مختلف، که برای محقق شدن هدف مشترک ترویج کتاب‌خوانی کوشیده‌اند، نیازمند مطالعه مفصل‌تری است، در اینجا پس از معرفی جایزه، به اختصار، برخی از برندگان را خواهیم شناخت.



## جایزه ترویج کتاب‌خوانی ای بی بی - آساهی

دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان، یا به اختصار IBBY، مؤسسه‌ای غیرانتفاعی مربوط به ادبیات کودک و نوجوان است که اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- ترویج تفاهم بین‌المللی از دریچه ادبیات کودک؛
- فراهم آوردن امکان دسترسی به کتاب‌های استاندارد و باکیفیت برای کودکان در همه جای دنیا؛
- حمایت از نشر و توزیع کتاب‌های باکیفیت کودک و نوجوان، به خصوص در کشورهای در حال توسعه؛
- حمایت از افرادی که به نحوی با کودکان و ادبیات کودک و نوجوان درگیرند و آموزش آن‌ها؛
- تشویق افراد به تحقیقات مربوط به این حوزه؛
- حمایت از حقوق کودکان براساس پیمان‌نامه حقوق کودک سازمان ملل.

از جایزه‌های مطرحی که این مؤسسه اهدا می‌کند، می‌توان به جایزه هانس کریستین آندرسن، که به نویسندگان و تصویرگران کتاب کودک اهدا می‌شود، اشاره کرد.

جایزه ترویج کتاب‌خوانی ایبی - آساهی نیز از طرف این مؤسسه و با پشتیبانی مالی روزنامه ژاپنی آساهی - شیمون،



است. همچنین، ده‌ها کتابخانه در مناطق محروم از طرف این مؤسسه و با کمک نیکوکاران مجهز شده‌اند. به گفتهٔ داوران ایبی، این حرکت در پایدار و بادوام کردن تأثیرات این برنامه بسیار مؤثر است.

نخستین گام اساسی این برنامه گزینش آگاهانهٔ کتاب‌های مناسب و باکیفیت، طبقه‌بندی سنی و موضوعی آن‌ها و رساندن بسته‌های کتاب به خانواده‌ها و آموزشگاه‌هاست. گام دوم، سهیم شدن کتاب‌ها با کودکان و نوجوانان از طریق شیوهٔ بلندخوانی است. این شیوه تجربهٔ گروهی معناداری برای کودکان می‌سازد و درک آنان را به مرحلهٔ جدیدی منتقل می‌کند. در این جلسات کتابخوانی، به فعالیت‌های مرتبط هنری دیگر همچون کاردستی و نقش بازی کردن نیز توجه می‌شود. در گام سوم، مربیان و علاقه‌مندان، با گذراندن دوره‌های مربوط در مؤسسه، برای این حوزه تربیت می‌شوند.

ارزیابی دقیق برنامه‌های اجرا شده در دو دستهٔ کمی و کیفی راه را برای پیشرفت مداوم طرح هموار می‌کند. در بخش شاخص‌های کمی به مسائلی همچون تعداد کودکان شرکت‌کننده، کتب توزیعی و مربیان آموزش‌داده شده، و در بخش کیفی به رشد زبانی و شناختی کودکان توجه می‌شود.

ایبی در سال ۱۳۹۵ جایزهٔ ترویج کتابخوانی را به این طرح اهدا کرده است.

## ۲. بانک کتاب کودک

این طرح کانادایی در سال ۲۰۱۴ جایزهٔ ایبی - آساهی را از آن خود کرد. هدف اصلی بانک کتاب حمایت از کودکان مناطق کم‌درآمد تورنتو است. مسئولان بانک کتاب پس



از جمع‌آوری کتاب‌های دست‌دوم سالم خانواده‌ها و کتاب‌های فروش‌رفتهٔ ناشران و توزیع‌کننده‌ها، آن‌ها را در کتابفروشی مرکزی خود قرار می‌دهند. کودکان و خانواده‌هایشان می‌توانند با بازدید از این کتابفروشی، روزی یک کتاب رایگان دریافت کنند. متخصصان ادبیات کودک در این مرکز در انتخاب کتاب به کودکان و والدین کمک می‌کنند. این مرکز برنامه‌های دیگری نیز برای کودکان اقشار کم‌درآمد ترتیب داده است؛ مثلاً برنامهٔ اردوی مدارس، با اختصاص زمان ویژهٔ کتابخوانی و امکان انتخاب یک کتاب رایگان پس از اردو. همچنین، هر سال از دانش‌آموزان بزرگ‌تر همین محلات برای کار در این مؤسسه دعوت می‌شود تا در محیطی که از پیش با آن آشنا نیستند، تجربهٔ کاری به دست آورند.

بانک کتاب کودک اکنون با گسترش دامنهٔ کاری خود، علاوه بر فروشگاه اصلی، کتاب‌ها و مواد آموزشی را از طریق مراکز

اجتماعات محلی، مدارس و کلینیک‌های پزشکی این محلات، به دست کودکان می‌رساند.

## ۳. سیپار



سیپار یک سازمان مردم‌نهاد فرانسوی است که در سال ۱۹۸۲ برای ارائهٔ خدمات به پناهنده‌های کامبوجی در خاک فرانسه تأسیس شد. بعدها در سال ۱۹۹۲، پس از بیست سال جنگ، این سازمان پا به کامبوج نهاد. در این ۲۵ سال سیپار تمرکز خود را به پرورش خواندن، آموزش از طریق خواندن و نبرد بر علیه بی‌سوادی معطوف کرده است. سیپار علاوه بر تجهیز کتابخانه‌های حدود ۳۰۰ مدرسه، تأسیس کتابخانه در مراکز عمومی و تربیت گستردهٔ کتابدار، تعدادی کتابخانهٔ سیار نیز برای خدمت‌رسانی به محروم‌ترین مناطق راه‌اندازی کرده است. همچنین، متولیان سیپار برای پایدار کردن برنامه‌شان، با مؤسسات کامبوجی به‌صورت هماهنگ عمل می‌کنند و خود افراد کامبوجی را نیز در کار مشارکت می‌دهند. این افراد محلی به کمک این برنامه برای توسعهٔ پایدار کشور خود می‌کوشند.

**مسئولان بانک کتاب پس از جمع‌آوری کتاب‌های دست‌دوم سالم خانواده‌ها و کتاب‌های فروش‌رفتهٔ ناشران و توزیع‌کننده‌ها، آن‌ها را در کتابفروشی مرکزی خود قرار می‌دهند. کودکان و خانواده‌هایشان می‌توانند با بازدید از این کتابفروشی، روزی یک کتاب رایگان دریافت کنند**

# باغ کتاب

بهانه‌ای برای تبدیل شهر به مدرسه

علیرضا منسوب بصیری



شده است که ایشان و همکارانشان ایده سفر را طراحی خود در نظر بگیرند؛ سفری که از باغ کتاب شروع می‌شود و طی آن مسافران به پختگی می‌رسند و این همان اتفاقی است که در سفر خواندن کتاب برای خواننده می‌افتد.

تمرکز روی ایده سفر باعث شد که باغ کتاب اقلیم‌های مختلفی داشته باشد؛ از اقلیم‌های خیالی تا شخصیت‌های مختلف واقعی و داستانی، که هر کدام در گوشه‌ای از باغ جا خوش کرده‌اند؛ شخصیت‌های برآمده از داستان‌های خاطره‌انگیز و به قول فرنگی‌ها نوستالژیک!

در باغ کتاب سفر یادگیری فقط منحصر به کتاب نیست. در آنجا هم‌سفران می‌توانند به باغ علم بروند و با هم پدیده‌هایی را که در کتاب‌های علمی فقط تعریفش را شنیده‌اند، تجربه کنند. طراحان باغ تلاش زیادی کرده‌اند که فرصت‌های تجربه زیاد و متنوع باشد و با یک‌بار سفر کردن از مزه نیفتند.

## همدلی برای طراحی

بین طراحی مفهومی و طراحی با جزئیات تفاوت زیادی

در ایامی که مشغول جمع‌آوری مطالب این شماره بودیم، باغ کتاب تهران سرانجام بعد از سال‌ها که کلنگ احداث آن به زمین خورده بود، افتتاح شد. در جلسه تحریریه، تصمیم گرفته شد که به جای رفتن به این محل و عکس انداختن از ساختمان و قفسه‌های کتاب و سایر چیزهایی که آنجاست، به سراغ یکی از مجموعه‌هایی بروم که در طراحی باغ کتاب نقش داشته‌اند. برای همین، به مؤسسه هم‌نوا رفتم و با یکی از هموطنانمان که رشد و بالندگی کودکان ایران برایش بسیار اهمیت دارد، گفت‌وگو کردم. آقای ترقی‌جاه، مدیر عامل مؤسسه هم‌نوا که وظیفه طراحی مفهومی باغ کتاب را داشته است، در این گفت‌وگو از فرایند طراحی باغ، دغدغه‌هایی که در این طراحی اثرگذار بوده است و همچنین از مأموریت‌های باغ کتاب گفتند.

## بسیار سفر باید تا پخته شود خامی

ابتدا از مأموریت باغ کتاب تهران پرسیدم و آقای ترقی‌جاه آن را پر کردن خلأهای آموزش رسمی کشور بیان کردند. به اعتقاد ایشان آموزش رسمی ما برای یاد دادن تفکر، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و... کاستی‌ها و خلأهایی وجود دارد که باعث





## با مجله‌های رشد آشنا شوید

### مجله‌های دانش آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

**رشد کودک** برای دانش آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

**رشد نوجوان** برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

**رشد دانش آموز** برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

### مجله‌های دانش آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

**رشد نوجوان** برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

**رشد جوان** برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

**رشد جوان** برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

**رشد جوان** برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

### مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴

آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

♦ وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

وجود دارد. طراحی مفهومی به بررسی امکان اجرای ایده‌ای که در ذهن بنیان‌گذاران طرح است، کمک می‌کند. وقتی شما طراحی مفهومی می‌کنید، از طراحی به‌عنوان رسانه برای تحریک بحث و گفت‌وگو و به چالش کشیدن مفروضات مخاطب و کاربر کمک می‌گیرید. از آقای ترقی‌جاه درباره فرایند طراحی مفهومی باغ کتاب سؤال کردم که به نظر خودم حاصل همه صحبت ایشان یک عبارت و آن «همدلی با مخاطب» بود. گروه طراحی باغ کتاب برای اینکه بتواند ایده اصلی خود، یعنی سفر را به یک طرح مفهومی قابل اجرا تبدیل کند، با افراد و خانواده‌های مختلفی گفت‌وگو کرده؛ مخاطبانی که به گفته ایشان با دقت زیادی از میان قشرهای مختلف و مناطق گوناگون شهر انتخاب شده بودند.

طراحان باغ کتاب معتقد بودند که هدف طراحی باغ کتاب، به رسمیت شناختن فضاهای شهری برای ایجاد موقعیت و فرصت یادگیری است و هر فردی، حتی اگر در تهران زندگی نکند، می‌تواند با ایده گرفتن از طراحی باغ کتاب از فضاهای فیزیکی شهر خود و همچنین اتفاقات فرهنگی آن برای ایجاد فرصت یادگیری استفاده کند.

### برای سفر چی با خود ببریم؟

یکی از سؤالات این بود که معلمان و مربیانی که می‌خواهند شاگردان خود را به باغ کتاب ببرند، چه باید بدانند و چه چیزی را باید از قبل آماده کنند. کارهای معلم را می‌توان در سه بخش: پیش از سفر، حین سفر و پس از سفر دسته‌بندی کرد. نخستین کاری که معلم یا مربی باید انجام دهد، شناخت باغ کتاب است. پیشنهاد می‌شود معلم ابتدا به تنهایی یا همراه همکاران خود بازدید از باغ کتاب داشته باشد تا قبل از هر چیزی، خودش را در باغ کتاب پیدا کند. در آنجا حتماً با سؤالاتی روبه‌رو می‌شود که پاسخ آن‌ها در سفر به باغ کتاب است.

حالا نوبت به طراحی بازدید است. اینکه بازدید از کجا آغاز شود و شامل چه بخش‌هایی باشد و شاگردان از کجا و چه مسیرهایی حرکت کنند، موضوعی است که باید در طراحی بازدید مورد توجه قرار گیرد. یک طراحی خوب کمک می‌کند که روز سفر و زمان حضور در باغ کتاب به معلمان و شاگرد خوش بگذرد.

### پایان سفر

یک سفر خوب با برگشتن از سفر تمام نمی‌شود. یک مربی باید برای پس از سفر نیز برنامه داشته باشد. فعالیت‌های مختلفی متناسب با سن شاگردان می‌شود طراحی کرد که پس از بازگشت از سفر انجام شود؛ نوشتن گزارش، نقاشی کشیدن و برگزاری جلسات دورهمی پس از بازدید از باغ کتاب باعث می‌شود سفر خاطره‌انگیزی در ذهن بچه‌ها بماند. خوب است مربیان، نظرسنجی و نوشتن تأملات و درس‌آموخته‌های از سفر را نیز جزء تکالیف خود قرار دهند تا در برنامه‌های بعدی به‌کارشان بیاید.

# برای کتاب خوانی دیجیتال به کجا برویم؟

فرشته سعیدی

چند سالی است که برنامه‌های موبایلی (اپ) زیادی در بازار نشر ایران رشد کرده‌اند و به فروش قانونی کتاب‌ها به صورت الکترونیکی و دیجیتال به علاقه‌مندان به مطالعه کتاب روی تبلت و تلفن همراه می‌پردازند. همچنین باعث شده‌اند که فارسی‌زبانان خارج از ایران بتوانند به راحتی کتاب‌های فارسی و مجلات منتشر شده در ایران را مطالعه کنند.

 <p>فیدیبو مطالعه برای همه، همه وقت، همه جا</p> <p><a href="http://fidibo.com">http://fidibo.com</a></p>	<p><b>فیدیبو</b> نخستین و بزرگ‌ترین سرویس کتاب‌خوان دیجیتال که نرم‌افزار آن برای تمام سیستم‌های عامل تبلت و تلفن همراه پهنه‌سازی شده است؛ بیش از ۱۳۰۰۰ کتاب را میزبانی می‌کند و با ۴۰۰ ناشر در ارتباط است.</p>
 <p><a href="https://taaghche.ir">https://taaghche.ir</a></p>	<p><b>طاقچه</b> فروشگاه نسخه الکترونیکی قانونی کتاب‌ها مجلات و روزنامه‌های فارسی است و امکان مطالعه آن‌ها را روی تلفن‌های هوشمند و تبلت‌های اندروید و iOS فراهم می‌کند.</p>
 <p><a href="https://www.ketabrah.ir">https://www.ketabrah.ir</a></p>	<p><b>کتابراه</b> نیز مانند دیگر برنامه‌های موبایلی کتاب‌خوانی مرجع قانونی دانلود کتاب الکترونیکی است. در کتابراه برای همه سلیقه‌ها از داستان، رمان و شعر گرفته تا روان‌شناسی، تاریخی، علمی و ... کتاب‌هایی پیدا می‌شود.</p>
 <p><a href="http://www.faraketab.ir">http://www.faraketab.ir</a></p>	<p><b>فراکتاب</b> نیز یک برنامه کتاب‌خوان و دانلود قانونی کتاب است؛ با این تفاوت که علاوه بر کتاب‌های معمولی، کتاب‌های چندرسانه‌ای هم دارد. کتاب‌های چندرسانه‌ای علاوه بر متن و عکس با محتواهای چندرسانه‌ای مانند صوت و فیلم نیز غنی شده‌اند. فراکتاب نسل امروز کتاب‌های الکترونیکی است و فقط بر بسترهای تلفن یا تبلت قابل استفاده است.</p>



اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال

## رشد برای رشد

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۲۳۳۳-۸۸۴۹۰ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد:

♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

♦ استان:

♦ شهرستان:

♦ خیابان:

♦ پلاک:

♦ شماره پستی:

♦ شماره فیش بانکی:

♦ مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۲۰۸

♦ Email: [Eshterak@roshdmag.ir](mailto:Eshterak@roshdmag.ir)

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال



# خلاقیت در ترویج کتابخوانی

## # کتابخانه ی زنبیلی



جواد ماهر معلمی جوان، بسیار خلاق و علاقه‌مند اهل تربت حیدریه است. او اکنون با کتابخانه زنبیلی اش عطر کتاب را در اطراف آپارتمان کوچکش پراکنده است و کلی مشتری کتابخوان کودک و نوجوان دارد.

- رومینا باید شش سالش باشد. مشتری پروپاقرص کتابخانه زنبیلی‌مان. حالا آمده است، می‌گوید: «کتاب بزرگانه هم دارید؟ برای بابام می‌خوام».

بچه‌ها وقتی تربیت بزرگ‌ترها را آغاز می‌کنند، تماشایی می‌شوند.

- علی کلاس اولی‌مان وقتی زنبیل را می‌گذارم توی پارکینگ و بچه‌ها جمع می‌شوند و کتاب برمی‌دارند، با دوچرخه دورمان می‌چرخد و کشیک می‌دهد. دیروز بچه‌ها که رفتند، آمد سر زنبیل؛ به کتاب‌های رو به اتمام نگاهی انداخت و گفت: «باید از کتاب‌هایم به کتابخانه کمک کنم». خانه که رفتیم، رفت سراغ قفسه کوچک کتاب‌هایم نیم ساعتی بین آن‌ها وول خورد و بعد، با چهار تا کتاب آمد پیشم: «این‌ها برای کتابخانه».

## # کتابخانه سیار

سیداسعد فیض ابتدا فهرستی تهیه می‌کند از خانواده‌هایی که در منزل آن‌ها افراد باسواد زندگی می‌کنند. در مرحله دوم، پارچه‌ای آماده می‌کند و روی آن می‌نویسد: «کتابخانه سیار».

در گام بعدی، خورجینی را به پشت می‌اندازد و آن را پر از کتاب می‌کند. سپس، پارچه نوشته‌اش را هم به پشت الاغ می‌بندد؛ طوری که همه اهالی روستا از طرح جدید آقای مدیر مطلع شوند.

او سپس فهرست خود را بر می‌دارد و همراه با نشانی خانه‌های مشخص شده، به سراغ تک تک خانه‌های روستا می‌رود و طرح «کتابخانه سیار» را توضیح می‌دهد: «از این به بعد روزهای شنبه کتاب برایتان می‌آورم. هفته بعد همین روز می‌آیم تا این کتاب را تحویل بگیرم و کتابی جدید به شما بدهم.»

## # کوله کتاب

در هر کوله حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ جلد کتاب برای گروه‌های سنی مختلف با اولویت کودک و نوجوان ارسال می‌شود و بعد از یک ماه کوله بین روستاها جابجا می‌شود خبر خوب اینکه در یک سال هر روستا حدود ۱۵۰۰ جلد کتاب برای مطالعه در اختیار دارد. با ارسال کوله برای دانش آموزان دختر هم هدیه داده می‌شود.



عکس: حمید جعفری



عکس: آرمن صمیمی

روز کتاب، کتابخوانی  
و کتابسازان



عکاس: اعظم لاریجانی

